



پیام فدائی

مرگ برای ما
و گشای زنجیرش

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

بهاء: ۱۰۰۰ ریال

فروردین و اردیبهشت ۶۹ - ۴۴ صفحه

سال پنجم شماره ۳۲



نگاهها به بودجه سال ۶۹ جمهوری اسلامی

جنگ به حیات و هستی کارگران و توده‌های محروم ما تحت عنوان برنامه «بازسازی» سازمان داده است، «قانونیت» بخشد، بموازات ارائه این لایحه، سران رژیم تبلیغات ریاکارانه دامنه داری را نیز سازمان دادند و لایحه بودجه خود را بودجه‌ای «ضد تورم» و «محرومیت‌زدا» نامیدند. آنها

رژیم جمهوری اسلامی در واپسین روزهای سال ۶۸ لایحه بودجه سال آینده خود را از تصویب مجلس شورای اسلامی گذراند. با تصویب این لایحه، مجلس رژیم در حقیقت امر به بخش دیگری از بورژوازی وابسته حاکم در چهارچوب برنامه ۵ ساله خویش در شرایط پس از

پیام چریکهای فدائی خلق ایران بمناسبت روز جهانی کارگر

کارگران ستم‌دیده و مبارز ایران! در آستانه اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)، روز جهانی کارگر هستیم. صد و چهارمین سالگرد جنبش اول ماه مه فرا میرسد و گردانهای بیضمار ارتش جهانی کارگران میروند تا در بهنه گیتی و در سطوح و اشکال مختلف، بار دیگر عید خود را جشن بگیرند و یاد جاودان رهبران دلاور و مبارز طبقه‌شان را پاس دارند و با تداوم راه و جنبشی که با خون آنان رنگین شده است، نبردی متحد و یکپارچه بر علیه تمامی مظاهر غارتگرانه جهان کهنه، جهان سرمایه‌داری و ارتجاع را بیوستگی بخشند. برچم سرخی که صد و چهار سال پیش از این در اول ماه مه ۱۸۸۶ توسط کارگران دلاور آمریکایی به

«توده‌های جوان» در سنگر «شاه جوان»

۶۹ صفحه

گزیده‌هایی از صدای چریکها

۲۰ صفحه

«سیستم مالیاتی جدید در انگلستان»

و تظاهرات توده‌ای بر علیه آن

۲۶ صفحه

پیام چریکهای فدائی خلق ایران به مناسبت نوروز ۶۹

۴۴ صفحه



- ۱۳ - شعری از برتولت برشت
- ۱۹ - کمکهای مالی
- ۲۸ - اخبار و گزارشهای خبری
- ۳۳ - ایران از تریچه آمار
- شهنای فروردین و اردیبهشت ماه
- ۴۲ - چریکهای فدائی خلق و روز شمار

تیمت دوم

گزارش هیات تحقیق در خدمت تکاپو

رژیم ضدایستکار جمهوری اسلامی

۱۵ صفحه

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

نگاهی به بودجه سال ۶۹ جمهوری اسلامی

از صفحه ۱

فریبکارانه ادعا کردند که در سال آتی با این بودجه در صدند که ضمن افزایش "تولید" مملکت با "تنورم" و "محرومیت" و "فقر" گسترده توده ها مبارزه کرده و "رفاه" برای آنها به ارمغان بیاورند.

اما سواى این اباطیل پرطعراق بررسی محتوای لایحه مصوبه مجلس نشان میدهد که بودجه سال ۶۹ اساساً تنظیم قانون پس وحنیانه تری برای حفظ و استحکام نظام سرمایه داری وابسته و تحکیم سلطه امپریالیسم و وابسته کردن هرچه بیشتر مملکت به آنان می باشد؛ بهمین اعتبار از هم اکنون بساط قاطعیت میتوان گفت که ما اصل این برنامه در پائین سال جاری برای میلیونها تن از کارگران و توده های محروم ما جز فقر و گرسنگی و فشار بیشتر و افزایش تورم نخواهد بود. تورمی که به اعتراف مخبر کمیسیون برنامه و بودجه رژیم برای ده درصد جامعه نعمت است.

نظری اجمالی به برخی از رثوس این لایحه بخوبی روند تشدید فقر و مسکنت توده ها و ستم و سرکوب بیسابقه ای که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در صد است با اجرای این برنامه بر زندگی مردم رنجیده ما حاکم گرداند را تصویر میکند.

مطابق گزارشات خود رژیم، رقی که برای کل بودجه سال ۶۹ در لایحه ارجاع شده به مجلس، در نظر گرفته شده است مبلغی معادل ۴۰۰۹ میلیارد و ۷۰۰ میلیون ریال میباشد. از این مبلغ رقی تقریباً نزدیک به نصف یعنی ۴۰/۵ درصد را "درآمدهای مالیاتی" ۲۷/۲۶ درصد را "درآمدهای نفت و گاز" ۳۲/۲ درصد را "سایر درآمدها" تشکیل میدهند.

با این اوصاف نخستین نکته ای که در بودجه سال ۶۹ رژیم جمهوری اسلامی بچشم میخورد، حسابهای بیگرائی است که این رژیم تحت عنوان اخذ "درآمدهای مالیاتی" برای دستگای حکومتی خویش منظور نموده است. تاجائیکه "درآمدهای مالیاتی" پیش بینی شده در لایحه ۴۰/۵ درصد بودجه

بیشنهادی را در برمی گیرد. ابعا داین واقعت را میتوان در قالب آمار و ارقام نهدتفاکی که راجع به "درآمدهای مالیاتی" در برنامه رژیم ترسیم شده بخوبی مشاهده کرد. مطابق اینسن ارقام "درآمدهای مالیاتی ۱۶۲۳ میلیارد و ۷۰۰ میلیون ریال است که نسبت به عملکرد سال جاری (سال ۱۸) بیش از ۴۱/۱ درصد افزایش نشان میدهد." به بیان دیگر "درآمدهای مالیاتی" رژیم در سال ۶۹ مؤیدیک افزایش عظیم ۵۰۰ میلیارد ریالی در مقایسه با میزان اخذ مالیاتها در سال ۶۸ میباشد. ما به ازای عملی این افزایش عظیم میزان مالیاتها تراجمسه همانا تشدید فشار و غارت بیشتر میلیونها تن از کارگران و طبقات تحت ستم جامعه در سال ۶۹ خواهد بود. چرا که در جمهوری اسلامی بمناب رژیم مدافع سرمایه داران زانومفت وابسته، این طبقات حاکم و استثمارگران و صاحبان ثروتهاى باد آورده نیستند که عملاً سهم عظیم مالیات و بعبسارت صحیح، باج و خراجهای دولتی را بر دوش میکشند. آنها به اعتراف گاه و بیگاه خود دست اندرکاران رژیم با استفاده از هزارویک روزن یا از زیر بار پرداخت مالیات خانه خالی میکنند و یا بفرس اجبار به پرداخت بخشی از هزینه های ماشین دولتی تحت نام مالیات، بار دیگر کیسه خود را از راه تشدید استثمار و غارت توده ها و تحصیل سودهای نجومی بر میسازند. در این میان، این توده های تحت ستم و طبقات فرودست هستند که در مواجهه با فشار و ستم و تعدی دستگای دولتی اجباراً باید بار سنگین باج و خراجهای حکومتی را بر دوش کشند. کما اینکه مخبر کمیسیون برنامه و بودجه رژیم، هادی غفاری نیز با گرفتن پز دفاع از توده های تحت ستم به شکلی فریبکارانه ضمن ریختن اشک تسامح برای آنان اعتراف میکند: "بخش عمده مالیات را حقوق بگیران و کارمندان دولت میپردازند که بیشترین فشار زندگی بر روی آنهاست."

اما برای اینکه بهتر بفهمیم چرا دود افزایش سرسام آور "درآمدهای مالیاتی" رژیم در سال ۶۹ در حقیقت به چشم

صاحبان دستمزدهای ثابت و در یک کلام طبقات فرودست خواهد بود .

ماحصل آنکه، سران رژیم در بخش "درآمدهای مالیاتی" برنامه خود که معادل ۴۰/۵ درصد کل درآمدهای دولت در لایحه سال ۶۹ است آنچنان بیورش انجام گمبخته‌ای را به حیات و کار توده‌ها پیش بینی کرده‌اند که این مسئله در جریان تنشهای درونی بین جناحهای متخاصم رژیم حتی مورد اعتراض برخی دیگر از کارگزاران رژیم قرار گرفته و آنها به دولت هشدار داده‌اند که دیگر چیزی در چنته خالی مردم باقی نمانده کسه دولت بتواند در سال ۶۹ آنرا نیز به جیب بزند . در همین رابطه علی پناهنده یکی از مزدوران مجلس نشین رژیم عنوان کرد که "مالیاتهای پیش بینی شده در لایحه بودجه سال ۶۹ خارج از توان مالیات نهندگان و تحقق آنها بنظر من محال است ."

با توجه به این توضیحات در مورد "درآمدهای مالیاتی" است که تا اینجا میتوان کذب محض ادعاهای بغایت فریبکارانه سران رژیم و تبلیغات ضد خلقی آنها مبنی بر خصوصیت "فقر زدائی" و "مبارزه با معرومیت" بودجه سال ۶۹ را فهمید و دریافت که اتفاقا خصوصیت بارز این بودجه تأمین "رفاه" و "آسایش" بیشتر برای سرمایه‌داران و وابسته از طریق مکیدن هر چه بیشتر غیره، جان فقرا و محرومین یعنی توده‌های تحت ستم ما میباشد . واقعیتی که آمار و ارقام مربوط به تحمیل افزایش سرسام‌آور باج و خراجهای دولتی به توده‌ها در بخش "درآمدهای مالیاتی" رژیم در سال ۶۹ بعینه آنرا نشان میدهند .

جدا از سهم "درآمدهای مالیاتی" در تنظیم بودجه سال ۶۹، رژیم جمهوری اسلامی برای درآمدهای ناشی از تسروبی منابع و ثروت‌های طبیعی مملکت یعنی نفت و گاز مبلنسی معادل ۱۰۸۹/۶ میلیارد ریال در نظر گرفته است که نسبت به پیش بینی عملکرد سال جاری حدود ۲۱ درصد افزایش نشان میدهد. بخش دیگری از درآمدهای بودجه پیشنها دی را "سایر درآمدها" تشکیل میدهد که البته هیچکس نمی‌داند از کجا قرار است بدست آید و آنقدر غیر واقعی است کسه خسود سرمداران رژیم نیز تنها به "امید" تحقق آن دل خوش کرده‌اند . در حالیکه بحران اقتصادی عمیق و وحدت یا بنده، روز بروز رژیم جمهوری اسلامی را بیش از پیش به گرداب ورشکستگی و افلاس تمام عیار سوق میدهد، برنامه‌ریزان این رژیم در بودجه ۶۹ صفحه ۲۷

توده‌های تحت ستم و بویژه کارگران و زحمتکشان میسرود، جدا از بررسی مالیات از حقوق که بخش قابل ملاحظه‌ای از درآمدهای مالیاتی دولت را تشکیل میدهد - بررسی قسمت "مالیات مشاغل" برنامه رژیم نیز خالی از فایده نیست . بنا به اعتراف دکتر نوربخش، وزیر امور اقتصادی رژیم، در بودجه سال ۶۹ میزان "مالیات مشاغل" از ۱۰۰ میلیارد ریال در سال ۶۸ به ۲۰۰ میلیارد ریال، یعنی به دو برابر در سال ۶۹ افزایش خواهد یافت .

در این رابطه قابل ذکر است که اگر برای صاحبان مشاغل آزاد و با سرمایه‌های کلان در جامعه تحت سلطه ما، جبران بلافاصله و جوهی که احیاناً تحت عنوان "مالیات مشاغل" به کسه دولت میبریزند از طریق افزایش قیمت خدمات و کالاهای آنها میسر است، اما برای صاحبان مشاغل با سرمایه‌های خرده یعنی طیف وسیعی از زحمتکشان، دو برابر شدن "مالیات مشاغل" در سال ۶۹ بطور اجتناب ناپذیری بمعنای اعمال فقر و ستم بیشتر بر معیشت و حیات آنهاست . چرا که در سال ۶۹ آنها نه تنها باید با توجه به درآمد نازل خود بخاطر دو برابر شدن "مالیات مشاغل" مستقیماً و بلاواسطه، بار مالیاتی بیشتری را تقبل کنند بلکه در واقع باید، مالیاتی را هم که صاحبان مشاغل با درآمدهای بالا آنرا پرداخته و اکنون بار آنرا از طریق افزایش قیمت‌ها به جامعه انتقال میدهند نیز متحمل شوند . در نتیجه و به این ترتیب بار افزایش صد درصدی "مالیات مشاغل" رژیم نتیجتاً بردوش توده‌های تحت ستم سرریز میشود . با توجه به این واقعیت غیرقابل لپوشانی است که حسینی شاهرودی نماینده رژیم در مجلس ارتجاع نیز اقرار میکند که در حاکمیت رژیم "امروز کسبه جز، و محرومان بیشتر مالیات میدهند و کسانی که دهها میلیون تومان سود میبرند مالیات نمیدهند ."

با این توصیف روشن میگردد که با افزایش سهمگین "درآمدهای مالیاتی" رژیم در سال ۶۹ توده‌های تحت ستم ما که زیر بار فقر و فلاکت، بیکاری و کمبود و گرانی و تورم و سایر مصائب ناشی از حاکمیت سیاه رژیم جمهوری اسلامی جان‌شان به لب‌شان رسیده است امسال نیز یکی از آن منابع "درآمد" اصلی‌ای هستند که مطابق برنامه رژیم باید بخش هنگفتی از هزینه‌های دستگاه ظلم و سرکوب حاکم را بپردازند . مالیاتهای گوناگون تأمین سازند . واقعیتی که بازتاب آن در جامعه تحت سلطه ما بدون شك در درجه اول همانا شدت بیایی روند خائس خرابی کارگران و ورشکستگی انصار زحمتکش و

پیام چریکهای فدائی خلق ایران بمناسبت روز جهانی کارگر

از صفحه ۱

اهتزاز درآمد برجمی بود که زیر لوای آن، طبقه کارگر با نمایی خیره کننده‌ای از قدرت و اراده مبارزاتی واحد خود، ضمن دادن قربانیان گرانقدر موفق شد در کوران مبارزه‌ای خونین و پیگیر، ۸ ساعت کار در روز و برخی خواسته‌های دیگر خود را بر سرمایه‌داران استثمارگر تحمیل کرده و اولین سنگ‌های يك جنگ همه‌جانبه با آنان را به نیروی لایزال خود فتح کند. این پرچم سرخ امروز نیز بر تارک پیکار طبقاتی کارگران همچنان در اهتزاز است. ارتش سلحشور کارگران با صفونی بهم تافته در سراسر دنیا، زیر ندای بانگ صولتمند "کارگران جهان متحد شوید!" و "همیشه به پیش!" می‌رود تا با افق روشن و محتوم فتح تمامی سنگ‌های حربه متحد سرمایه‌داری جهانی، زنجیرهای اسارت و بردگی بشریت را بگسلد و دنیائی نوین و عاری از ظلم و ستم و استثمار را به ارمغان بیاورد.

در يك مضمون و مقام حقیقی جنبش اول ماه مه و روز جهانی کارگر، در نهضت انقلابی این طبقه، پیش از هر چیز با پاسداری و صیانت از چنین آرمان‌های رهانیبخش و مبارزه در جهت تحقق آنها امکانپذیر میگردد. بنابراین روز اول ماه مه، آنطور که سرمایه‌داران و ایادی آنها سعی میکنند پنهانانند، هرگز صرفاً در مفهوم يك عید و یا روز تعطیل و استراحت خلاصه نمیشود. اول ماه مه برای طبقه کارگر يك سمبل مبارزاتی است. اینروز نقطه عطفی در تاریخ پیکار طبقه کارگر بر علیه سرمایه‌داران است. پیکار طولانی‌ای که جوانه‌های نورسته آن، صد و چهار سال پیش در سرود همبستگی کارگران بپا خاسته از مطالب سرمایه‌داری در خیابانهای شیکاگو آمریکا بدست سرمایه‌داران سرکوبگر بخون نشست. و سپس پیام آن در جنبش و اعتراض میلیونها کارگر دیگر بر علیه نظام سرمایه‌داری در سراسر جهان پژواک گشت. و بالاخره اول ماه مه تجلی خشم بنیان برافکن مبارزه خونین پرولتاریا بر علیه دشمنان طبقاتی و تداوم ظلمین سترگ مارش طولانی‌ای است که کارگران سراسر گیتی را صرفنظر از رنگ پوست، نژاد و ملیت به مبارزه‌ای انقلابی برای رهائی از یوغ نظام سرمایه‌داری دعوت میکنند.

اما اصالت کارگران سراسر جهان در شرایطی به استقبال اول ماه مه می‌روند که جنبش این طبقه دوران ساز در موقعیت بین‌المللی حساسی قرار گرفته است. شرایطی که بورژوازی جهانی و تمامی زائده‌ها و ایادی رنگارنگی نهضت طبقه کارگر را آماج موج نویینی از يك تعرض سیستماتیک و همه‌جانبه قرار داده‌اند. افلاس و ورشکستگی روزافزون "اردوگاهی" که سالهای مدید زیر بیرق "سوسیالیسم" و بنام طبقه کارگر از هیچ جنایتی بر علیه کارگران فروگذاری نمیکرد و برافتادن نقاب "سرخ" از چهره، کریمه و زرد رویزیونیستهای خائن و ضد انقلابی حاکم بر این اردوگاه با اصطلاح سوسیالیستی، فرصتهای طلایی نویینی را به بورژوازی جهانی اعطا نموده تا پوروی عنان گسیخته خود را به مواضع طبقه کارگر حدت بخشد. دشمنان قسم خورده طبقه کارگر در این کارزار ضد کمونیستی، با نشر موج گسترده‌ای از تبلیغات زهرآگین و مسموم در سطح بین‌المللی و بویژه با تمرکز بر روی کارگران، ورشکستگی رویزیونیستهای خائن بلوک ضد کارگری شرق را بهانه کرده‌اند تا بار دیگر فروریختن و پایان کار "کمونیسم" و

"مارکسیسم" بمثابه تنها مکتب و تئوری رها نیبخش پرولتاریا را اعلام کنند. البته در طول سالها نبرد بی امان طبقاتی بین بورژوازی و پرولتاریای آگاه و انقلابی ای که در سطح جهانی بطور روزافزونی به مارکسیسم و کمونیسم بمثابه تنها سلاح انقلابی انتقاد از نظام پوسیده سرمایه داری مسلح شده، این اولین بار نیست که بورژوازی و متحدین رنگارنگش به چنین حربه های فریبکارانه ای تمسک میجویند. بورژوازی جهانی و دیگر دشمنان قسم خورده کارگران، در طول تاریخ حیات ننگین خویش بارها کار "کمونیسم" و "مارکسیسم" و طبقه کارگر را پایان یافته اعلام کرده اند تا نظام استثمارگرانه و ارتجاعی خود را نظامی جاودانی و غیر قابل تغییر جلوه دهند. و این در حالیست که به گواهی تاریخ، کمونیسم و مارکسیسم اصیل هر بار سرزنده تر و شاداب تر از بیس سر برداشته و جنبشهای نیرومندانه و بیروزمندان تری را زیر درفش رها نیبخش خویش بر علیه سرمایه داران و استثمارگران رهبری و هدایت نموده اند. سرمایه داران را الوصف درست با وقوف به همین نکته اساسی است که با سازماندهی تبلیغات جهانی ضد کمونیستی، میخواهند چمن انداز پیروزی را در مقابل دیدگان تیزبین طبقه کارگر کتر سازند تا شاید چند صباحی دیگر سیستم گندیده بحران زده و بحران زای خود را از زیر ضربات و مبارزه بیگیر و قاطع پرولتاریا، این طبقه تا به آخر انقلابی مصون دارند. لیکن، بجز آن میتوان گفت که موج نوین تعرض بورژوازی و نارودسته های کارگزار آن به جبهه کارگران و تشدید عناد و درزی و ستیزه جوئی ضد کمونیستی در شرایط کنونی برای آنها از هر زمان دیگری بیشتر حائز اهمیت است؛ چه، سیستم پوسیده بورژوازی امپریالیستی امروزه در سطح جهانی در معرض یکی از سخت ترین و علاج ناپذیرین امواج مرگبار بحران و رکود قرار گرفته است و ضرورت نابودی این نظام غارتگرانه با تمامی دستگاهها و باطلش بلحاظ عینی، بیش از هر زمان دیگری به یک ضرورت تاریخی برای بشریت تبدیل شده است، مضافا اینکه بر بستر چنین زمینه عینی رشد یا بنده ای است که سیل طفیان جنبشهای رها نیبخش و کارگری، زیرلوی مارکسیسم و کمونیسم در اقصی نقاط دنیا بطور منام نضج میبندد. "شیخ سرخ" کمونیسم حال دیگر به موجودیتی مادی، غیر قابل انکار و بالنده یعنی به انقلاب اجتماعی تبدیل شده و درفش آزادی، برابری، عدالت اجتماعی و کمونیسم در مرکز ثقل این جنبشهای ناشم التزاید میدرخشند. وجود چنین پارامترهای "خطرناکی" برای اردوی سرمایه داری جهانی و عمال رنگارنگش کافیت تا با درک و تحلیل موقعیت روبه زوال نظام خویش، بر نامنه و عمق تهاجم عنان گسیخته شان به جبهه کارگران در تمام عرصه های اقتصادی، سیاسی، ایدئولوژیک بیدزایند. در این چهارچوب است که آنها امروزه امکانات چشمگیری را در تمام زمینه ها و در تمام نقاط دنیا بسیج کرده اند تا با تمسک به ورشکستگی رویزیونیستهای خائن و ضد انقلاب، بار دیگر از فروریختن "دیوار کمونیسم" ناسخن دهند و در مقابل، تحت لوی "دمکراسی بورژوازی" برای نیکتا توری سیاه و ارتجاع لجام گسیخته و در حال زوال خود بازار گرمی کنند.

کارگران دریند و محروم میهن تحت سلطه ما نیز بمثابه گردانی از ارتش جهانی پرولتاریا در گیرونا چنین اوضاع بین المللی است که به استقبال اول ماه مه، روز جهانی کارگر میشتابند. از سوی دیگر رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی که در طول سالها بنا به ماهیت وابسته به امپریالیسم خویش از هیچ کوششی در راستای اجرای سیاستهای سرمایه داران جهانی برای ایران تحت سلطه و استثمار و غارت کارگران و خلقهای زحمتکش ما خودداری نورزیده است، در مقطع فعلی نیز بمنوان یکی از بالفعل ترین ابزار آلت دست امپریالیستها، برای پیشبرد کارزار ضد کمونیستی همه جانبه، اخیر در سطح منطقه ایفای نقش میکند. گرایش شتابناک امپریالیستها به کاربرد روزافزون منهب بمثابه ابزاری برای تسهیل استثمار کارگران و طبقات فرودست در دهه های اخیر و به صحنه آوردن و پروراندن جریانات و رژیمهای مزدوری نظیر جمهوری اسلامی که با لغافه های مذهبی آرایش شده اند، خصوصیت بارز سلطه امپریالیستی

را در بسیاری از نقاط دنیا تشکیل میدهد. بر بستر چنین سیاست نو استعماری محیلانه‌ای است که امروز ما شاهدیم امپریالیستها میکوشند تا مقابله با کمونیسم و مارکسیسم بعنوان سرخست‌ترین دشمنان نشان راه حتی الامکان از کانال منهدب و رژیمها و جریان‌ات منهدبی مزدور به پیش ببرند. و باز هم بر اساس همین واقعیت است که امروز امپریالیستها نقش استراتژیک و مأموریت مهمی را در پیشبرد کارزار ضد کمونیستی و ضد کارگری خویش، به رژیم سرسپرده جمهوری اسلامی محول نموده‌اند. هم از اینروست که ما شاهدیم سران فریبکار رژیم جمهوری اسلامی مدتهاست که به تبع از نقشه‌های اربابان جهانخوارشان به یکی از فعالترین محرکه گیران کارزار مسموم ضد کمونیستی بر علیه کارگران و خلقهای تحت ستم در سطح منطقه تبدیل شده‌اند.

سردمداران رژیم جمهوری اسلامی در راستای ایفای نقش خویش در کارزار ضد کارگری و ضد کمونیستی در میهن ما حتی تا آنجا به پیش رفته‌اند که نظام استثمارگرانه جمهوری اسلامی را ایده‌آلترین جریان حامی کارگران و ستمدیدگان در سطح جهانی و تبدیل و آلترناتیو کمونیسم و سوسیالیسم جا میزنند. آنها به پیروی از سناریوی نماینده میتذلی که سرمایه‌داران جهانی بر علیه کمونیسم در سطح بین‌المللی کارگرانی میکنند، نخست حکومتهای ضد کارگری رویزیونیستهای شوروی و اقمارش را مظهر آرمانخواهی کمونیسم و مارکسیسم جلوه داده و سپس افلاس و ورشکستگی روزافزون آنها - که درست انعکاس لاجرم انحرافات و خیانتهای طولانی‌شان به مارکسیسم و کمونیسم است - را در نزد توده‌ها، بحساب کمونیسم و مارکسیسم واریز میکنند. و سر آخر در این صحنه پرنازی مسخره، سگان زنجیری امپریالیسم در ایران "نظام اسلامی" و "انقلاب اسلامی" که در حقیقت محصول و بیان یکی از کریه‌ترین دیکتاتوریهای سرکوبگر امپریالیستی ظرف چند دهه اخیر در سطح منطقه میباشد را برای طبقه کارگر، آلترناتیو و جایگزین کمونیسم و مارکسیسم جا میزنند. تلاشهای فریبکارانه‌ای که اتفاقا در هفته اصلی خود مبین هراس بی‌پایان امپریالیستها و رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی از رشد و نفوذ مارکسیسم و کمونیسم در صفوف طبقه کارگر ایران این گورکن نظام سرمایه‌داری وابسته میباشد. تلاشهای مذبحانهای که بی‌انگرا اعتبار تاریخی این مکتب رهاثیبخشی در میان کارگران آگاه ماست. وجود همین واقعیت است که در دوره اخیر موجد سازماندهی یکی از رنیلانه‌ترین کارزارهای آنتی کمونیستی از سوی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بر علیه کارگران آگاه و مبارز ما شده است.

از جنبه دیگر، کارگران آگاه و مبارز ایران امسال در شرایطی به استقبال اول ماه مه و روز جهانی کارگر میروند که طبقه دربند آنها زیر حاکمیت سیاه رژیم جمهوری اسلامی در یکی از وخیم‌ترین اوضاع کار و معیشت بسر میبرد. اگر استثمار و حسیانه کارگران محروم ما در طول سالها سلطه نظام سرمایه‌داری وابسته همواره یکی از مهمترین منابع غارتگری و تحصیل سوندهای نجومی برای امپریالیستها و سرمایه‌داران زالوصفت وابسته را تشکیل داده است، اما این حقیقتی آشکار است که در طول این روند هیچگاه طبقه کارگر دربند ایران تا بدرجه امروزی آماج پورش بهره‌کشانه بورژوازی وابسته قرار نداشته است. طی یکدهه اخیر سرمایه‌داران زالوصفت وابسته و رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی، علاوه بر استثمار و حسیانه و اعمال رنیلانه‌ترین اجحافات و مظالم ستمگرانه در حق کارگران، با بهیکار سازی گسترده و تحصیل‌گرسانی روزافزون در حق میلیونها کارگر دربند و زحمتکش، با تحمیل و حسیانه‌ترین اوضاع کار و شرایط استثمار در کارخانجات و کارگاهها، با عدم تأمین حداقل نیازهای روزمره زندگی کارگران نظیر مسکن و بیمه و غیره، با غارت اندک دسترنج کارگران تحت نام بشهای کارگری و در یک کلام با مکیدن غیره جان آنها به تشدید بهره‌کشی از کارگران و برکردن جیبهای گنادر طبقه انگل صفت بورژوازی وابسته پرداخته‌اند. اوضاع اقتصادی و چگونگی گذران زندگی فلاکتبار طبقه کارگر در میهن ما

آنقدر وخیم و خطرناک شده است که حتی سران رژیم را ناگزیر کرده که برای جلوگیری از يك انفجار و برای آنکه گرسنگی و فقر روزافزون کارگران مبادا به عاملی در جهت پائین آمدن راندمان استثمار آنها بدل شود، در سال جدید مبلغ ناچیز ۱۷ تومان را به بایه حقوقی آنها اضافه نمایند، تا با رساندن حداقل دستمزد به روزی ۱۰۰ تومان، کارگران محروم توان و امکان ادامه کار در جهت تولید ارزش اضافی و ثروت‌های نجومی را برای سرمایه‌داران زالوصفت وابسته داشته باشند. ضمن آنکه در بعد دیگر هرگاه به مؤلفه‌های فوق، سرکوب ددمتشان و عنان گسیخته هر گونه ندای اعتراضی توسط ارگانهای رنگارنگ سرکوب رژیم در کارخانجات، عدم وجود و رسمیت هیچگونه قانون کار واحدی که حتی حداقل موازین و شرایط ضدخلقی استثمار کارگران توسط بورژوازی وابسته در آن منعکس شده باشد و عدم برخورداری از کوچکترین تفکلهای صنفی و سیاسی و خلاصه بی حقوقی کامل کارگران میهنمان را نیز اضافه کنیم، آنگاه تصویر روشنتری از اوج فلاکت و تیره‌بختی کارگران محروم مازیرحاکمیت یکی از خونخوارترین دیکتاتورهای مدافع سرمایه‌داران وابسته بدست می‌آید. در جمهوری اسلامی ضدخلقی برای کارگران در بریند ما حتی از کمترین حقوق شناخته شده اقتصادی - سیاسی‌ای که هم‌زنجیرانشان در کشورهای متمدن از آن برخوردارند نظیر حق برگزاری آزادانه جشن روز اول ماه مه نیز خبری نیست. و اگر در طول سالها بندرت پیش آمده که مراسمی تحت نام روز جهانی کارگر برگزار شود، این مراسم جز خیمه شب‌بازی مسخره‌ای که سرمایه‌داران وابسته و رژیم جمهوری اسلامی برای تحمیل کارگران و در خدمت منافع غارتگرانه خود به صحنه آورده‌اند، چیز دیگری نبوده است. افزون بر تمام اینها رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی با تصویب برنامه ۵ ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش که جز برنامه‌ای برای بازسازی و ترمیم نظام سرمایه‌داران وابسته و دستگاههای غارت و سرکوبشان در شرایط پس از جنگ امپریالیستی ایران و عراق نیست، به سازماندهی و اجرای یورش مرگبار دیگری به حیات و هستی خلقهای محروم و در رأس آنها کارگران رنجیده ما پرداخته است.

رژیم ضد کارگری حاکم، این برنامه را در اوایل ماههای سال گذشته از تصویب مجلس ارتجاع خویش گذرانده و با تمام قوا مشغول تدارک و بحریه اجرا برآوردن آن است. مضمون این برنامه ضد خلقی تاثر سرمایه‌داران وابسته و اربابان جهانخواران برای بحریه برآوردن چرخهای زندگی زده اقتصاد پریشان و بحران زده جامعه، از طریق افزایش غارت و استثمار توده‌های خلق و در رأس آنها طبقه کارگر است. در چهارچوب برنامه بازسازی رژیم از هم‌اکنون روشن شده است که میلیونها کارگر زحمتکش و محروم بمذاور تخفیف و کنترل بحران مرگبار اقتصادی گریبانگیر نظام، باید عرق جبین بریزند و تا آخرین قطرات شیره جانشان کفیده شود. این برنامه در حقیقت یورش حساب شده‌ای است که سران فریبکار رژیم جمهوری اسلامی میکوشند با الفاظی تحت عنوان تلاش برای سازندگی و رفاه جامعه که چیزی جز رفاه بیشتر برای سرمایه‌داران زالوصفت و فقر و بدبختی فزونی‌تر برای کارگران محروم نیست، آنرا برای کارگران تشویریه نموده و نیات خود را در پشت آن مستتر سازند. در همین رابطه است که رفسنجانی جلاد برای کارگران "نمونه رژیم موعظه میکند که: کارگر هر قدر در بهبود زندگی جامعه تلاش داشته باشد شریفتر است." و اظهار امیدواری میکند که رژیم غارتگر جمهوری اسلامی با استثمار و غارت ددمتشان کارگران ملی برنامه ۵ ساله اول "ثمرات تلاشهای کارگران را در دومین برنامه ۵ ساله شاهد باشد."

بنابراین تا آنجا که به طبقه کارگر محروم ما مربوط میگردد، ما به ازای عملی اجرای برنامه بازسازی رژیم که حیات و هستی او را تحت الشعاع خویش گرفته، همچون تمامی برنامه‌های اقتصادی دیگر رژیم، ارمغانی جز تیره‌بختی و ادبار بیشتر زندگی کارگران و تاراج افزونی‌تر نیروی کار آنها توسط

سرمایه‌داران وابسته نداشتند و نخواهد داشت. و سردمداران رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی با این برنامه در واقع برای بهره‌برداری بیسابقه و تاراج "ثمرات تلاشهای کارگران" توطئه‌ریزی کرده و دندان غارت تیز نموده‌اند.

کارگران آگساز و مبارز!

در چهارچوب چنین اوضاع فلاکت‌باری است که اول ماه مه، روز جهانی شعله و تجلی نهضت قدرتمند و عالمگیر طبقاتی‌تان فرا میرسد و بار دیگر این سؤال که چگونه میتوان بندهای انبوه کهنسال بندگی و اسارت را از پاهای توده‌های کارگر و زحمتکش زدود، در مقابل هر کارگر رزمنده و دارای آگاهی طبقاتی نقش می‌بندد. برای پاسخ به این سؤال نیز رجوع به تاریخچه نهضت عظیم خود طبقه کارگر در سطح بین‌المللی حاوی تجربیات مبارزاتی بس ارزمند است. صد و چهار سال پیش رهبران فداکار شما در کوران مبارزه طبقاتی با دشمنان، با نثار خون خویش آموزشهای انقلابی سترگی را در جریان جنبش اول ماه مه، برای تمامی کارگران و محرومان جهان رقم زدند. آنها ثابت کردند که استثمارگران در نظامهای ظالمانه خود هیچ حقی را بجز حق آزادی استثمار و جباول طبقات فرودست توسط سرمایه‌داران زالوصفت حاکم به رسمیت نمی‌شناسند، مگر آنکه این حقوق به یقین بیکاری سهمگین و طولانی و به قوه یکپارچه قهر انقلابی بر آنها تحمیل شده باشد. آنها نشان دادند که برای شرایط بهتر کار، برای آزادی، برای برابری واقعی و برای عدالت اجتماعی نمیتوان و نباید به انتظار عطف و رحم و مروت سرمایه‌داران زالوصفت، این دشمنان قسم‌خورده طبقه کارگر نشست و نباید فریب موعظه‌های آنان را خورد، بلکه طبقه کارگر باید چهره اصلی دشمن خود را شناخته و متحد و یکپارچه برای نابودی آن با ابزار و شیوه‌های انقلابی و مناسب قد راست کند.

کارگران قهرمان ایران بهمانگونه که امروزه تمامی واقعیت‌های جاری زندگی در جامعه تحت سلطه ما نشان میدهند، باید با بی‌اعتنائی به تمامی تبلیغات تخدیرکننده سرمایه‌داران وابسته و وعده و وعیدهای فریبکارانه آنان در رابطه با رسیدگی به وضع کارگران و بهبود شرایط کار و معیشتشان بدانند که امر رهائی طبقه کارگر از چنگال خونالود استثمارگران و از تمامی قیونات اسارت‌بار دیگر بطرز بی‌اواسطه به نابودی تمام عیار نظام ظالمانه سرمایه‌داری وابسته گره خورده است. چرا که با توجه به سرشت ضد خلقی این نظام هیچ راه حلی در چهارچوب بقای مناسبات ظالمانه موجود برای بهبودی زندگی شما متصور نیست. تجربه ثابت کرده ما نام که مناسبات غارتگرانه کنونی در هر شکل و شماتتی و با هر آرایش و لفاظی باقی مانده است، ما نام که نظام سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم در میهن ما با بر جاست و بالاخره ما نام که سلطه امپریالیستی از کانال دیکتاتوریهایی سیاه و سرسبزده‌ای نظیر جمهوری اسلامی بر حیات و هستی شما سطره افکنده، نه تنها کوچکترین حقی برای طبقه شما از تعرض قدرت دولتی مصون نیست، بلکه زنجیرهای گران اسارت و بندگی روز بروز بیشتر بر پای شما سفت میشود. از اینجاست که میتوان فهمید تثبیت کمترین حقی برای طبقه کارگر در بند میهن ما به نابودی فطری این نظام استثمارگر و محافظان جنایتکارش منوط شده است.

بر ضمن راهنمای عمل قرار دادن این حقایق مبارزاتی و با الهام از نهضت انقلابی اسلافتان در اول ماه مه ۱۸۸۶ باید زیر نرفش مارکسیسم و کمونیسم بمثابه تنها علم و مکتب رهائیبخش طبقه کارگر و تمامی ستمدیدگان برای نابودی دشمن اصلی خود یعنی نظام سرمایه‌داری وابسته بیمان بسته و مقاومت خود را گسترش دهید. باید عزم خود را برای مبارزه‌ای طولانی و پرفراز و نشیب با دشمنانتان امپریالیسم و سگهای زنجیریش جزم کنید.

”توده‌های های جوان“ در سنگر ”شاه جوان“

در بستر تحولات جریان‌ات گوناگون بورژوازی ضد انقلابی که در اپوزیسیون رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی قرار دارند، اخیراً رضا پهلوی این پس مانده دوران دیکتاتوری سلطنتی در ایران با صدور بیانیه‌ای از ضرورت ”ارتباط و گفتگو با سازمانها و مبارزان راه آزادی“ سخن گفت و آنها را برای ایجاد يك ”رهبری سیاسی“ دعوت نمود. بدنبال انتشار این بیانیه جریان ضد انقلابی ”اکثریت“ اعلام کرد که ”نسبت به سلطنت طلبان“ و از جمله نسبت به ”طرفداران خود رضا پهلوی“ ”تغییر موضع“ ناده و آماده ”ارتباط و گفتگو“ و سرانجام ائتلاف با سلطنت طلبان برای ایجاد يك ”رهبری سیاسی متحد“ می باشد. به این ترتیب ”اکثریت“ جلوه دیگری از ماهیت ارتجاعی خود را به نمایش گذاشت.

در مطالبی که تحت عنوان ”بیرامون بیانیه اخیر آقای رضا پهلوی“ در نشریه ”اکثریت“ ترحم گردیده این جریان ضمن تأکید بر این امر که ”بسیاری“ از مواد که در ”پلاتفرم ۱۴ بندی رضا پهلوی“ آمده است در ”برنامه پیشنهادی“ او نیز ”بذیرفته شده“ و ”باهم انطباق دارد“ انتقاداتی را نیز به آن بیانیه وارد دانسته و برای رفع آنها اندرزا و رهنمودهای چندی ارائه میدهند.

قبل از هر چیز اکثریت از ”آقای رضا پهلوی“ و دیگر سلطنت طلبان می‌خواهد که برای اینکه ”دیگر نیروهای سیاسی کشور“ در ادعاهای آنها بر پایبندی به ”دمکراسی“ دچار ”تردید“ نشوند و ”فراخوان“ مزبور را ”جدی“ بگیرند ”قضاوت“ خود نسبت به آنچه برسر ”استقرار دمکراسی در ایران“ در دوران سلطنت پهلوی ”رفته است“ را نیز بیان نمایند و سپس از ترس اینکه مبلمان تعیین درخواستها و انتقادات آبی باروحیات ”دمکراتیک“ !! سلطنت طلبان جور درنیاید و موجب تضعیف زمینه ”هستگی ملی“ با آنها گردد، تأکید می‌نماید که: ”انتقادات فوق نسبت به پلاتفرم مورد بحث به هیچ وجه تعیین کننده موضع و سیاست ما نسبت به جریان سلطنت طلب نیست“.

اما همانطور که سخن گفتن سلطنت طلبان و از جمله رضا پهلوی از دمکراسی و آزادی برای مردمی که در طول بیش از ۵۰ سال سلطنت پهلوی در ایران، دیکتاتوری سیاه و اعمال سرکوبگرانه رضا شاه و محمدرضا شاه را با پوست و گوشت خود لمس کرده‌اند فریبکاری ریاکارانه‌ای بیش نیست که نه تعجب کسی را برمی‌انگیزد و نه از سوی کسی ”جدی“ تلقی میشود، بدون شك ”تعمیر موضع“ اخیر ”اکثریت“

در رابطه با سلطنت طلبان نیز کم‌تر کسی را می‌تواند به تعجب وادارده چرا که پرونده سراسر سیاه این جریان و مواضع بغایت ارتجاعی اثر در ضدیت با انقلاب ضد امپریالیستی خلقهای ایران و در حمایت از دیکتاتوری نعدتناك جمهوری اسلامی باعث آنچنان نفرت و در نتیجه شناختی از این جریان در نزد کارگران و توده‌های ستمدیده، گفته‌است که هر موضع ضد خلقی و هر اقدام جنایتکارانه این سازمان نه تنها به هیچ وجه باعث تعجب و ”تردید“ کسی نمیتواند بشود بلکه عکس قضیه تعجب برانگیز و باعث ”ناباوری“ است.

مگر همین ”اکثریت“ نبود که تا دیروز پشت سر خمینی سینه می‌زد و از ”امام امت“ تقاضای مسلح کردن سیاه باسداران به سلاحهای سنگین را می‌نمود و مگر همین ناروخته منحن نبودند که جنبش خلق ترکمن را به قیمت مناظره‌ای تلویزیونی با بنی صدر- رئیس‌جمهور آن زمان رژیم - بخسرو رساندند و در سرکوب خلق دلاور کرد با نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی همکاری نمودند و در حمایت از این رژیم جنایتکار و نژادخیمان پلیس، تا آنجا پیش رفتند که از خمینی تقاضا میکردند با ”نیروهای انقلابی“ که

در فرهنگ ضد انقلابی آنها "گروهکهای امریکائی" نامیده میشوند برخسورد قاطع نماید. مگر همین اکثریت نبود که در دستگیری و اعدام انقلابیون، همچون حزب توده با نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی همکاری کرد و ۰۰۰ و ۰۰۰ و آنگاه در شرایطی که "مام ضد - امپریالیست" شان دیگر نیازی به آنها نداشت و عذرشان را خواست یکباره از ضرورت سرنگونی "رهبر انقلاب" و "جمهوری اسلامی ضد امپریالیست" سخن گفتند!

بنا بر این با وجود چنین گذشته ننگینی همکاری با "سلطنت طلبان" و شخص "رضایپلوی" برای ایجاد "رهبری سیاسی متحد" چه جای تعجبی می تواند داشته باشد!

با توجه به این واقعیت اما باید دید چرا "اکثریت" در میان همپالگیهای ضد انقلابی، در ابوزیسیون جمهوری اسلامی، برای سلطنت طلبان منغوری که بیش از ۵۰ سال بر علیه کارگساران و زحمتکشان دسیسه چیده و در سرکوب خواستها و مبارزات آنها به هرجنایتی متوسل شده اند آن هم پیمانسی را می بینند که برای مهیا کردن شرایط ائتلاف با او به "تغییر موضع" نسبت به آنها دست می زند و مهمتر از آن بغرض چنین ائتلافی و تشکیل چنین "رهبری سیاسی متحد"ی با شرکت چنین نیروهائی، این ائتلاف قصد ایجاد چه تغییراتی را در ایران دارد؟

در رابطه با مسئله اول "اکثریت" میکوشد این تغییر موضع را حاصل "زرفر، شناخت نسبت به دمکراسی" در نرون خود قلمداد نموده و آنرا جلوه ای از پای بندی اش به "دمکراسی"

جا بزند! امری که دروغین بودنش آشکارتر از آنست که برای افشاء آن به زحمت زیادی احتیاج باشد و البته کمتر کسی نیز می تواند آنرا "جدی" تلقی نماید چرا که غیر واقعی بودنش با توجه به آن سابقه ننگین کاملاً محرز است. باری با رجوع به نشریه کار شماره ۲۳ ارکان کمیته مرکزی این سازمان براحتمی می توان به بخیر مهمی از دلایل این "تغییر موضع" پی برد. دلایلی که نشان میدهد آنچه اکثریت را به این "تغییر موضع" "ترغیب" نموده است "امکانات مالی و مادی" و "پیوندهای موثر" سلطنت طلبان با "محافل حاکمه در غرب" می باشد.

در این زمینه در نشریه مزبور آمده است: "نیروهای طرفدار سلطنت پهلوی برای حدود ۵۰-۶۰ سال قسر متمکن و بسیار ثروتمند جامعه ما را تشکیل می دادند. آنها هنوز هم امکانات مالی و مادی بسیار در دست دارند. و از این نظر یک نیروی موثر اجتماعی محسوب میشوند. آنها همچنین در خارج از کشور و مشخصاً در امریکا دارای نفوذ و امکانات نیرومند هستند و با محافل حاکمه در غرب پیوندهای موثر دارند" [تاکیدات از ماست] به این ترتیب علیرغم ادعای "زرفر، شناخت" از دمکراسی آنها از سوی جریانی که ضد دمکراتیک ترین و جنایتکارانه ترین اعمال از او سرزده و ستایش به خون انقلابیون آلوده است می توان پی برد که چرا ارتباط با سلطنت طلبان برای جانیان چکمه لیس اکثریتی لازم و مفید بوده و چه دلالی رهبران "اکثریت" را "ترغیب" نموده برای رسیدن به اهدافشان است ائتلاف بسوی کسانی

دراز کنند که هنوز هم پس از بیست و نه سال که ستان از قدرت کوتاه گشته، آثار خون زحمتکشان و انقلابیون بر ستانشان از بین نرفته است. آخر از هر چیز که بتوان گذشت از "امکانات مالی و مادی" آنها نمی توان چشم پوشی کرد و از آن مهمتر آنها با "محافل حاکمه در غرب" پیوندهای محکمی دارند و بویژه در "امریکا" دارای "نفوذ و ارتباطات" نیرومندی می باشند و براستی چه چیز برای ائتلاف با سلطنت طلبان ضد انقلابی برای نیروئی با ماهیت و خصوصیات "اکثریت" از این مطلوبتر و "ترغیب" کننده تر است؟

بنا بر این آنچه که "اکثریت" را به "تغییر موضع" نسبت به سلطنت طلبان واداشته است نه رید به اصلاح گرایشات دمکراتیک در این جریان و بقول خود "زرفر، شناخت نسبت به دمکراسی" بلکه "پیوندهای موثر" سلطنت طلبان با "محافل حاکمه در غرب" و دلایلی انباشته شده در حسابهای بانکی شان می باشد که "اکثریت" را اینچنین برای ائتلاف با آنها بی قرار کرده است. به همین دلیل هم همانطور که کسی ادعاهای طرفداری از دمکراسی سلطنت طلبان را "جدی" نمی گیرد، افاضات و پزهای "دمکراتیک" "اکثریت" را نیز "جدی" نخواهد گرفت.

اما زمانی که برای رسیدن به اهداف خود به "محافل حاکمه در غرب" و امکانات مالی و مادی "قصر متمکن و بسیار ثروتمند" چشم دوخته است و به این اعتبار نیزست ائتلاف بسوی سلطنت طلبان دراز می کند و "متحدین طبیعی" خود را در میان رضا

بهلوی‌ها و بختیارها و امینوها جستجو می‌کند تنها ماهیت ارتجاعی و ضد - انقلابی اهداف خویش را به نمایش می‌گذارد و در اینجا است که می‌توان پاسخ آن سوال را دریافت که اکثریت در ائتلاف با سلطنت طلبان قصد ایجاد چه تغییراتی را در ایران دارد. اگر این واقعیتی است که رژیم سلطنتی شاه به مثابه رژیم سی و ابستسه به امپریالیسم حافظ و مدافع سیستم ظالمانه سرمایه‌داری وابسته در ایران بوده است "ائتلاف" با "آقای رضابهلوی" نمی‌تواند جز در خدمت حفظ این نظام و کوشش برای پابرجائی و تداوم آن قرار داشته باشد و این خود البته منبث از هم منظوری و هم بهمانی "اکثریت" منحصراً رضا بهلوی و دیگر سلطنت طلبان ضدانقلابی بوده و اشتراك منافعتان را در حفظ نظام سرمایه‌داری وابسته ایران بخوبی نشان می‌دهد، نظامی که عامل اصلی ادبار و فزائت توده‌ها است و سرکوب و حقیانه مبارزات توده‌ها در آن امری الزام آور است، نظامی که دیکتاتوری ذاتی آن می‌باشد.

بلی در شرایطی که سالهاست کارگران و توده‌های ستمدیده ما برای رسیدن به آزادی و برقراری دموکراسی به نفع کارگران و زحمتکشان و دیگر توده‌های ستمدیده بر علیه نظام سرمایه‌داری وابسته بپا خاسته و نابودی نظام حاکم که جز به معنای خلع ید از سرمایه‌داران وابسته و نابودی سلطه امپریالیسم نمی‌باشد را هدف مبارزه خود قرار داده‌اند، "اکثریت" این جریان منحصراً ضد انقلابی بنام کارگران و زحمتکشان اما بر علیه آنها

تحت پوشش "زرفش" شناخت نسبت به دموکراسی برای حفظ و حراست از این نظام ظالمانه از ضرورت اتحاد بسا "قشر متمکن و بسیار ثروتمند" جامعه برای ایجاد "رهبری سیاسی" دم می‌زند.

بلی، ائتلاف با سلطنت طلبان برای ایجاد "رهبری سیاسی" که نه برای خاتمه دادن به غریبیت دیکتاتوری و اختناق دهشتناکی که سراسر زندگی توده‌های تحت سلطه ما را در چنگال خود می‌فشرد، بلکه برای حفظ نظام سرمایه‌داری وابسته و لاجرم تداوم دیکتاتوری ذاتی این نظام برقرار می‌شود جز به معنای تعویض دیکتاتوری جمهوری اسلامی بسا نوع دیگری از دیکتاتوری نمی‌باشد. دیکتاتوری از نوع آنچه که "اکثریت" خواب آنها برای کارگران و خلقهای تحت ستم ایران می‌بینند، یعنی دیکتاتوری که بالقباب "دموکراسی" و "آزادی" تزیین یافته باشد و هر عمل ارتجاعی و جنایتکارانه در آن مزورانه بعنوان ضرورت آزادی و "زرفش" "دموکراسی" بر علیه مردم بکار گرفته خود، این نه فقط هدف ائتلاف "اکثریت" با سلطنت طلبان بل هدف نهائی این جریان ضد انقلابی در به - اصطلاح مبارزه‌اش با رژیم جمهوری اسلامی می‌باشد. از اینرو تلاش اکثریت برای ایجاد "همبستگی ملی" با "قشر متمکن و بسیار ثروتمند" جامعه یعنی بورژوازی وابسته که در روز در لجه "اکثریت" "بزرگ مالکان و بزرگ سرمایه‌داران" اعلام می‌شد و حال بنایه مصلحت، "قشر متمکن" تلفظ می‌شود بار دیگر بروشنی نشان می‌دهد که آن انقلابی که اکثریت از آن سخن می‌گوید

همانقدر به انقلاب عبیه است که "انقلاب سفید" "خدایگان آریامهر" و "انقلاب اسلامی" خمینی جنایتکار به انقلاب شباهت داشت و آن آزادی و دموکراسی ای که "اکثریت" از آن سخن می‌گوید همانقدر واقعی است که پز آزادی خواهی و دموکرات منشی سلطنت - طلبان که چون از قدرت به زیر کفیسده شده‌اند حال برای بازگشت به قدرت از دموکراسی و آزادی سخن می‌گویند و حقیقت دارد.

چنین است که تلاش برای ایجاد "همبستگی ملی" و "رهبری سیاسی" با سلطنت طلبان از طرف جانفسان چکه لیبرال اکثریتی نه تنها باعث "شکفتی" نمی‌باشد بلکه بسیار هم منطقی و طبیعی است که آنها اعلام کنند که "بسیاری" از موارد ۱۴ گانه پلانفرم رضابهلوی در "برنامه پیشنه‌های" آنها نیز "بپذیرفته شده" و "با هم انطباق" دارد. آخر اگر چکه لیسان اکثریتی، امروز جمهوری اسلامی را "متحد طبیعی" خود شمرده و به "امکانات مالی و مادی" "آخوندها" که "در جمهوری اسلامی ثروت‌های کلان به جیب زده‌اند" به مثابه يك "نیروی موثر اجتماعی" چشم دوخته بودند، امروز از طرف این "آخوندها" مورد بی مهری قرار گرفته و از سوی آنها رانده شده‌اند. البته در اینجا چه در رابطه با "تغییر موضع" اکثریت خائن نسبت به سلطنت طلبان وجه در رابطه با علت صدور بیانیه اخیر نوکر خانزاد امریکا رضابهلوی، توجه به نکته مهمی ضروری است و آن اینکه در بررسی تحولات جریانات وابسته و ضد انقلابی قبل از هر چیز

باید به بررسی تحولات آبخور ایمن نیروها توجه نمود. بر این اساس در رابطه با کوشش‌های اخیر سلطنت - طلبان و اکثریتی‌ها برای ائتلات با یکدیگر و ایجاد "رهبری سیاسی" و غیره می‌توان دریافت که چگونه "تفکر نوین" حزب به اصطلاح کمونست شوروی، باعث "ژرفر، شناخت نسبت به دموکراسی" در دنباله جوانش در ایران گفته و چگونه رهنمودهای "محافل حاکمه" در امریکا طیف سلطنت طلبان را به تکاپو واداشته است.

اگر امریکا برای مواجهه با تحولات غیر قابل پیشگیری در ایران از نوکران سلطنت طلب خود و بویژه "شاه جوان" که سالهاست آنها را در آب نمک خوابانده خواسته است ضمن تشدید فعالیت‌هایشان به چهره دمنشانه خود رنگ و لمایی "دمکراتیک" نیز بدهد تا زمانیکه سازمان جاسوسی امریکا CIA تصویر "شاه جوان" را بر صفحه تلویزیون جمهوری اسلامی می‌اندازد مقبولیت بیشتری یابد، "پروستریکای" آقای گورباچف نیز در

شوروی - که خودش آنرا انقلاب دیگری در شوروی نام گذاری کرده - (*) باعث آنچنان تغییراتی در مواضع "اکثریت" گفته است که هرروز جلوه تازه‌تری از آن به نمایش گذاشته میشود. اگر پروستریکای آقای گورباچف قصد آن دارد که با تضعیف مالکیت دولتی و آزاد گذاشتن مالکیت خصوصی و گسترش بازار آزاد در شوروی زمینه مادی "دمکراسی" ادعائی خود را ایجاد نماید و در سطح جهانی نیز براساس تفاهم و دوستی با امریکا و غرب از "امکانات مالی و مادی" امپریالیستها برای فائق آمدن بر بحران حاکم بر اقتصاد شوروی سود جوید - سیاستی که با پشتیبانی وسیع "محافل حاکمه" در غرب "بویژه" امریکا" مواجهه گردیده است - پس چرا نوکران اکثریتی آقای گورباچف با نوکران امریکسا در ایران به "گفتگو" و ایجاد "رابطه" نپردازند؟ و با بختی از آنها چه

(*) چه بسا که اکثریت که مدتها در مکتب "امام" بزرگوارش آموزش میدید در تقلید از او آنرا "انقلابی بزرگتر از انقلاب اول" بخواند!

ائتلاف دست نزنند؟ در نتیجه نزدیکی و همکاری سلطنت طلبان و اکثریت به مثابه دو نیروی وابسته را بویژه براین چهار چوب باید مورد توجه قرار داد.

اگر رهنمودهای "حزب برابر" باعث آنچنان "ژرفر، شناخت نسبت به دموکراسی" در صفوف اکثریت گفته است که آنها برای ایجاد تفاهم و ارتباط و گفتگو با سلطنت طلبان گام پیش گذاشته اند این واقعیت به خصوص بیانگر این امر هست که دموکراسی مورد ادعای امثال اکثریت که این روزها زیاد از آن سخن میگویند چگونه دموکراسی ای می‌باشد؛ دموکراسی برای جنایتکاران سلطنت طلب - "قشر متمکن و بسیار ثروتمند" - و سرمایه داران وابسته و دیکتاتوری برای کارگران و زحمتکشانی که "اکثریت" ریاکارانه خود را مدافع آنها قلمداد می‌نماید. تحولی که "توده‌ای‌های جوان" را در سنگر "شاه جوان" قرار میدهد به خودی خود افشاگر هر ادعای فریبکارانه‌ای در مورد این تحول است.



جلوه‌ای از دموکراسی و آزادی ادعائی سلطنت طلبان

این عکس یکی از هزاران سند جنایات سلطنت پهلوی است. عکسی که در دوران آخر سلطنت شاه گرفته شده و نشان میدهد نژخیمان دیکتاتوری پهلوی با مبارزین راه آزادی چگونه برخورد میکردند و دموکراسی و آزادی در رژیم سلطنتی چه مفهومی دربردارد.

عمری از: پرتولت برمت

قطعهنامه

مصمیم: زغالی که هست، ضبط کنیم
نظربه این که: شود خانه گرم با این کار.
نظر به این که: به تهدید می‌کنید اقدام
به جانب سرما با تفنگ رفته نشان،
مصمیم: نترسیم دیگر از اعدام
بدست مرگ، ولی بردگی ست بدتر از آن.

۵

نظر به این که: ندارید این سعادت را
که مزدمان بدهید آنقدر که بتوان زیست،
کنیم ضبط کنون کارخانه‌ها تان را
نظر به این که: بدون شما همان کافی ست.
نظر به این که: به تهدید می‌کنید اقدام
به جانب سرما با تفنگ رفته نشان،
مصمیم: نترسیم دیگر از اعدام
بدست مرگ، ولی بردگی ست بدتر از آن.

۶

نظر به این که: دگر هیچ اعتمادی نیست
به قول و وعده حکام بی شرف ما را،
مصمیم که: گام نخست آزادی ست -
به دست خویش بنا می‌کنیم فردا را.
نظر به این که: زبان شماست غرش توپ
و هست قابل فهم این زبان بدون لرننگ،
مصمیم که: این درس را فراگیریم:
به سوی تان گردانیم لوله‌های تفنگ.



نظر به این که: همین ضعف، ناده قدرت تان
که بگذرانید این سان به نفع خود قانون،
مصمیم: نبایم ازین به بعد ضعیف
و نیست قانون را هیچ اعتبار اکنون.
نظر به این که: به تهدید می‌کنید اقدام
به جانب سرما با تفنگ رفته نشان،
مصمیم: نترسیم دیگر از اعدام
بدست مرگ، ولی بردگی ست بدتر از آن.

۲

نظر به این که: همیشه گرسنه می‌مانیم
زیس ربودن ارزاق و نان تان پیشه ست.
مصمیم که: ثابت کنیم بین ما
و نان خوب، اگر حاشلی ست، یک شیشه ست.
نظر به این که: به تهدید می‌کنید اقدام
به جانب سرما با تفنگ رفته نشان،
مصمیم: نترسیم دیگر از اعدام
بدست مرگ، ولی بردگی ست بدتر از آن.

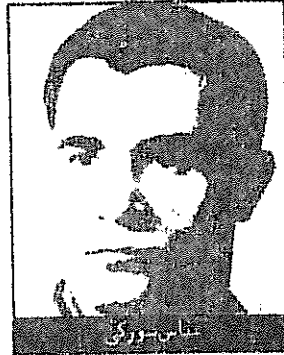
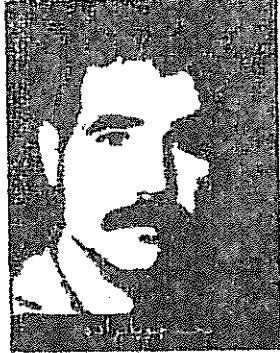
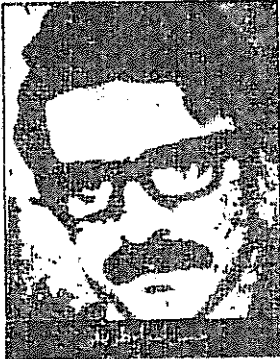
۳

نظر به این که: نداریم خانه‌ای از خود
به گردمان همه جالیک خانه‌ها خالی ست،
مصمیم که: آن خانه‌ها شوند اشغال،
درون زاغه دگر کارگر نخواهد زیست.
نظر به این که: به تهدید می‌کنید اقدام
به جانب سرما با تفنگ رفته نشان،
مصمیم: نترسیم دیگر از اعدام
بدست مرگ، ولی بردگی ست بدتر از آن.

۴

نظر به این که: بدون زغال، یخ زده‌ایم
ولی زغال فراوان نهفته در انبار،

گرامی باد خاطره رفقای شهیدی که در شبه های اوین بدست جلادان شاه مزدور اعدام شدند.



پیام چریکهای فدائی خلق ۰۰۰

از صفحه ۴۰

میلهک و نکست ساری که جامعه مادران گرفتار آمده، درمان نخواهند شد.

بله تنها یک راه وجود دارد، راه انقلاب، راه میسار رزهای سترک و خونین بر علیه امپریالیسم و سگان زنجیریش، باید با درک تفاوت شرایطی که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بقدرت رسیده و به رفق و فتنه امسور می بردارد با شرایطی که رژیم مزدور شاه به زعم مستان امپریالیستها به حکومت منقول بود و تشخیص ماهیت سگان عملکردهای گاه بلحاظ صوری کاملاً متفاوت این دو رژیم، بر ضرورت حتمی قطع وابستگی به امپریالیسم و ناسودی هر رژیم مزدور و دست نشانده تاکید نموده و رژیم جنایتکار و ضد خلقی جمهوری اسلامی را به مثابه رژیم مزدور و وابسته به امپریالیسم آماج حملات اصلی خود قرار دهیم و در این مسیر باید ضمن افشای چهره کسانیکه با داعیه آزادیخواهی و اعتقاد به برقراری دیکراسمی در

ایران خود را آلت ترس و رژیم منخور جمهوری اسلامی معرفی می کنند ولی با دفاع از سیستم سرمایه داری وابسته سواتس جز تداوم شرایط صمیمت بار ناشی از این سیستم راهی پسند بای خلفهای ما قرار نمی دهند، همه نیروی خود را بر علیه امپریالیسم و مزدوران و نوکران ریز و درشتی بکار گیریم، راه ما راه انقلاب اجتماعی، راه جنگی تسوده ای و طولانی است تا در مسیر آن منطقه به منطقه میهن خود را از قید امپریالیسم رها کنیم و جمهوری دموکراتیک خلقی بدرهبری طبقه کارگر را برای نیل به سوسیالیسم و کمونیسم، به مثابه تنها راه نسل به آزادی و عدالت اجتماعی، مستقیم سازیم، نوروز واقعی کارگران و زحمتکشان ما تنها آنروز فرا خواهد رسید.

با ایمان به پیروزی راهمان
چریکهای فدائی خلق ایران
فروردین ۶۹

گزارش هیات تحقیق در خدمت تطهیر

رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی

جریان سفر هیات تحقیق سازمان ملل به ایران در رابطه با بررسی نقض حقوق بشر بوسیله جمهوری اسلامی و انتشار گزارش رسمی این هیات که در خدمت تطهیر چهره بغایت جنایتکار جمهوری اسلامی قرار داشته و در همان حال نشاندهنده گوشه‌ای از کوششهای اربابان امپریالیست این رژیم ددمنش در جهت تسهیل شرایط پیشبرد برنامه‌های غارتگرانه شان در ایران بود و بار دیگر مواضع ابوزیسیون جمهوری اسلامی را نیز بروشنی در مقابل توده‌های نمایش گذاشت.

از مدح و ثناهای جمهوری اسلامی در باره گزارش ساختگی این هیات که بگذریم (۸) بررسی واکنش جریان‌های مختلف در ابوزیسیون وسیع مخالف رژیم خود حاوی تجربیات قابل ملاحظه‌ای است.

سلطنت طلبان کناره‌نشین که بساطشان سالهاست بدست توانای خلقهای مبارز ما از ایران برچیده شده، اسرا و "شخصیت" های نرجه دومی نظیر مدنی و گنجی و بالاخره جلالتان مفلوج و "مفضوبی" همچون بنی‌صدر و سایر ریزه‌خواران امپریالیسم از این قماش و از زمره "جریان‌های" و افرادی بودند که

اظهارات و مواضعشان در رابطه با این "گزارش" بار دیگر نقاب از چهره کریه آنها بر کشید و ماهیت ضد مردمیمان را در انظار توده‌های ستم‌دیده ما بنمایان گذارد.

همه این نارودسته‌های ضد انقلابی - البته با الحان و درجات متفاوت - برای گزارش جعلی هیات تحقیق حقوق بشر سازمان ملل که از هیچ کوششی در تبرئه و تطهیر رژیم خون - آغام جمهوری اسلامی فروگذار نمی‌تواند بود، کف زدند و آنرا ستودند و الحق که بلندگوها و رسانه‌های تبلیغاتی امپریالیستی و از صدای آمریکا گرفته تا بی بی سی و دیگر خبرگزاریهای امپریالیستی برای نفراکاذیب آنها و بسندون دغدغه نهایت انرژی و امکانات لازم را تخصیص دادند.

در این رابطه بنی‌صدر رئیس جمهور مفلوج جمهوری اسلامی در صحابه‌ای با رانیه آمریکا در تاریخ ۹ اسفند پیرامون "گزارش" چنین می‌گوید: "اما این اولین گزارشی است که بعد از مقاومت‌های بسیار این رژیم بعمل آمده و به این عنوان میشود گفت که يك موفقیتی است برای همه" او نهائی که طالب آزادی و استقلال ایرانند و مایلند که انسان در اون سرزمین حقوق داشته باشد.

ماه نوشت: "اینجانب با کمال خرسندی مراتب قدردانی و تشکر خود و برادران عزیز و همکارم را به آن جناب اعلام میدارم." همچنین کیهان هوایی رژیم در شماره ۱۶ اسفند ماه خود "گزارش" هیات تحقیق را "گزارشی مثبت" توصیف نموده و بالاخره آخوند جزایری، امام جمعه رژیم در اهواز نیز با بلاغت خاص خود از قول یزدی رئیس قوه قضائیه و آخوند مقتدائی و در تاریخ ۱۱ اسفند ماه در نماز جمعه اعلام کرد: "آقایان خوشحال بودند گفتند که ما داریم يك کارهایی می‌کنیم، دعا کنید این حقایق را که ما داریم به آنها ارائه می‌دهیم، اینها را بخیر بکنند و دیگر ما از آنموقع منتظر بودیم که نتیجه چه خواهد شد و بحمدالله نتیجه مثبت شد" [تاکیدها از ماست]

(۸) برای آنکه درجه رضایت خاطر سران و مقامات جلد رژیم از "گزارش" هیات تحقیق را بهتر بفهمیم ذکر چند نمونه از واکنشهای آنها در این مورد خالی از فایده نیست.
لجوردی و این رژیم منفور رژیم جمهوری اسلامی و در ست سرکرده سیاهچالهای رژیم و طی نامه‌ای خطاب به وزیر امور خارجه دولت و مراتب سیاستگذاری خود را از "گزارش" هیات تحقیق حقوق بشر سازمان ملل ابراز داشته و به نمایندگی از جانب تمام شکنجه‌گران دیگر رژیم، ضمن آنکه جنایات روزمره مزدوران جمهوری اسلامی در سیاهچالها بر علیه زندانیان سیاسی را "فعالیت‌های نورانی و بشر دوستانه" (۹۱) توصیف کرده در روزی نامه اطلاعات ۱۴ اسفند

این حقیقتی است که تنها افراد و جریاناتی که به نحوی از انحاء منافع طبقاتی ضد خلقیمان به ارتکاب جنایاتی نظیر جنایات رژیم ددمنش جمهوری اسلامی گره خورده و یا به هر شکل و تداوم حیانتان با حفظ و اعمال اینگونه روشهای ارتجاعی در حق توده‌ها معنسی می‌دهد قادرند تا به این حد نفرت انگیز از گزارشی که اساسا برای تطهیر حتی المقدور چهره کریه دیکتاتوری و نظام سرکوبگر حاکم تهیه شده یختیبائی و وقیحانه آن را مورد تائید و تکریم قرار نهند. در این زمینه آنچه که درباره این طیف و مواضع ارتجاعیشان در پیوند با "گزارش" عیسات اعزامی سازمان ملل راجع به حقوق بشر در جمهوری اسلامی بیشتر از پیش مشهود گشت، همانا واقعیت وحدت و هم جهتی استراتژیک این ضد انقلابیون وابسته با رژیم جمهوری اسلامی در امر سرکوب جنبش انقلابی خلقهای درینند و مبارز ما بوده و می‌باشد.

با تائید بر آت و تاب و ریاکارانه گزارش ساختگی هیات تحقیق سازمان ملل توسط نارودستهائی نظیر طیف سلطنت طلبان و جلانان شناخته شده‌ای نظیر بنی صدر و مدنی و گنجی و سایر شرکاء، یکبار دیگر صحت این تجربه انقلابی ثابت گشت که مناهمی همچون "آزادی" و "دمکراسی" و "حقوق بشر" و "۰۰۰" در نزد طبقات مختلف اجتماعی معانسی مختلفی دارند. اگر در این مرحله از انقلاب آزادی از نظر کارگران و توده‌های ستمدیده، تأمین آن حقوق دمکراتیک به یغما رفته و پایمال شده‌ایست که استقلال و عدالت اجتماعی و دمکراسی را برای وسیعترین اقشار تحت ستم امپریالیسم تضمین میکند، ولی در عوض آزادی از نقطه نظر وابستگان و مرتجعینی نظیر نارودسته‌های فوق - بمشابه گرایشات گوناگون طبقه بورژوازی وابسته به امپریالیسم - حصول به آن شرایط ضد خلقی ایست که آنها با سلب آزادی اکثریت جامعه یعنی طبقات تحت ستم، بر اریکه قدرت نهمته باشند؛ که در اینصورت آنها همچون گذشته خواهند توانست با تکیه به قدرت امپریالیستها و با توسل به موسساتی نظیر ساواک و سایر دستگاههای اعمال ستمگری و سرکوب به پایمال نمودن دمکراسی و بدیهی ترین حقوق اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی خلقهای درینند مبارزت نمایند. در این سبسان "دمکراسی" و "آزادی" در فرهنگ آنها الفاظی هستند که در شرایط متفاوت اساسا برای تزئین چهره کریه دیکتاتورهای خوفناک طبقه استثمارگر وابسته‌شان کاربرد دارند. بالنتیجه

منوچهر گنجی از وزیرای رژیم آمریکائی شاه و آزما موران شناخته شده سازمان جاسوسی امریکا در ایران از زمسره "شخصتهای" شناخته شده دیگری است که بلندگوهای امپریالیستی برای تأیید گزارش جعلی "هیات تحقیق" و او را پشت تریبون آوردند. وی نیز در تاریخ فوق الذکر در مصاحبه با رادیو امریکا، ضمن دفاع از گزارش کذائی مزبور با حرارت بسیار عنوان میکنند که "گزارش رو فکر مهکنم یک چیز بسیار سنجیده‌ایست" و که در نقش یک "حقوق دان" و "مخبر سابق کمسیون حقوق بشر سازمان ملل" در ایران به صحنه فرستاده شده است تا از "گزارش" هیات تحقیق دفاع کرده و "جانبداری" آشکار آنها از رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و اعمال جنایتبارش در حسی توده‌های ستمدیده ایران انکار کند، ضمن تعریف و تمجیدهای بسیار از "احساس مسئولیت" رئیس این هیات اقامسه میدهد: "آنچه که من گزارش رو خوندم مهینم که امیسون کوشش کرده که خیلی مادیانه مسائل را باهاش مواجه بشه" و "بعقیده خود من اقتز اینجوری نمی‌بینم که چنین چیزی باشه که بخواد جانبداری بکنه" - و سرآخر نیز مدنی، این جلاد شناخته شده خلق عرب در سری همین مصاحبه‌ها در همان تاریخ درباره گزارش می‌گوید: "باید عرض کنم که این گزارش صحیح، بنده ندیم و بیشتر خبرگزارها هم بخش کردن و حقیقت تلخی ست که آشکار شده ۰۰۰" به این ترتیب جلانان معلوم الحالی نظیر این طیف که هر یک در دوره‌های مختلف حاکمیت دیکتاتوری‌های امپریالیستی نظیر شاه و جمهوری اسلامی، خود مظاهر بارز نقض حقوق بشر بوده و دستانشان تا مرفق به خون کارگران و توده‌های محروم ما آغشته است با رنگ و لعابهای متفاوت - و صد البته از موضع "مخالف" جمهوری اسلامی - کوشیدند که با ریاکاری تمام "گزارش" رسوای هیات تحقیق سازمان ملل را سندی "صحیح" و "سنجیده" و "موفقیت آمیز" و "مادیانه" و "۰۰۰" که برای "محکوم کردن" جنایات رژیم جمهوری اسلامی کافیت جابزنند و آن را در نظر توده‌های در بند و رنجیده ما مقبول جلوه نهند و بسا چنین تکریم و ثنائی از گزارش جعلی هیات تحقیق سازمان ملل به تطهیر چهره جنایتکار رژیم جمهوری اسلامی بپردازند. در حالیکه همین تلاشهای خائفانه بنویه خویش بیانگر آبرویاختگی گردانندگان این هیات و رسوائی گزارش جعلیشان در اذهان توده‌های آگاه ما است.

برای "هورای" خود بعنوان "تنها آلترناتیو و بنیاد" این رژیم بنیاد برسانند. اما همین رفتار نیز بنویسه خود جلوه دیگری از تاکتیک معروف فرار بجلوی سازمان مجاهدین را بنمایند گذاشت.

عدم تحقق چشم اندازها و تحلیلهای کوتاه بینانه سابقه دار این سازمان و عدم تحقق تزی سرنگونی کوتاه مدت و میان مدت رژیم "ضد بشری" و بالآخره بن بست ارتش آزادیبخش ملی در "جنگ آزادیبخش" و در يك کلام شکستهای بی دردی این "تنها آلترناتیو و بنیاد" رژیم جمهوری اسلامی که نمایانگر بن بست تمام عیار رهبری مجاهدین خلق میباشد، در رابطه با سفر هیات تحقیق سازمان ملل نیز جلوه دیگری از بی افقی خود را بنمایش گذارد.

رهبری مجاهدین که مدتها میمدیدی است برای سرنگونی "بس ماندهها" و "بقایای" رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی خود را در جنبه "فعالیتهای بین المللی" محصور کرده است، در این چهارچوب حسابهای بسیاری را بر روی سفر هیات تحقیق سازمان ملل به ایران باز کرده بود. حقیقتی که تبلیغات وسیع این سازمان مؤید آنست.

اگر رهبری "نویسن" مجاهدین از مدتها پیش از سفر هیات اعزامی به ایران چنان به تکاپو افتاده بود که موکدا خواستار اعزام "نمایندگان ناظر" از سوی خود به همراه این هیات به ایران بود، اگر توهم پراکنی های تبلیغاتی این سازمان به طرز ابلهانه ای سفر هیات تحقیق حقوق بشر سازمان ملل را تنها و تنها نتیجه وزن و موقعیت مجاهدین و فعالیتها و افشاگریهای رهبری "نویسن" در سطح بین المللی جامیزد، اما انتشار "گزارش" کار هیات مذکور آب سردی بود که به یکباره بر آتش تبلیغاتی طولانی مدت مجاهدین حول این مسئله ریخته شد. "گزارش" با جعل آشکار واقعیات نه تنها نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی و با تطهیر چهره این رژیم معلوم کرد که بار دیگر تمام حسابگریهای رهبری مجاهدین حول نتایج سفر هیات مزبور غلط از کار برآمده است. ناکامی تلخ و شکست رهبری مجاهدین در این زمینه را بطور اولی میتوان در آه و فغانهای معتناهایی که اطلاعیه شکوایه آمیز سازمان مجاهدین در باره "ارائه گزارش کمیسیون ویژه حقوق بشر در تهران" را در بر گرفته است، مشاهده نمود.

در اطلاعیه مجاهدین میخوانیم "از نظر مردم و مقاومت

در جامعه تحت سلطه ما و بویژه در شرایط فعلی، اینها زیر پرچم دفاع از "آزادی" و "حقوق بشر" در ایران تنها خواستار جایگزین شدن حاکمیت نارودسته ضد خلقی خویش با نارودسته ضد خلقی کنونی در مابین دولتی هستند.

با توجه به این حقیقت است که امثال اینگونه مرتجعین نه تنها نمیخواهند بلکه نمیتوانستند گزارش صراحت جملات "هیات تحقیق" در مورد نقض حقوق بشر در ایران توسط رژیم جمهوری اسلامی را محکوم کنند. آنها به لحاظ تملیسی طبقا تیمان نه میخواهند و نه میتوانند با آن جنایاتی که رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی بطور روزمره با کشتار و شکنجه توده های بیبا خاسته و برای حفظ نظام سرمایه داری وابسته مرتکب مینمود هیچگونه مخالف ماهوی و اصولی نداشته باشند. چرا که بندهند حیات زندگی چه سلطنت طلبان و چه جلافاصی نظیر بنی صدر و مدنی و گنجی و شرکا و شهره نیز با جنایات و ددمنشیهای گره خورده که اساس اعمال آنها ضرورت حفظ و پاسداری از دیکتاتور امپریالیستی موجود تکمیل میدهد. حقیقتی که تمامی مرتجعین فوق الذکر در طول سالها و در دورانیهای متفاوت حکمرانی شان بر حیات و هستی توده ها آرا بینه بمنصه ظهور رسانده اند. اشک تصاح ریختنهای گاه و بیگاه آنها در قفای "آزادی" و "حقوق بشر" نیز در حقیقت برای آن نوع "آزادی" و "حقوق" است که سالهاست بنا به مصالح اربابان نشان از کف آنان ریخته شده و هم اینک در دست شرکایشان در رژیم جمهوری اسلامی متمرکز گشته است. کلیت مواضع نارودسته های سلطنت طلب و جاسلانان رخت بر بسته ای نظیر بنی صدر و مدنی و ... حول "گزارش" هیات تحقیق حقوق بشر سازمان ملل در این چهارچوب قابل تبیین است.

در طیف وسیع اپوزیسیون جمهوری اسلامی صرف نظر از مواضع ارتجاعی نارودسته های کاملاً شناخته شده وابسته بسسه امپریالیسم در رابطه با سفر هیات تحقیق سازمان ملل به ایران، چگونگی برخورد سازمان مجاهدین خلق به سفر این هیات و "گزارش" آن بار دیگر افشاگر مواضع سازمکارانه و رفرمیستی این سازمان میباشد.

قبول سفر هیات تحقیق حقوق بشر سازمان ملل بمنظور بازدید از سهاچالهای رژیم، برای "رهبری نویسن" سازمان مجاهدین خلق فرصت نویسی بود تا بار دیگر با تبلیغات فراوان بکوشند "شکست" دیگری برای جمهوری اسلامی و "بیروزی" بزرگی

" بی جهت نبود که مقامات رژیم خمینی در محافل خصوصی تاکید می‌کردند که برای گسترش رابطه با برخی کشورها و دریافت کمک‌های لازم برای اینکه این کشورها بتوانند تضمین سیاسی شان را آسانتر بگیرند و بحث حقوق بشر را جمع کنند، حالا باید با این " دوپل " همکاری کنیم تا مسأله را حل کنیم. خود دوپل می‌نماید اگر ما یک تضمین مطمئن نداشته باشیم، اصلا روی سفرش تصمیم قطعی نمی‌گیریم و اصلا نمی‌پذیریم." (رادیو مجاهد ۱۲/۸)

در ادامه این " افشاگری " که البته زمانش کمی " دیر " شده و بیشتر بدرد افشای خود مجاهدین می‌خورد، سازمان مجاهدین خلق تاکید می‌کند که " عین سخنان سپروس ناصری سفیر رژیم خمینی در سازمان ملل متحد در زنی که به صدای خود او روی نوار ضبط شده در اختیار مقاومت ایسران است."

اطلاعیه مجاهدین، اعتراف به " شکست " اعلام نشده‌ای از سوی رهبری این سازمان است که در ضمن یک تفاوت اساسی با ناکامیهای متوالی پیشین این سازمان نیز دارد. در جریان سفر هیات تحقیق حقوق بشر سازمان ملل، " رهبری " مجاهدین با وجود اینکه بنا به اعتراف صریح خویش، پیشاپیش از " معامله پشت پرده و مطلوب مقامات رژیم خمینی " و " توطئه چینی " مشترک این رژیم و مراجع نظیر گردانندگان هیات تحقیق آگاه بوده است، رهبری مجاهدین با وجود اینکه به قول خویش، اطلاعاتی از سفیر رژیم در سازمان ملل مبنی بر " همکاری با دوپل " و " تضمین مطمئن " جمهوری اسلامی از سفر این هیات به ایسران و ... را در اختیار داشته است، اما با این وجود، با سکوت در مقابل این " توطئه " پیشاپیش طرحریزی شده بر علیه " مسردم و مقاومت ایران "، همچنان با بوق و کرنای فراوان حول تحولات سفر این هیات و جنم اندازهای آن مشغول توهم پراکنی در میان " مردم و مقاومت ایران " بوده است.

بنا بر این با بررسی مواضع سازمان مجاهدین حول مأموریت " هیات تحقیق سازمان ملل " در ایران روشن می‌گردد که همسوتی آشکار مواضع این سازمان با تبلیغات ریاکارانه امیربالیستی، که اساسا در طول این جریان برای تحقیق توده‌ها و پنهان ساختن منافع مشخصی که در ورای این تاکتیک سازمان یافته بود، بحث به هیچ رو بر سر ناآگاهی و ناهمی رهبری " نوین " مجاهدین نیست. چه، حداقل اطلاعیه رسمی این سازمان موید آن است که مجاهدین خلق پیشاپیش از زدوبند

ایران، این گزارش کاملاً مخدوش، مفرضانه، و عاری از اعتبار و صرفاً حاکی از یک معامله پشت پرده و مطلوب مقامات رژیم خمینی است که پیشاپیش برای بدست آوردن آن برنامه ریزی و توطئه چینی کرده بودند. تا اینجا، اطلاعیه مجاهدین - ظاهراً مطلب تازه و غیر قابل پیش بینی ای را مطرح نکرده است. چرا که همانگونه که مادر قسمت پیشین به تفصیل توضیح دادیم، اصولاً سفر هیات تحقیق سازمان ملل به ایران و قبول آن توسط جمهوری اسلامی با توجه به ماهیت وابسته به امیربالیسم این رژیم و با توجه به رویه‌ای که مدت‌هاست امیربالیستها مطابق اقتضای منافعشان به منظور تطهیر چهره کریم این رژیم در سطح بین المللی در پیش گرفته‌اند، قابل درک می‌باشد. بنا بر این روشن است که در چنین چارچوبی " گزارش " این هیات نیز در مورد نقض وحشیانه حقوق بشر در ایران با توجه به ماهیت گردانندگان نمی‌توانست خارج از حیطه این سیاست امیربالیستی و جز سند برائتی که برای تبرئه جمهوری اسلامی تنظیم شده باشد، (۲) واقعیتی که حتی از زمان قبول سفر این هیات به ایران توسط مقامات جمهوری اسلامی، شواهد و ادله بسیاری در تایید آن وجود داشت. لیکن آنچه که در ادامه اطلاعیه مجاهدین بهش از هر چیز جلب توجه می‌کند عبارت از این نکته است که پناهِ ادعای آنها، این سازمان از ابتدا بر انجام این " معامله " بنیت برده و مطلوب " و " برنامه ریزی " و " توطئه چینی " پیشاپیش مقامات رژیم به منظور حصول به آن وقوف کامل داشته است.

سازمان مجاهدین خلق در ادامه اطلاعیه خود می‌نویسد:

(۲) اگر رهبری مجاهدین خلق توان و آمادگی در سگیری از این وقایع را داشت آنگاه می‌توانست از جریان سفر " هیات تحقیق " به ایران درک کند که آن دستها و نیروی محرکه‌ای که هراز چندگاه یکبار بسته به شرائط مشخص در مجمع سازمان ملل یا پارلمانها و یا مراجع بین المللی ای از این قبیل با صدور قطعنامه‌های رنگارنگ و فریبنده " بیروزیهای دوران ساز " آنچنانی برای رهبری " نوین " رقم می‌زنند هر آنگاه که مصالحان ایجاب کند قادرند بر غم بهت زدگی مجاهدین خلق " شکستهای " خفت باری هم نصیب این " تنها آلترناتیو " رژیم وابسته به امیربالیسم جمهوری اسلامی گردانند.

سازمانی که تا دیروز سفر این هیئت به ایران را پیروزی بزرگی برای خود به حساب می‌آورد شکست بزرگی تلقی می‌شود که باید آنرا به لیست شکستهای مکرر رهبری مجاهدین اضافه نمود. شکستی که در همان حال نشان مینهد چگونه رهبری مجاهدین به ملعبه دست دستگاههای تبلیغاتی امپریالیستی تبدیل گردیده و در هم نوائی با این دستگاهها و توهم پراکنی در رابطه با سفر "هیئت تحقیق" تا آنجا پیش می‌رود که بنا اینکه بنا به ادعای خود این رهبری اطلاعاتی از زوایای پست برده و "توطئه‌های از پیش طرح ریزی شده و مطلوب رژیم خمینی" در اختیار داشته است آنرا مسکوت گذاشته و همچنان به گرم کردن آتش تبلیغات دشمنان مردم ایران در این زمینه ادامه داده است.

ادامه دارد

جمهوری اسلامی با این هیات مطلع بوده‌اند. حال همین رهبری بدون هیچ عذر و بهانه‌ای باید به "مردم و مقاومت ایران" و همچنین به هواداران خویش توضیح دهد که آیا برای رفتار آگاهانه می‌توان هیچ نام دیگری به غیر از عوامفریبی و توهم پراکنی نهاد؟ بنا بر این با بررسی مواضع سازمان مجاهدین حول مأموریت "هیات تحقیق سازمان ملل" در ایران روشن می‌گردد که چه همسوئی آشکاری فی مابین تبلیغات ریاکارانه امپریالیستی در رابطه با سفر این هیئت و مواضع این سازمان بوجود آمده و چرا انتشار گزارش هیئت اعزامی سازمان ملل به ایران به مثابه خنجری از پشت در قلب "مقاومت ایران" اعلام میشود.

بدون شك انتشار گزارش نفرت‌انگیز هیئت مزبور برای

قیمتهای مالی

کانادا

۱۰۰ دلار	کرستان - شیکاگو
۵۰ دلار	بهر روز دهقانی - واغنگتن
۵۰ دلار	رفیق حسین علیجانی - هوستون
۲۰ دلار	قفتوس - نوانا
۴۰ دلار	منصور فرخیدی - نوانا
۳۰۰ دلار	صمد بهرنگی - میامی
۱۵۰ دلار	ف - ف - کالیفرنیا
۱۰۰ دلار	الف - الف - نیویورک
۷۵ دلار	ب - ب - کالیفرنیا
۵۰ دلار	ن - ک - نیویورک
۲۵ دلار	رزمندگان چریک - اوهایو
۵۰ دلار	رفیق اشرف دهقانی - کانزاس
۱۵۰ دلار	باران - میامی
۲۰ دلار	مهرداد - یوتا
۵۰ دلار	دادر - یوتا
۱۰ دلار	صمد بهرنگی - اکالهما
۲۰۰ دلار	مریم کیانی - دنور

۵ دلار
۱۰ دلار

آرش
بدون کد

فرانسه

۱۰۰ فرانک

شیرین فضیلت کلام

۱۰۰ کرون

سوئد

احمد زاده

۲۵۰ کرون

نیسا

۲۱۵ کرون

صفائی فراها نی

۱۸۴ کرون

نیسا

۲۰۰ کرون

عنایبی

۱۰۰ کرون

مهین جهانگیری

۵۰ کرون

ارژنگ شایگان

۱۰۰ کرون

صفائی فراها نی

۳۰۰ کرون

شهیدان گمنام

سازمان هواداران جریکهای فدائوسی

۲۷۵ کرون

سکه طلا

با ایمان به پیروزی راهمان

انگلستان

۲۰ پوند

مانر

۲۰ پوند

شفق

۲۰ پوند

خنیار سنجری

۲۰ پوند

روح انگیز دهقانی

۱۰ پوند

بهر روز دهقانی

۱۰۰ دلار

سیاهکل - شیکاگو

۱۰۰ دلار

کرستان قهرمان - آلبا کرکی

۷۵ دلار

پرومته - آلبا کرکی

۱۷۰ دلار

نیکی - میامی

۸۰ دلار

فر - میامی



گزیده‌هایی از صدای چریکها:

جمهوری اسلامی و روز جهانی کارگر

۶۹/۲/۵

کارگران نربند و آگاه ایران!
چند روز بیشتر به اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) باقی نمانده است. اینروز، روز جهانی شما و تمامی همسنگرانان در سراسر دنیا است. یازده اردیبهشت (اول ماه مه) روزی است که طبقه کارگر اراده خود را به عنوان یک نیروی دوران ساز، مستقل و عظیم اجتماعی بر دشمنان خویش تحمیل کرده. به نیروی همت و مبارزه کارگران در این روز بود که حق ۸ ساعت کار و سپس برخی حقوق حداقل دیگر به سرمایه داران غارتگر و رژیمهای حافظ آنان تحمیل شد. اما این دستاوردها به آسانی حاصل نشده و امروز نیز حفظ آن در بسیاری از نقاط پراحتی امکانپذیر نمیباشد.

هم زنجیران شما و در رأس آنها رهبران دلاور کارگران شیکاگو خون خود را بهای رسیدن به این پیروزی و کسب بخشی از حقوق یا اعمال شده کارگران کردند. با این وجود، برای حفظ و نگهداری این پیروزی و برای بسیاری از خواستههای عادلانه دیگر، ارتش جهانی کارگران، در سراسر گیتی هنوز هم همه ساله، در جبهه‌های نبرد با سرمایه داری و قربانیان فراوانی نهد. بسیاری از

در باره متحکه اشغال سفارت امریکا

۶۹/۲/۱۷

طرف روزهای اخیر خبر گزاریهما گزارش دادند که سرانجام يك بازرگان امریکائی که بدلیل افناگریهایش در مورد ملاقات مقامهای انتخاباتی ریگان و بوش در سال ۱۹۸۰ با نمایندگان جمهوری اسلامی متهم به دروغگویی شده بود، بیگناه شناخته شده است.

بر اساس این گزارش بازرگانی بنام ریچارد یانگ هنگامیکه در سال ۱۹۸۰ در سازمان جاسوسی امریکا CIA کار میکرده است، ترتیب ملاقاتهایش را بیسین مسئولین انتخاباتی ریگان - بوش و نمایندگان جمهوری اسلامی داده بود تا سردمداران جمهوری اسلامی با به تاخیر انداختن آزادی ۵۲ گروگان امریکائی - سفارت امریکا در تهران - به پس از انتخابات ریاست جمهوری امریکا موجب پیروزی ریگان در انتخابات آن زمان را فراهم نمایند.

ریچارد یانگ مامور سازمان جاسوسی امریکا CIA در سال ۱۹۸۸ با افشای این واقعیت تحت تعقیب قرار گرفته و متهم به دروغگویی شده بود ولی اینک وی از طرف دستگاه قضائی امریکا بیگناه شناخته شده و به این ترتیب مقامات امریکائی ده سال پس از سازماندهی نمایند متحک اشغال سفارت امریکا در

در صفحه ۳۳

سرمایه داری وابسته عامل

اصول فساد

۶۹/۲/۲۹

چندی بیند از رسانه‌های رژیم خبری بخش، گردید مبنی بر اینکه برخی یکماه گذشته سیاه باسداران ضد خلقی طی انجام یکی از وظایف ضد انقلابی خویش که تحت پوشش مبارزه با منکرات صورت می‌گیرد، بقول خودشان چند "لانه فساد" را متلاشی ساخته است. رانیبوی رژیم با آب و تاب کامل در توصیف این عمل گویا "تحسین - برانگیز" سیاه باسداران از کشف و ضبط تعداد قابل ملاحظه‌ای از وسایلی نابین ویدئو، نوار، عکس، اسلنده، مجله و کتاب اسم برد در حالیکه کلمه "بند" را بعنوان "ترجیح بنشد" در مورد همه آن ابزار و وسائل بکار میبرد.

ساله‌ای که در اینجا جلب توجه می‌کند آنست که بدانیم در فرهنگ رژیم جمهوری اسلامی، چه چیز منکرات، لانه فساد و مبتذل نامیده می‌شود و سؤال دوم آنکه باید برسید چگونه است که ۱۱ سال پس از استقرار رژیم جمهوری اسلامی و در حالیکه این رژیم همواره و با شدت تمام و تقریباً در صدر همه برنامه‌های تبلیغاتی خویش بر علیه آنچه که منکرات می‌نامندش بطور مستمر مبارزه کرده است نه فقط نتیجه‌ای بدست نیامده بلکه بر ابعاد آن موارد

در صفحه ۲۵

هم زنجیران شما در جهان و حتی برای برگزاری مراسم بزرگداشت اول ماه مه هر سال و متحمل سرکوب و آزار و اذیت‌های فراوانی از جانب سرمایه‌داران و حکومتها و ارتشهای حافظ انسان میگردند. با این وجود هنوز کهورهای زیادی وجود دارند که میلیونها تن از کارگران محروم و زحمتکش آنها را از همین حداقل حقوق برخوردار نیستند. آنها حتی حق برگزار کردن روز عید خودشان را ندارند. همه آنها همان میهند که سرمایه‌داران را الوصف و حکومت‌های خونخوار آنان چه وحشت و کینه عمیقی نسبت به کارگران دارند. و تا چه اندازه از وحدت مبارزاتی و نیروی بهکسران طبقاتی آنان میهراسند. این اوضاع در ایران تحت سلطه ما نیز سابق است. تحت حاکمیت امپریالیستی موجود در ایران، کارگران زحمتکش حتی اجازه برگزاری کردن مستقل مراسم روز جهانی خودشان را نیز ندارند. برگزاریها عدم برگزاری هر مراسمی در این روز و چگونگی آن و کاملاً بسته به منافع مادی و تشخص رژیمهای جبار و ضد کارگری بوده و میباشد. بطور مثال در حالیکه تحت حاکمیت سیاه رژیم جمهوری اسلامی و سران این رژیم بسیاری از ایام سال را بمناسبت‌های مذهبی و سنتی و یا بمناسبت مرگ فلان زمامدار قدرتمند تعطیل رسمی اعلام کرده و در بیشتر این مواقع توده‌ها را به عزای ترویج میکنند و ولی در همین حال اول ماه مه که روز جشن میلیونها کارگر زحمتکش ماست و حتی جزء تعطیلات رسمی به حساب نمیآید و بیشتر سالها کارگران رنجیده ما باید حتی این روز را هم کار بکنند و در راه تولید سودهای بیشتر برای سرمایه‌داران و

رژیمهای حافظان جان بکنند. اما برای اینکه بدانیم چرا بسا وجود نقش عظیم کارگران در تولید و گسترده‌گی این طبقه تحت ستم در جامعه کارگران زحمتکش ما حتی اجازه برگزاری یک مراسم آزاده و مستقل بمناسبت عید جهانی خود را نیز ندارند لازم است کمی بیشتر صحبت کنیم. همانطور که شما کارگران محروم میدانید و در تجربه زندگی فلاکت‌سار روزمره خود حس میکنید، جامعه ما و جامعه‌ایست تحت سلطه که در آن نظام سرمایه‌داری وابسته حاکم است. در تمام عرصه‌ها نه اقتصادی مستقل و نه خدمات رفیع نیازهای واقعی توده‌ها، بلکه فرآیندی است که کاملاً در خدمت بازارهای جهانی سرمایه و مطابق منافع امپریالیستها سازماندهی شده است. همه چیز ما وابسته به آنهاست. امپریالیستها سالهاست که بمدد نوکران خویش یعنی رژیمهای آریامه‌ری و جمهوری اسلامی و شما کارگران و عیال توده‌های تحت ستم را استثمار و غارت میکنند. منابع و ثروتهای مملکت همچون نفت و گاز را به یغما میبرند. آری هر آنچه که به بهای قطره قطره آب شدن شما کارگران زیر چرخ دنده‌های واحدهای صنعتی و کارخانجات غول‌آسای وابسته حاصل میشود و هر آنچه که از بابت جپاول و غارت سایر توده‌های خلق بدست میآید، اساساً از راههای مختلف به جیب امپریالیستها و سرمایه‌داران وابسته و مزدوران آنها سرازیر میگردد. نتیجه اینکه به همان نسبت که کارگران و توده‌های محروم ما روز بروز بیشتر ورشکسته و بدبخت میشوند، همانقدر بر میزان ثروتهای

سرمایه‌داران وابسته مفتخور و اربابان امپریالیستها افزایش میدهد. همه اینها معلول حاکمیت نظام سرمایه‌داری وابسته و یک درد ریشه‌دار و قدیمی در جامعه ما، یعنی درد تحت سلطه است. اساسی‌ترین عامل فقر و آوارگی شما کارگران و سایر توده‌های رنجیده مناسبات استثمارگرانه حاکم و همانسا تحت سلطه بودن جامعه ماست. اما برای آنکه چنین نظام غارتگرانه اقتصادی‌ای حفظ نشود و برای آنکه بقای این نظام که اساسی آن غارت و جپاول و استثمار کارگران و توده‌های ستمدیده بنفع امپریالیستهاست است امکانپذیر گردد، نیاز به حاکم کردن سیاه‌ترین رژیمهای نیکتاتوری بر حیات و ستم توده‌ها وجود دارد. رژیم جمهوری اسلامی و سلف برحق رژیم شاه از زمره این حکومت‌های مزدور و اعمال کننده نیکتاتوری سیاه امپریالیستها بر زندگی و کار شما بوده و هستند. حفظ و اعمال این نیکتاتوری نیز جز با کاربرد قهر و سرکوب عنان گسیخته و خفه کردن کمترین ندای اعتراضی شما و سایر توده‌های ستمدیده در سطح جامعه امکانپذیر نمیکرد. بهمین خاطر است که شما خود را هدید زیر حاکمیت اینگونه رژیمها نه تنها هر روز که میگذرد بیشتر از پیش استثمار و غارت میشود بلکه کمترین حقوق شما نیز از معرض دستبرد و یورش غارتگران حاکم نرمان نیست. حکومت‌های نظیر رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی، از آنجا که در عمل تنها ما موریتان حفظ سلطه غارتگران را بر امپریالیستها بر مینماید و پس هیچ حقوقی را برای شما کارگران و میلیونها توده تحت ستم دیگر برسمیت نمیشناسند. از نظر آنها صرفاً استثمار و جپاول

روز افزون کارگران و محرومان، باймالی حقوق و سلب تمام آزادیها از آنان به نفع غارتگران و جهانخواران رسمیت دارد. بخاطر ماهیت چنین نظامها و رژیمهای وابسته‌ای هم هست که شما کارگران محروم و آگاه ناهندیده، برای ایران تحت سلطه حتی از کمترین حقوق اقتصادی و آزادیهای سیاسی ناچیزی نظیر برگزاری روز جهانی کارگر که مثلا در کشورهای سرمایه‌داری پیشرفت در امریکا و اروپا و غیره برای هم‌زنجیران شما برسمیت شناخته شده، خبری نیست. در واقع در جامعه تحت سلطه ما بدلیل وجود دیکتاتوری سپاه امپریالیستی، کارگران محروم در فقر و بی‌حقوقی کامل بسر میبرند. سرمایه‌داران وابسته حاکم همه چیز کارگران و حتی مراسم روز جهانی آنانرا در انحصار و خدمت دستگاه غارت و چپاول خود درآورده‌اند. کارگران زحمتکش ما تحت سیطره چنین فضای اختناق و دیکتاتوری است که حتی حق برگزاری جشن عید جهانی خود را نیز ندارند. در تمام سالهای سلطه امپریالیستی بر میهن ما، چه در زمان دیکتاتوری شاه و چه تحت دیکتاتوری جمهوری اسلامی، کارگران محروم ما صرفنظر از برخی شرایط استثنائاتی هیچ و مرج - نتوانسته‌اند علنا و در سطحی وسیع و دلخواه اول ماه مه را جشن بگیرند و مراسم آزادانه خود را برگزار کنند. هر آنچه هم که تحت نام کارگران و بنام روز جهانی کارگر توسط رژیمهای حاکم برگزار شده، جز نمایشاتی تحمیلی کننده و فریبکارانه برای توجیه وضع نکبت بار زندگی کارگران ما نبوده است. مرزهای این بی‌حقوقی آشکار تا جایی است که جمهوری اسلامی و

سرمایه‌داران وابسته سال گذشته با بهانه یوچ ماه رمضان و با توجیه مسخره اینکه کارگران روزه‌دار نمیتوانند بخاطر فواصل دور کارخانجات از یکدیگر، بدراهیهای و برگزاری مراسم اول ماه مه بپرنازند اساسا نمایشات مسخره هر ساله خود را نیز لغو کردند؛ تا از حاصل دسترنج شما در همین روز هم بی‌نصیب نمانند. اما امسال وضع بیگونه‌ای متفاوت است. رژیم با آب و تاب فراوان اعلام کرده که میخواهد مراسم روز جهانی کارگر را برگزار کند. مقامات رژیم که دشمنان قسم خورده کارگرانند سلسله نمایشاتی را برای اول ماه مه ترتیب داده‌اند و با فریبکاری تمام میخواهند اینطور جلوه دهند که جمهوری اسلامی طرفدار کارگران است و میخواهد در روز جهانی آنان مراسم برگزار کند. بهمین خاطر آنها از زبان یکی از مسئولان نهاد ضد کارگری "خانه کارگر" اعلام کرده‌اند که "در ۱۱ اردیبهشت، گردهمایی و راهپیمایی در تهران و دیگر شهرها برگزار خواهد شد."

دبیر کل خانه کارگر رژیم گفته است که امسال روز کارگر از ۸ اردیبهشت ماه، با بیدار نمایندگان کارگر از بیت امام و تجنید میثاق با اندیشه‌های والای ایشان شروع میشود و بهمین مناسبت در کارخانه‌های سراسر کشور ضمن برگزاری مراسم به کارگران نمونه هدایایی نیز اهدا میشود. وی افزوده است که "حضور کارگران در صحن مطهر رهبر کبیر انقلاب اسلامی، بیدار بسا مقام معظم رهبر انقلاب اسلامی و رئیس مجلس، ملاقات با جانبازان انقلاب اسلامی و غیره از دیگر برنامه‌های روز کارگر است."

بله! همانگونه که مشاهده میشود

رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی زیر نام شما کارگران تربند و با پرچم حمایت از کارگر، در صدد فریبکاری دیگریست. رژیم قصد دارد با دستچین کردن تعدادی از مزدوران شناخته شده خویش در کارخانجات، که کسانی جز جاسوسان انجمنها و شوراهای اسلامی نیستند و با رژه برین آنها در پیسگاه، سران حاکم و گور خمینی معدوم بمنابیه یکسی از غدارترین دشمنان کارگران تحت ستیم ما و بالخره با اهتای جوائزی به آنها روز اول ماه مه را با اصطلاح جشن بگیرد. مسلما به روال گذشته در این خیمه - شب بازیه سرمایه‌داران وابسته کوشش خواهند کرد که از زبان آخوندکسای روضه‌خوان و مزدور موعظه‌های طولی هم در باره اینکه کارگران باید بیشتر از پیش کار و تولید کنند سر ناده و این مراسم "بی خطر" را بخوبی و خوبی بنام کارگران ولی بر علیه آنها به پاسبان ببرند. این جوهر نمایشات روز کارگر رژیم جمهوری اسلامی است که امسال قصد برگزاری آن بر علیه شما کارگران بجان آمده و آگاه را دارد.

اما در مقابل چنین ترفند شناخته شده‌ای شما کارگران آگاه و مبارز وظیفه بس خطیری را بر عهده دارید که تحریم خیمه شب بازیه‌های رژیم تحت نام برگزاری روز اول ماه مه میباشد. باید به هر شیوه ممکن در نمایشات رژیم شرکت نکنید و دیگر همسنگرانان را نیز تنوی به تحریم مراسم بوفالین حکومت در این ایام کنید.

کارگران آگاه!

این حقیقتی است که تا ما نامیکه نظام سرمایه‌داری وابسته و حکومت سرمایه‌داران زالوصفت وابسته وجود

درباره مضحکه اشغال سفارت امریکا

از صفحه ۲۰

تهران توسط جمهوری اسلامی که به منظور سرکوب جنبش ضد امپریالیستی خلقهای ایران سازمان یافته بود اینک به مسائل پشت پرده این فریبکاری عملا و رسماً اعتراف می‌کنند.

البته این فریبکاری رذیلائی رژیم جمهوری اسلامی و اربابان آمریکائی اش درست در همان مقطع به کرات توسط سازمان ما برای توده‌های تحت ستم توضیح داده شده چریکهای فدائی خلق درست در مقطع اشغال سفارت امریکا طی سلسله اعلامیه‌هایی با نام "مرگ بر امپریالیسم امریکا" مرگ بر فریبکاران" که تاریخ ۱۷ آبان ۵۸ خطاب به توده‌های بیباخته در رابطه با خیمه شب بازی تسخیر سفارت امریکا در تهران گفتند "آینده با وضوح تمام نشان خواهد داد که آقای خمینی و یارانش این بازی را به چه منظوری به راه انداخته‌اند. آینده نشان خواهد داد که هدف آقای خمینی از این همه هیاهو نه پروری روحیه انقلابی و ضد امپریالیستی توده‌ها و نه برای پیشبرد مبارزه ضد امپریالیستی بلکه برای جلب حمایت هرچه بیشتر و تحکیم رابطه خود با امپریالیست‌هاست."

چریکها در مورد منافع این خیمه - شب بازی امپریالیستهای امریکائی و سگان زنجیریشان در ایران اعلام کرده بودند که "حال اگر این شرایط را بنا

شرایط جامعه امریکا ارتباط مهم مسئله بهتر درک میشود. اگر توجه کنیم که انتخابات ریاست جمهوری امریکا نزدیک است و همواره در آستانه انتخابات درگیریمهای گروههای مالی امریکا شدید میگردد اگر بیاد بیاوریم که کار تر این جسم تمامی جنایتهای امپریالیسم محبوبیت خویشی را هرچه بیشتر از دست داده بود و حال با استفاده از موضوع تسخیر سفارت امریکا در ایران در اوج محبوبیت بسر می‌برده در خواهیم یافت که اشغال سفارت را نباید تنها در محدوده ایران مورد بررسی قرار داد بلکه باید آنرا در ارتباط با تضادهای بین امپریالیستها و انعکاس این تضادها در ایران دانست. این سخنان صریح و واقعی در زمانی با شجاعت انقلابی از سوی چریکهای فدائی خلق ایران به توده‌های تحت ستم عنوان میشد که صرف نظر از تلاشهای هستریک بلندگوهای تبلیغاتی رژیم مزدور جمهوری اسلامی موجی از تبلیغات سازشکاران و خائنان به خلق که برای این اقدام فریبکارانه رژیم جمهوری اسلامی و اربابانش در حق توده‌ها هورامی کشیدند نیز فضای جامعه تحت سلطه ما را انباشته کرده بود اما بهر حال چیزی نگذشت که مسیر رویدادها صحت این نظرات و تحلیل‌ها را ثابت کرد و نشان داد که جمهوری اسلامی نه رژیمی ضد امپریالیست بلکه همچون رژیم شاه رژیمی وابسته به امپریالیستها و مزدور آنهاست و

نمایش اشغال سفارتخانه امریکا توسط ایادی این رژیم نیز اتفاقاً جزئی از اجرای اوامر اربابان آمریکائی جمهوری اسلامی بوده است و امروز نیز با اوج‌گیری تضادهای درونی طبقه حاکمه امریکا جزئیات بیشتری از عمق رابطه ارباب و نوکری این رژیم با امریکا افشاء می‌شود. روابطی که گوشه‌هایی از آن را در اعترافات ریچارد یانگ این مامور سازمان جاسوسی امریکا CIA میتوان یافت.

واقفیت این است که یکی از کثیف‌ترین سئاسی که جمهوری اسلامی و اربابان امریکائی اش در طول مدت زمامداری این رژیم وابسته به امپریالیسم بر علیه خلقهای تحت ستم ما سازمان دادند، مسئله اشغال سفارت امریکا در تهران و به اصطلاح به گروگان گرفتن اعضای این سفارتخانه توسط نار و دسته‌های چیره خوار رژیم در سال ۵۸ بود. نمایش اشغال سفارت امریکا در تهران و گرفتن بز ضدا سریکائی و ضد امپریالیستی توسط رژیم جمهوری اسلامی در حالی صورت پذیرفت که این رژیم با وجود اینکه چند ماه پیشتر از عمر ننگین اش نمی‌گذشت هجوم بی‌سابقه‌ای را به جنبش ضد امپریالیستی کارگران و خلقهای تحت ستم ما سازمان داده بود.

ارتش امپریالیستی که در مستان و ترکمن صحرا را به خاک و خون کفیده و در

کرده زیرلوی مبارزه با امریکاهرگونه حرکت ضد امریکائی واقعی را سرکوب نمود و هرگونه ندای حقیقتا ضد امریکائی را در گلو خفه ساخت. و در یک کلام خیمه شب بازی اشغال محاسبه شده سفارتخانه امریکا توسط ایادی مزدور رژیم برسال ۵۸ دسیسه نواستعماری محیلاته ای بود که امپریالیزم و سگان زنجیریش با آن موفق شدند در کنار خیانت آشکار رهبران توده ای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و مداخلات جوشهای سایر سازمان که برای این عمل رژیم جمهوری اسلامی به عنوان یک اقدام قهرمانانه ضد امپریالیستی و ضد امریکائی کف زده و هورا می کشیدند موج سرکش جنبش ضد امپریالیستی توده ها را به بیراهه ببرند و پایه های حاکمیت امپریالیست ایران را محکمتر از پیش سازند.

اما اضافه بر منحرف ساختن جنبش ضد امپریالیستی توده ها و زمینده چینی برای سرکوب قطعی تر آن همانگونه که ما سالها پیش و در مقطعی که این خیمه شب بازی جریان داشت توضیح دادیم نمایش مسخره اشغال سفارت آمریکا توسط ایادی رژیم جمهوری اسلامی بکار تضادهای درونی میان جناحهای مختلف هیئت حاکمه امپریالیسم امریکا یعنی اربابان رژیم جمهوری اسلامی نیز آمد و در مقطع انتخابات ریاست جمهوری در امریکا و در شرایطی که مسئله گرونگیری اعضای این سفارتخانه و تلاش برای آزادی آنها به پارامتسر مهمی برای جلب آراء بیشتر در بین زمانداران امریکا بدل شده بوده رژیم جمهوری اسلامی با اعسارت اربابان امریکایی خویش پس از پایان انتخابات آن دوره در این کشور که طی آن جمهوریخواهان

به مقابله با توده ها پرداخته بود اما بهر حال مصالح امپریالیستها و نوکران تازه بقدرت رسیده شان حکم میکرد که اگر در آن مقطع قادر به سرکوب قطعی موج رو به گسترش نهضت ضد امپریالیستی خلقهای مانیتند. خود پرچمدار آن شوند و از در مبارزه با امریکا در آیند و پرچم این مبارزه ضد امپریالیستی را که بویژه با خیانت رهبران توده ای لائیه کرده در سازمان چریکهای فدائی خلق در نبود یک رهبری انقلابی و سازمانی قوی و پیشاهنگ بی صاحب مانده بوده خود بدست بگیرند. بلکه در چنین شرایطی پاسداران و ایادی رژیم ۱۱ سال پیش وارد سفارتخانه آمریکا شدند درهای آنرا به روی مردم بستند تا هیچکس وارد نشود و اعلام کردند که جاسوخانه امریکا به اصطلاح به اشغال انقلابی دانشجویان پیرو خط امام درآمده است. البته در اجرای این مضحکه رژیم جمهوری اسلامی بدست مراقبت کرد که مبادا توده های بیخاسته در اشغال سفارتخانه خود ابتکار عمل را بدست گیرند چرا که سران رژیم می دانستند که اگر توده های آگاه ابتکار عمل را بدست گیرند مجالی برای خیانت و زد و بند این مزدوران باقی نمی گذارند. بنابراین واقمیت هم بود که دارو بسته خمینیسی جلا د پس از نمایش اشغال سفارتخانه کار را تمام شده اعلام کردند و مدتی نیز توده ها را به جلوی سفارتخانه آورده و به آنها "حق" شمسار دادن بر علیه امریکا را دادند و بلافاصله پس از اشغال نمایش سفارت امپریالیسم امریکا در تهران هم بود که رژیم مسوج دیگری از تبلیغات بر علیه کمونیستها و مبارزین و همچنین یورش جدیدی را به نهضت ضد امپریالیستی توده ها آغاز

همه جا انقلابیون واقعا ضد امپریالیست و ضد امریکائی در معرض شدیدترین تهاجمات رژیم حاکم قرار نداشتند و دولتسردان حاکم با تمامی تاهی و تا آنجا که وسعتان در آن زمان اجازه می داد معقول سرکوب خلق و بازستاندن دستاوردهای قیام بهمین ۵۷ از آنها بودند و غیره. رژیم جمهوری اسلامی در آن مقطع با آنکه در همه جا عریده کنی های ضد امریکائی بر راه انداخته بود اما در عمل از هیچگونه رذالتی برای سرکوب نهضت واقعا ضد امپریالیستی توده ها خودداری نمی کرد و بالاخره هنگامی که سرمداران مزدور رژیم جمهوری اسلامی دریافتند با صرف تشدید شمارهای ضد امریکائی قادر نخواهند بود که سیل امواج نهضت ضد امپریالیستی کارگران و توده های تحت ستم ما را به بیراهه بکشاند و از تمامی روزمره احساسات و آگاهی انقلابی و ضد امپریالیستی توده های که باستان توانا پیشگان شاه این سگ زنجیری امپریالیسم را سرنگون کرده بودند و اکنون در حال پیشروی مبارزاتشان بودند جلوگیری کنند "دست به کار" تا کتیک کثیف دیگری دهند علم به اصطلاح مبارزه با امریکا با تبلیغاتی بیش از پیش برافراشته شد. نارودسته ای از کثیف ترین مزدوران رژیم با یک برنامه از قبل طرح ریزی شده به سفارت آمریکا ریختند و آنرا به اشغال خود در آوردند. رژیم جمهوری اسلامی در حالی که این نمایش مسخره دست زد که اندک زمانی پیش از آن توده های واقعا ضد امپریالیست و ضد امریکائی بهرمان فرزندان فدائی شان یکبار کوشیدند سفارت امریکا را به اشغال در آورند و این رژیم با تسکین غداره بنندان خود به سفارت اربابان امریکائی اش

سرمایه داری وابسته عامل اصلی فساد

از صفحه ۲۰.

نیز روز بروز افزوده شده است.

واقعیت اینست که در فرهنگ منطقی جمهوری اسلامی، معیار بسرای تشخیص مبتذل از غیر مبتذل، زهد و پاکی و پاکیزگی از فساد و غیره نه آنچه چیزی است که عموماً در عرف عمومی و در میان مردم ماریج می باشد، بلکه این رژیم هر آنچه را که با منافع و مصالح ضد خلقی او در تضاد قرار داشته باشد، مردود می شمارد در معیارهای این رژیم ضد خلقی مجله و کتابی که ناشر افکار انقلابی و آگاهی بخش است، نوار ویدئو و فیلمی که زستی و پلیدی های سیستم سرمایه داری و جنایات امپریالیستها و سگان زنجیریش در اقصی نقاط جهان و تلاش های مبارزاتی و موفقیت های انقلابی رزمندگان رهائی خلق و انقلابیون جان برکفرا به نمایش می گذارده عکس و اسلایدی که با نشان دادن جنبه های گوناگونی از مظاهر مبارزه طبقاتی باعث وسعت دید و آگاهی انقلابی گردد همه اینها کفر محض و رکن اصلی « منکرات » شمرده شده و مزدوران حقیر جمهوری اسلامی بی هیچ تردگی نام مبتذل و مبتذل ترین بر آنها میسپند و دارندگان و یا استفاده کنندگان از آنها را با نام برطمطراق « مفاسد فی الارض » راهی شکنجه گاه های خود ساخته و خونشان را بر زمین می ریزند، بلکه در معیارهای رژیم مزدور جمهوری اسلامی اینهاست

شاخص اصلی منکرات و مفاسد اجتماعی و به این ترتیب این رژیم همه چیز را به ابتذال میکشد تا نظم ضد انقلابی حاکم را به هر نحو که شده تدارم بخشد البته برای رژیم جمهوری اسلامی همانند هر رژیم سدافع مرتجعین و استثمارگران و مخالف و مبارزه برعلیه مفاسد اجتماعی در مفهوم واقعی خود از قبیل مبارزه با نزدی و ارتشاء و غیره نیز بواقع مطرح است چرا که ضرورت برقراری نظم ضد انقلابی به نفع استثمارگران به چنین مخالفت و مبارزه ای البته عمدتاً و اساساً در رابطه با محرومان و نه سرمایه داران زالومست نیز نیازمند میباشد بر این اساس حال چه با استناد به اعترافات خود سردمداران رژیم و چه با توجه به واقعیت گستردگی فساد در جنبه های گوناگون خود در جامعه باید گفت امری که امروز کاملاً مشخص و مبرهن است گسترش و رشد بی سابقه فساد از جمله فحشاء، نزدی و رشوه خواری و اعتیاد و غیره وجود مراکز و یا بقول رژیم لانه های فساد در اقصی نقاط ایران می باشد واقعیت تلخ و تاسف باری که درست تحت حاکمیت رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و بدلیل سبطره مناسبات گندیده سرمایه داری وابسته که این رژیم مدافع سرخست آن می باشد حاصل گفته است.

از جنبه دیگر گسترش و ازدیاد

وسایل مورد استفاده توده ها نظیر عکس، فیلم و نوار و ویدئو و غیره که کشف و ضبط هزار چندگانه آنها را مزدوران رژیم جزء مباحات و موفقیت های افتخار آفرین خود محسوب می کنند چه محتوای آنها مترقی و دارای جنبه تفریحی و سرگرم کننده است و چه بواقع مبتذل بونه و در خدمت انحراف افکار و اشاعه فرهنگ منطقی و مبتذل قرار داشته است قبل از هر چیز بیانگر شکست و ناکامی رژیم در تحمیل فرهنگ ارتجاعی خویش در جامعه و عدم موفقیت و ناکامی او در برقراری نام دلخواه خویش بصورت نام و کمال در جامعه می باشد و نشان می دهد که رژیم جمهوری اسلامی علی رغم بکارگیری انواع تاکتیک ها و روش های ضد خلقی و اعمال سرکوبگرانه در حق توده ها نتوانسته است نه بخیر آگاه و نه بخیر غیر آگاه توده ها را در کل و بطور عموم به تمکین در مقابل فرهنگ و سیاست های خود وادار نماید.

وسعت یابی فساد و اشاعه گسترده فرهنگ منطقی و مبتذل در جامعه تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی نشان دهنده وجود زمینه های مادی رشد و گسترش این امر می باشد بنابراین مساله اساسی که باید در بررسی علل گستردگی و ازدیاد موارد فساد و خلاف کاری های منافی با منافع اجتماعی

مورد توجه قرار بگیرد اینست که بدانیم چه زمینه مادی و کدام مناسبات اقتصادی - اجتماعی موجب و موجد این امر است. واقعیت را بخواهیم این مناسبات همانا مناسبات سرمایه‌داری وابسته حاکم بر جامعه ماست که امروز در منجلیاب بحرانی عمیق فرو رفته است. مناسبات بیماری که در بالا امکان ارتقا و دزدیهای کلان و مفاسد بیشمار دیگری را در بین گردانندگان و کارگزاران رژیم و وابستگان نشان و سیما گسترش داده و در باین با به فلاکت کشاندن زندگی توده‌ها و با ایجاد محدودیت‌های گوناگون و محرومیت‌های فراوان برای آنان در سایه بیکاری و عدم توانایی مالی و در تامین حداقل معاش زندگی، باعث تباہ شدن زندگی بسیاری از زحمتکشان و آحاد مردم گشته است و به این ترتیب زمینه فحشاء و دزدی و جلوه‌های مختلفی از فساد در جامعه بطور کامل و بی‌سابقه بوجود آمده و رواج یافته است.

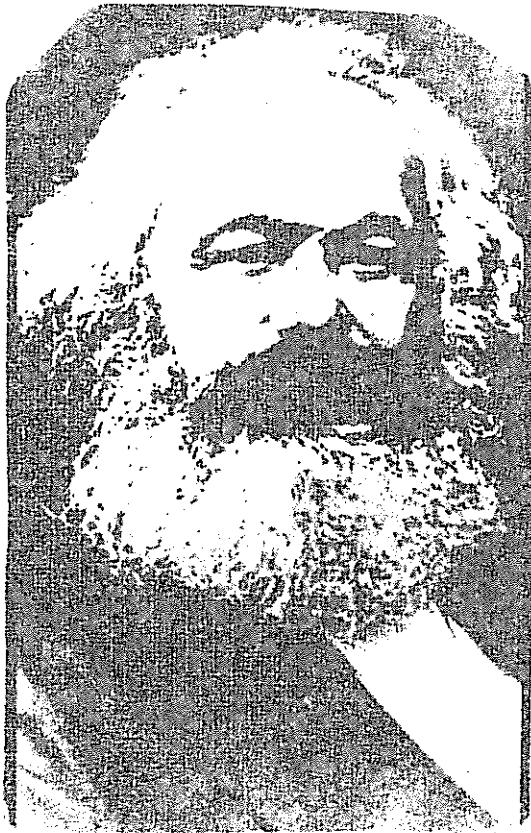
مردمداران مزدور رژیم همواره میکوشند وجود فساد را بعد گسترده کنونی را ناشی از گذشته و دورانی جلوه دهند که تحت سیطره رژیم وابسته به امپریالیسم شاه فرهنگ منحل امپریالیستی بسا به عبارت مطلق فرهنگ غربی علنی و آشکارا در جامعه اشاعه داده شده و کوشش‌های آگاهانه برای بسط آن در بین جوانان توسط جیره خواران رژیم مزدور شاه به عمل می‌آمده ولی همانطور که گفتیم ریشه و اساس وجود و رشد فساد در جامعه ما به دلیل حاکمیت سیستم سرمایه‌داری وابسته به همین ماست. در دوره شاه نیز با توجه به سیطره همین مناسبات و اعمال و سیاست‌های

ارتجاعی شاه برای حفظ و تداوم سرمایه‌داری وابسته در ایران بود که فساد در جلوه‌های گوناگونش در جامعه رواج داشت. تنها تفاوت‌های اصلی را که می‌توان بین امروز و دوران شاه برشمرد این است که با توجه به گرفتاری سیستم سرمایه‌داری وابسته در بحرانی عمیق و زمینه هرچه بیشتر و گسترده‌تری برای رشد و اشاعه فساد بوجود آمده و جمهوری اسلامی نیز بنابه وظیفه ضد انقلابی صیانت و تداوم این سیستم که از طرف امپریالیسم به‌وی تفویض شده است با سیاست‌های بغایت ارتجاعی و جنایتکارانه‌اش در جهت تأمین منافع امپریالیست‌ها و سرمایه‌داران وابسته به قیمت فقر و بدبختی و خانه خرابی توده‌ها، دامنه هر چه بیشتری به آن می‌بخشده از جنبه دیگر اگر در دوره شاه اشاعه فرهنگ امپریالیستی در شکلی عربی از طریق رسانه‌ها و دم و دستگاه‌های عربی و طویل شاه بطور علنی صورت می‌گرفته امروز محتوای همان فرهنگ و همان اندیشه‌های منحل و مبتذل اگر چه با عنوان اسلام خواهی و در شکلی پوشیده‌تر و با ادعای بر مظهران مبارزه بسا فرهنگ غربی و امپریالیستی از طرف مزدوران جمهوری اسلامی این سنگسان زنجیری امپریالیسم اشاعه می‌یابده.

در پایان باید توجه مردم مبارزان و بخصوص جوانان و نوجوانانی که در ابعاد و اشکال مختلف تحت مظالم سرمایه‌داری وابسته حاکم بر ایران قرار دارند را به این موضوع جلب کنیم که ادعاهای دروغین رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در مورد ضد امپریالیست بودن خود و اینکه مخالف سرسخت فرهنگ امپریالیستی

می‌باشد باعث آن می‌گردد که گاه عده‌ای با توجه به نفرت شدید خود از جمهوری اسلامی و بدلیل مخالفت با این رژیم، ناآگاهانه بدامن جلوه‌هایی از فرهنگ امپریالیستی بظلمتند در حالی که این امر باعث هیچگونه گزندى به رژیم نیست و بنوبه خود راه خطائی است که ضرر آن قبل از هر چیز متوجه توده‌ها و سنن مبارزاتی آنهاست. از اینرو توده‌های آگاه و مبارزه باید بکوشند در رجه اول سنن و فرهنگ ضد انقلابی و مترقی را باز شناخته و تا آنجا که ممکن است در ترویج و اشاعه آن در جامعه بکوشند البته این واقعیتی است که تا زمانیکه مناسبات سرمایه‌داری وابسته در ایران حاکم است نه ریشه فساد خنکیده خواهد شد و نه کار فرهنگی در مفهوم انقلابی خود قادر است بطور کامل از اشاعه فرهنگ امپریالیستی در بین جوانان و توده‌های مajoگیری نماید بنا بر این در حین کوشش برای اشاعه فرهنگ ضد انقلابی در جامعه باید توجه اساسی و نیروی اصلی را برای نابودی سیستم سرمایه‌داری وابسته در ایران بکسار گیریم و با قطع نفوذ امپریالیسم از ایران و نابودی همه سنگان زنجیریش، جامعه‌ای آباد و آزاد و با فرهنگ انقلابی بوجود آوریم.





۵ ماهه (۱۵/ اردیبهشت)
سالگرد تولد کارل
مارکس اندیشمند
کبیر طبقه کارگر
گراسی باد

جمهوری اسلامی و روز جهانی کارگر

از صفحه ۲۲

نارد، هیچ اول ماه مه واقعی برای
عما وجود نخواهد داشت. برگزاری یک
جشن شایسته و بزرگداشت روز جهانی
کارگر پیش از هر چیز به محیط آزاد و
دمکراتیک نیاز دارد که کارگران محروم
ما در آن بتوانند آزادانه عقیده و رأی
خود را ابراز و اراده شان را اعمال
کنند. اما رژیم ضد کارگری جمهوری
اسلامی، اتفاقاً تمامی هم و غم در جهت
سلب کمترین آزادیهای دمکراتیک و کشتن
و سرکوب اراده طبقاتی کارگران و سایر
توده های ستمدیده است. پس تا نیکتاتوری
امپریالیستی تحت هر شکل و با هر
لغافه ای پا بر جاست و تا رژیم های
مزدور و ضد کارگری ای نظیر جمهوری
اسلامی بر سر کارند و کارگران ما نیز
قادر نخواهند شد روز جهانی خود یعنی
یک اول ماه مه واقعی را آزادانه و به
شهره خود جشن بگیرند.

تنها با گسترش مبارزات ضد
امپریالیستی، با برقراری نظامی
دمکراتیک و نوین یعنی جمهوری دمکراتیک
خلق برهبری کارگران و برای نایل به
سوسیالیزم و کمونیسم است که عید واقعی
کارگران فرا خواهد رسید، تمامی عهد و
بندهای استثمارگرانه از دست و پایتان
خواهد گسست و اراده طبقاتی تاریخسازتان
پشتا پیش خلق در راه پیشرفت و تعالی
جامعه نوین بیار خواهد نشست. امسال
نیز همچون سالهای گذشته مقاومت و
مبارزه کارگران ما در راه چپن افق
روشن و آرمان مقدسی تنها راه بزرگداشت
واقعی اول ماه مه و تجلیل از خون
رهبران دلیر کارگری میباشد.

✱

نگاهی به بودجه سال ۶۹

از صفحه ۲

سال ۶۹ در بخش مربوط به " سایر درآمدها " عنوان کرده اند
که: " سایر درآمدهای دولت نیز در سال ۶۹ معادل ۱۳۲۷/۷
میلیارد ریال برآورد شده که اگرچه نسبت به پیش بینی
عملکرد سال ۱۳۶۸ بالغ بر ۲۵/۲ درصد افزایش نشان میدهد و
لکن با توجه به مکانیزمهایی که در قالب برنامه اول و بودجه
سال آینده پیش بینی شده امید است که رقم مزبور تحقق
یابد. " (تاکید از ماست کیهان هوانی ۹ اسفند)

البته اگر تمام این برنامه زیرورو خود از " مکانیزمهایی "
که لایحه بودجه رژیم جمهوری اسلامی در سال ۶۹ با اتکا به آنها
" افزایشهای " کلانی را بر روی کاغذ برای درآمدهای سال
آینده خویش منظور کرده بجز ابراز " امید " واریشایی
ندایر مورد فوق، اثری پیدا نخواهد شد. اکنون بهتر است
مختصری نیز به نحوه توزیع و صرف بودجه کلانی که سران
رژیم آنرا برای سال ۶۹ در نظر گرفته اند بپردازیم تا
ماهیت ضد مردمی این برنامه هر چه روشنتر گردد. ادامه دارد

اخبار و

گزارشهای خبری

« - در اواسط فروردین ماه پارلمان اروپا با صدور قطعنامه‌ای جمهوری اسلامی را بخاطر نقض حقوق بشر در ایران محکوم نمود .

« - بر اثر گسترش فقر و بیکاری « اتومبیل دزدی » در تهران وسعاً گسترش یافته بطوریکه تنها طی بهمن ماه سال گذشته حدود ۱۵۰ مورد دزدی اتومبیل گزارش شده است .

« - سرتمپ شهبازی اعلام کرد که بعید نیست جمهوری اسلامی مارتین باکستان را در جنگ احتمالی این کشور بسا هندوستان بر سر مسئله کشمیر یاری بخشد .

« - نژاد حسینیان وزیر صنایع سنگین اعلام کرد : « در حال حاضر دولت قادر نخواهد بود هم تولید را در بخش صنعت افزایش دهد و هم رفاه را برای مردم ایجاد کند . بنا براین مردم باید مدت زمان کوتاهی تحمل فشارهای اقتصادی را بنمایند » .

« - نماینده رژیم از ماکو گفت : « تورم و گرانی تمام حیات را از طبقه محروم و زحمتکش جامعه گرفته و گستران زندگی برای طبقه سوم ، مخصوصاً خانواده‌هایی که دارای چند سرعائله میباشد کاملاً با مشکل مواجه شده و قشر ضعیف جامعه از دست تورم بیداد میکند » .

« - امام جمعه ایلام اعتراف کرد : در کمال غم آوری باید گفت بجز چند کشور ، از نظر اخلاق و بهداشت و آمار بیسوادی از تمام کشورها عقب‌تریم گویی بنظر انقلاب ما چیه دارد عمل می‌آید .

« - هادی غفاری گفت : پس از رسیدگی به دفاتر فروش فروشگاه‌های که منعی است در یکسال ۱۹۵ میلیون ریال فروش داشته منحصراً گردید که این فروشگاه حدود ۲ میلیارد ریال فروش داشته و با خشکبار فروشی که سابقه مالیاتی اش ۱۵۰ هزار تومان بوده بررسی دفاترش نشان میدهد که بیش از ۲ میلیارد تومان فروش داشته است .

« - رجائی خراسانی گفت : « عده‌ای بر این باورند که استقرار لزوماً وابستگی بهمراه دارد و بهمین دلیل استقرار واژه وحشت آوری در جامعه ما شده است ، در حالیکه در جهان کشورهای هستند که شدیداً وابسته‌اند بدون اینکه استقرار داشته باشند » .

« - مرتضی الویری اعلام کرد : دولت ایران مذاکراتی را با کمپانیها و دول خارجی برای بدست آوردن اعتبار آغاز کرده است در همین رابطه روشن گردید که مقامات رژیم

« - در روز یکشنبه ۲۶ فروردین ماه تظاهراتی بر علیه رژیم در بارک ملت تهران رخ داد که با یورش پاسداران مواجه گردیده و آنها ضمن ضرب و شتم تظاهرکنندگان و تیراندازی بسوی آنها، تعدادی را دستگیر نمودند . روزنامه‌های رژیم از این تظاهرات تحت عنوان « اغتشاشات اوباشان » نام برده و نوشتند ۶۵ نفر بجرم سراندن « شمارهای سیاسی » و « بر هم زدن نظم » دستگیر شده‌اند .

« - پاسداران جنایتکار کمیده ضمن حمله به یکی از مناطق الونک لندن بزرگراه بعثت ۱۰۰ آلونسک راهپاسا خاک یکسان کردند و در همان حال به ۷۰۰ آلونک لندن دیگر اطلاع کردند که باید هر چه زودتر این منطقه را تخلیه نمایند .

« - در اواخر اسفند ماه کارگران نوب آهن اصفهان در اعتراض به این امر که مسئولین کارخانه قصد نااهتتند اسال نیز بجای عیدی به آنها بن کارگری تحویل دهند تهدید به اعتصاب نمودند . در مقابل این اقدام اعتراضی کارگران ، مسئولین نوب آهن عقب‌نشینی نموده و بسا پرداخت عیدی به کارگران موافقت نمودند .

« - رفید فقر و فلاکت در جامعه افراد زیادی را وادار کرده است که برای گذران زندگی خود دست به تکیه بزنند و این امر باعث گسترش بی‌اندازه گدائی در سطح جامعه گشته بطوریکه برای نمونه در خیابان زند بهرار بطلسور روزمره عابرین شاهد تکیه صفا گنا و فالهین میباشد » .

« - متمایب تظاهرات اخیر مردم در شهرهای مختلف کشور ، تمایل به کناره‌گیری از سباه پاسداران افزایش یافته و عده‌ای از پاسداران حتی حاضر شده‌اند بسا ندان مبلغی از کار کناره‌گیری کنند ، ولی این امر شدیداً بسا مخالفت رژیم مواجه گشته است .

رجوی و از فعالین بعضی روابط خارجی سازمان مجاهدین خلق نمود.
 « - سهرابی فرمانده زاندارمری جمهوری اسلامی و فرمانده سپاه پاسداران در سیستان و بلوچستان از زد و خورد های عدیدی با اصطلاح «اشرار» و گروههای « ضد انقلاب » در بلوچستان خبر دادند که در جریان آنها ۲۶ نفر کشته و چند نفر دستگیر شده اند . راهبر رژیم بنقل از این مزدوران در ۲۰ و ۲۳ فروردین ماه اعلام کرد که در درگیریهای نرسوق مقاومتی سلاح و مهمات و ۱۹ دستگاه خودرو بدست پاسداران رژیم افتاده و محل استقرار « اشرار ضد انقلاب » در یکی از ارتفاعات منطقه نیز منهدم شده است . *

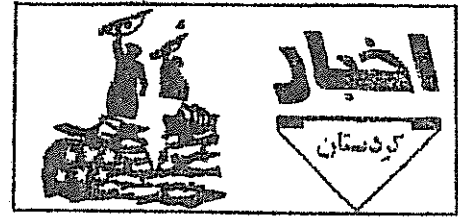


گروامی بساد خاطره شهیدای خلق
فلسطین در دیرباصحیح

با پنج شرکت ایتالیائی و اتریشی مذاکراتی را برای کسب اعتبار آغاز نموده اند .
 « - جمهوری اسلامی طی توافقی با شرکت مارین پکس که بزرگترین فرانسوی است بزرگترین قرارداد بیش فروش نفت نام را به امضاء رساند . ارزش قرارداد فوق به ۸۰۰ میلیون دلار بالغ میشود که ۱۰۰ میلیون دلار آن تاکنون به شرکت نفت جمهوری اسلامی پرداخت شده است .
 « - اخیرا فاضل کریمی که جمهوری اسلامی نفت را با ۳۰ تخفیف به ژاپن میفروشد .
 « - اخیرا قراردادی به ارزش ۱۳ میلیارد دلار بهرامون اجرای طرحهای اقتصادی و صنعتی بین رژیم و ایتالیا به امضاء رسیده است و این در حالی است که حجم میسالدات جمهوری اسلامی با ایتالیا در سال ۶۸ نسبت به سال ۶۷ ، ۲۰۰٪ افزایش یافته بود .
 « - فاضل زاده نماینده رژیم از سرخس گفت : « سرخس به لقمه نان خشک قناعت کرده اند ولی بعضی از آقایان فکر میکنند این مشکلات را میتوانند با سرکوب مردم و ایجاد رعب و وحشت حل کردند . در اعتقاد ما « او گفت بدستور نادرستان عمومی مشهد عده ای از اهالی سرخس که گفته اند « ما گرسنه ایم زمین میخواهیم ما گرسنه ایم نان میخواهیم » بازداشت شده اند .
 « - مدیر کل صنایع هواپیماسازی اسرائیل تأیید کرد که جمهوری اسلامی جهت تممیر ۱۲ فروند هواپیمای بوئینگ ۷۶۷ خود برسيله سفیدسین اسرائیلی اقدام کرده است . این معامله که ارزش آن حدود ۱۵ میلیون دلار ارزیابی شده با وساطت یک شرکت انگلیسی شکل گرفته است .
 « - تنها بیمارستان شهر ۲۰ هزار نفری گهساران فاقد بخشهای ارتوپد ، عفونی و متخصصین گوش ، حلق و بینی است و بیمارانی که نیاز به گرفتن تکسهای معده و کلیه دارند باید به شهرهای دیگر مسافرت نمایند .
 « - آخوند جنتی رئیس سازمان تبلیغات اسلامی گفت : « هیچ مقامی حق ندارد کسی را از انجام وظیفه امر به محروم و نس از منکر باز دارد و در بد جایی نیز مانند روزه - خواری هر کسی باید وظیفه خود را انجام دهد .
 « - رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در چهار رجب سپاهسهای تروریستی اهن برای ایجاد فضای رعب و وحشت در مسعود نیروهای ابوزبیر و مخالفین خود در روز ۱ اردیبهشت در شهر کوبه سونیس اقدام به ترور دکتر کاظم رجوی ، برادر مسعود

« در اوائل فروردین ماه جاشهای خود فروخته به منطقه " باسک کوله سر" سرشته رفته و ضمن انیت و آزار اهالی سعی در مسلح کردن آنها بر علیه جنبه خلق کرد نمودند که با مقاومت اهالی مواجه گشتند.

« رژیم در ادامه اخانیهای همیگی اش نانه آموزان کلاهای اول تا پنجم دبستانهای مهاباد را ملزم به پرداخت به ترتیب ۵۰، ۱۰۰ و ۲۰۰ تومان نموده است.



« جاشهای منطقه سرشت اخیرا در روستاهای وهرده، کانی زرد، دوان خانوان، گل کند، بنوخه لاف، کونده میشکه و آشامه زین جوانان منطقه را برای مسلح شدن تحت فشار قرار داده و اعتم کرده اند هر کس اسلحه رژیم را بردارد بجای رفتن به سربازی، میتواند در روستای خود خدمت نماید.

« جمهوری اسلامی در چهارچوب سیاست ارتجاعی کسوج اجباری روستائیان کردستان اخیرا به اهالی روستاهای گوره شیر، مایران، تیزال و نوکان در منطقه سرشت اخبار کرده که بایستی روستاهای خود را تخلیه نمایند.

اخبار جهان

از صفحه ۳۲

از طبقه چهارم ساختمان به بائین هل داده شد که بر اثر سقوط از ساختمان جان باخت و دستاگاه فیلمبرداری او نیز توسط پلیس ضبط گردید. دو روز قبل از این ماجرا همیسن دانشجویان طی تظاهراتی بر علیه جرج بوئر او را قاضیست نامیده بودند.

« - نشریه این سایت در ۲۶ مارس گزارش داد: مقامات شوروی میگویند که هزاران اسلحه و مقدار زیادی تجهیزات نظامی و چندین تن مواد منفجره توسط میلیشای اقلیتها در آذربایجان این اقلیتها در نواحی مختلف به سرقت رفته است.

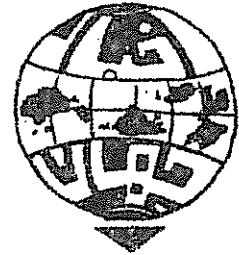
بر اساس این گزارش در جولای گذشته حدود ۴۸۰ اسلحه گرم تنها در آذربایجان به سرقت رفته است. بنا به گفته ژنرال " الکساندر کاتوسیو " در بندر " نوروسیک " يك قطار حامل تانکهای جنگی کشف شده است.

کاتوسیو گفت که او به سرقتهای اسلحه در کارخانهها و همچنین گم شدن اسلحه در هنگام حمل و نقل آنها با قطار بسیار علاقمند میباشد.

« در اوائل ماه رمضان در شهر سرشت، مزدوران جمهوری اسلامی به یکی از جوانان شهر بدلیل روزه خواری توهین می نمایند. این امر باعث درگیری آنها شده و یکی از مزدوران اقدام به تیراندازی مینماید که در نتیجه تیراندازی جوان مزبور مجروح میگردد. بر اثر این واقعه مردم در محل درگیری جمع شده و ضمن اعتراض به اقدام فوق به مزدوری که بسوی جوان مزبور تیراندازی کرده بود حمله می کنند. اینبار نیز مزدور مزبور بسوی مردم تیراندازی کرده و یکی دیگر از اهالی شهر را مجروح کرده و بسا به فرار می گذارد. ولی مردم خشمگین با دنبال کردن وی، او را در حوالی فرمانداری گرفته و تا حد مرگ کتک می زنند.

« در اواخر فروردین ماه در شهر سنندج یکی از گشتهای موسوم به خواهران زینب قصد دستگیری چند زن را به دلیل بدحجابی داشتند که با اعتراض زنان مزبور مواجه گشته و بین آنها درگیری بوجود می آید. این امر باعث تجمع اهالی و کتک خوردن خواهران زینب می گردد. در این اثنا نیروهای کمکی از کمیته به یاری خواهران زینب آمده و سعی در دستگیری زنان معترض می نمایند. اما این امر با اعتراض شدید اهالی منطقه الحاقی سنندج مواجه گشته و بین آنها و کمیته جیها درگیری پیش می آید. در اثر این درگیری و بسا توجه به برخورد خشمگین مردم، پاسداران کمیته مجبور به فرار شده و نمی توانند زنان معترض را دستگیر نمایند. شدت این درگیری به حدی بود که بعضی از مزدوران فرصت برداشتن اتومبیل های خود را نیز نمی کنند و این کار توسط گدتهای بعدی انجام میشود.

« رژیم در ادامه فشارها ثرکه به خانواده بیشرگان خلق کرد وارد می کند اخیرا تهدید نموده است که اگر آنها تا آخر بهار فرزندان را مجبور به تسلیم به جمهوری اسلامی نکنند کوبن خوارباشان را قطع خواهد نمود.



« - با حمله پلیس جنایتکار پاکستان به تظاهرات دانشجویان این کشور در شهر کراچی ۱۶ نفر کشته و عسدهای دستگیر شدند .

« - هزاران تن از اهالی یکی از مناطق ایالت مارین ترکیه بر علیه رژیم حاکم بر این کشور به تظاهرات پرداخته و شعار "سرنگون با رژیم ترکیه" و "زنده باد کردستان" را سر دادند . توده‌های مبارز در جریان این تظاهرات با آتش زدن لاستیک و سنگ پرانی بر علیه نیروهای سرکوبگر ترکیه خشم و نفرت خود را به نمایش گذاشتند - بدنیاال این تظاهرات حمله ارتش به اهالی دولت ترکیه در این منطقه اعلام حکومت نظامی نمود . در ضمن مبارزین کرد ضمن حملهای به نیروهای ارتش در جنوب شرقی این کشور ۵ تن را به هلاکت رساندند .

« - در تداوم قیام دلاوران خلق فلسطین نیروهای سرکوبگر اسرائیل با حمله به تظاهرات مردم در شهر نابلس فلسطینی را کشته و ۵ نفر را مجروح نمودند . پس از این درگیری دولت اسرائیل در این شهر و اردوگاههای اطرافش اعلام حکومت نظامی نمود .

« - با حمله نیروهای سرکوبگر آفریقای جنوبی به تظاهرات مردم در یکی از شهرهای ژوهانسبورگ عدهای کشته و صدها تن مجروح شدند .

« - رژیم ضد خلقی ساحل عاج به منظور جلوگیری از گسترش مبارزات دانشجویان این کشور نانشگاه و بعضی از مؤسسات آموزشی عالی و مدارس را تعطیل نمود .

« - هزاران نفر از اهالی لندن در اعتراض به قوانین مالیاتی جنید دولت تاجر به تظاهرات دست زدند که بر اثر حمله پلیس عدهای مجروح و دستگیر شدند . تظاهر کنندگان با آتش زدن اتومبیلهای دولتی خشم و انزجار خود را به نمایش گذاشتند . بر اساس گزارش خبرگزاریها در جریان این تظاهرات ۱۳۰ نفر مجروح شدند .

« - در اعتراض به شرایط بد حاکم بر زندانهای انگلستان موجی از اعتراض و اعتصاب زندانهای این کشور را فراگرفت . در جریان این اعتراضات زندانیان بساز داشتگاه "استرین جوید" در منچستر عورش کرده و کنترل زندان را بدست گرفتند .

« - ارتش جمهوریرخواه ایرلند طی یک بمب گذاری در

« - در کاتماندو پایتخت نپال مردم در اعتراض به سیستم تک حزبی حاکم بر کشور به تظاهرات پرداختند که بر اثر تیراندازی پلیس این کشور عدهای کشته و مجروح شدند . در تداوم این تظاهرات بود که پادشاه نپال سرانجام مجبور گفت لغو ممنوعیت فعالیت احزاب سیاسی را اعلام نماید .

« - جریکهای راه درخشان در لیما پایتخت پرو در اعتراض به انتخابات فرمایشی این کشور دو سیاستمدار عضو حزب حاکم را از پای درآوردند .

« - مبارزین مسلح در هندوراس با حمله به یک اتوبوس حامل سربازان آمریکائی تعدادی از آنها را زخمی نمودند .

« - ارتش آزادیبخش کلمبیا طی یک بمب گذاری در جادهای در شمال کلمبیا ۵ تن از نیروهای پلیس این کشور را کشته و ۱۱ نفر را مجروح نمود . در ادامه مبارزات این سازمان بر علیه رژیم ضد خلقی کلمبیا نیروهای این ارتش با حمله به شهر "کاتی ستورا" این شهر را بمدت یک شب به تصرف خود درآوردند . در جریان این عملیات شهرپایی شهر ویران گشته و ۶ نفر از نیروهای سرکوبگر رژیم حاکم بهلاکت رسیدند . در ضمن ارتش آزادیبخش کلمبیا ۱۴ تن از سربازان رژیم که قبلا در حمله به شهرک "سرکوبیا" دستگیر شده بودند را آزاد نمود .

« - بر اساس گزارش رژیم فیلیپین یک خودروی نظامی ارتش این کشور در ۴۵۰ کیلومتری جنوب شرقی مانیل توسط جریکهای حزب کمونیست مورد حمله قرار گرفته و ۸ نفر کشته شدند . در ضمن جریکهای حزب کمونیست در اطراف مانیسل پایتخت این کشور یک واحد از ارتش فیلیپین را مورد حمله قرار داده و ۵ تن از نیروهای سرکوبگر را بهلاکت رساندند .

« - نیروهای مبارز کلمبیا در اواسط فروردین ماه یک نماینده پارلمان این کشور را بهلاکت رساندند .

« - در ناحیه شین چیانگ در غرب چین مردم بر علیه رژیم حاکم به تظاهرات برخاسته و بنا به نیروهای سرکوبگر این کشور درگیر شدند. در جریان این درگیری بر اثر تیراندازی پلیس چند نفر کشته شدند. در ضمن در جریان حمله آنها نفر بیک فستیوال در شهرک بارن ۶ تن از پلیسهای محافظ ایسن فستیوال کشته شدند.

« - پارلمان اسرائیل لایحه بودجه سال مالی جدید این کشور را به تصویب رساند. مبلغ کل بودجه برای این لایحه رقمی حدود ۲۱ میلیارد دلار میباشد که $\frac{1}{3}$ آن صرف پرداخت بدهیهای دولت و ۲ میلیارد و ۷۵ میلیون دلار آن صرف تقویت نیروهای سرکوبگر این کشور میگردد.

« - سازمان بهداشت جهانی اعلام کرد: هر ساله ۱۵ میلیون کودک بویگناه بخاطر بیماریهای بی اهمیت و قابل درمان در زیر ۵ سالگی میمیرند. طبق گزارش این سازمان ۴ میلیون از کودکان نامبرده به علت عدم استفاده از واکسنهای فلج اطفال و آبله و غیره از بین میروند. ۴۰ میلیون نفر آنها نیز بر اثر سوء تغذیه و اسهال جان میبازند.

« - ژاپن اعلام کرد که جهت تقویت و نگهداری واحدها و تجهیزات آمریکائی در ژاپن از این پس مسئولیت و نقش بیشتری بعهده خواهد گرفت.

« - نشریه میامی هرالد - ۲۸ مارس - گزارش داد: علییرغم تبلیغات وسیع دولت آمریکا علیه استفاده از سلاحهای شیمیائی توسط دولتهای دیگر، ارتش آمریکا خواهان خرید مقدار زیادی ترکیبات و محتویات شیمیائی از کمیانیهای بزرگ شیمیائی برای ساختن بمب سمی شد. از قرار معلوم ارتش آمریکا احتیاج به ۱۶۰ هزار پوند (معادل ۲۲ هزار کیلو) ماده تیونیل کلوراید برای تولید گازهای کشنده شیمیائی دارد.

« - روز ۱۷ مارس پلیس سانفرانسیسکو به یکی از خوابگاههای دانشجویان دانشگاه برکلی حمله بوده و ضمن ضرب و شتم دانشجویان، خوابگاه را با وسائل دانشجویان به آتش کشید. دانشجویان که در حال برگزاری یک شب شعر در سالن این خوابگاه بودند توسط پلیس تحت بازجویی قرار گرفته و وسایلمان به آتش کشیده شد. در جریان یورش پلیس تعدادی از دانشمندان دستگیر و یکی از دانشجویان که در حال فیلمبرداری از این ماجرا بود توسط پلیس جنایتکار آمریکا در صفحه ۳۰

جاده ای در حوالی شهر "دان پاتریک" واقع در ۵ کیلومتری جنوب لندن ۴ تن از نیروهای ارتش انگلستان را بهلاکت رساند.

« - رژیم ضد کارگری نجریه برپائی هرگونه تظاهرات را بمناسبت اول ماه مه ممنوع اعلام کرده و ضمن تهدید کارگران رسماً اعلام نمود که با هرگونه تظاهرات کارگران با عدت عمل برخورد خواهد کرد.

« - در آستانه روز جهانی کارگر رژیم ضد خلقی ترکیه برپائی هرگونه مراسمی را بمناسبت این روز ممنوع اعلام نمود. اما علیرغم این کارگران و دانشجویان مبارز در شهر استانبول با برپائی تظاهراتی اول ماه مه را جشن گرفتند. نیروهای سرکوبگر ترکیه به این تظاهرات حمله کرده که بر اثر تیراندازی آنها حداقل دو نفر مجروح شدند که یکی از آنها یک دختر دانشجوی میباشد. بنا به گزارش خبرنگارهای حداقل ۲۰ نفر در این تظاهرات دستگیر شده اند.

« - بدنبال اوچگیری تظاهرات دانشجویان کره جنوبی درگیریهای وسیعی بین دانشجویان و پلیس کره جنوبی رخ داد که تنها در ۱۸ اردیبهشت ماه بدستگیری ۲۰۰۰ دانشجوی منجر گردید. در جریان این درگیریها دانشجویان ساختمان انجمن فرهنگی آمریکا را با کوکتل مولوتف موزد حمله قرار داده و به آتش کشیدند.

« - کارگران بزرگترین کارخانه کشتی سازی کره جنوبی دست به اعتصاب زدند که بر اثر یورش نیروهای سرکوبگر این کشور زودخورد شدیدی بین کارگران و پلیس روی داد و حرکت اعتراضی کارگران به خیابانها کشیده شد. در جریان این درگیریها رژیم کره جنوبی ده هزار پلیس را برای سرکوب کارگران به خیابانها آورد و حداقل ۵۰۰ کارگر را دستگیر نمود.

« - رادیو جیبه آزانیچس اریتره اعلام کرد نیروهای این جیبه در جریان یک عملیات بزرگ صدها تن از نیروهای اتیوپی را کشته و مجروح نموده و شهر "بیک سا" در جنوب شرقی اسمره را به تصرف خود در آورده اند.

« - بدنبال کشته شدن یکی از تفنگداران دریائی ارتش آمریکا بوسیله ارتش نوین خلق فیلیپین مقامات ارتش آمریکا مرخصی همه سربازان آمریکایی در فیلیپین را لغو نموده و دولت فیلیپین بدستگیری وسیع اهالی محلی که این عملیات در آن رخ داده بود، دست زد.

ایران از دریچه آمار

« در حالیکه براساس گزارشهای منتشر شده ، رشد تورم تا سطح ۲۰۰٪ رسیده است نوربخش وزیر اقتصاد اعلام کرد: رشد قیمتها ظرف سال ۶۸ نسبت به سال ۶۷ ، ۶۱٪ کاهش یافته است .

« مرکز آمار ایران اعلام کرد: در استان خوزستان از هر ۱۰۰ نفر جمعیت این استان ۳۳/۱ نفر بیکار میباشند .

« خبرگزاریها گزارش دادند : جمهوری اسلامی از هر ۵ ریالی که خرج می کند باید یک ریال را استقراض نماید « در ایران از هر ۱۰۰۰ کودک ، ۴۵ نفر بیش از رسیدن به سن ۵ سالگی می میرند .

« روغنی رنجانی اعلام کرد: شرکت ملی فولاد ۱۰ میلیارد تومان زیان انباشته دارد .

« حسین هراتی نماینده سبزوار گفت : بانکها برای سال آینده مبلغ ۱۱۳ میلیارد ریال زیان روی دست ما گذاشتند .

« هفته نامه اقتصاد می د چاپ انگلستان گزارش داد که جمهوری اسلامی ۱۵٪ از کل صادرات نفتی خود را بصورت پیش فروش نمودن نفت تحویل خریداران مینهد .

« رادیو رژیم اعلام کرد: در حالیکه رشد جمعیت ۳۳/۱٪ میباشد رشد سواد آموزی کمتر از ۲٪ است .

« قائم مقام نهضت سواد آموزی اعلام کرد: از ۱۴ میلیون بی سواد کشور ۲ میلیون نفر افراد زیر ۲۵ سال میباشند .

« بنی هاشمی نماینده رژیم از مشهد گفت : در حال حاضر بسیاری از کلاسها دو و سه شیفته هستند و بسیاری از مدارس اجاره ای کیفیت شان نامطلوب است و شهر مشهد بسا کمبودی نزدیک به هزار مدرسه مواجه است .

« خبرگزاری رژیم اعلام کرد : بیش از ۲۰ میلیون از جمعیت کشور دچار عوارض ناشی از کمبود ید هستند و از این تعداد ۳ میلیون نفر دچار عوارض شدید میباشند و در شرایطی که نیاز کشور به ۵۰۰ تن نمک ید دار می باشد رژیم فقط ۵۰ تن از این مقدار را تامین می کند .

« وزیر صنایع رژیم اعلام کرد : ظرفیت تولید صنایع جمهوری اسلامی طی ۳ ماه دوم سال گذشته نسبت به شش ماهه دوم سال ۶۷ ، ۱۶/۲٪ کاهش یافته است و صنایع کشور فقط با ۱/۴ ظرفیت تولید خود کار می کنند .

« در کتاب برنامه سال ۶۷ جمهوری اسلامی آمده است که ۴۳٪ از جمعیت ایران بیکار و یا کم کار هستند و یا اساسا نقشی در تولید ندارند . براین اساس هر نفر شاغل باید ۶/۷ نفر را تغذیه و تامین نماید در حالیکه این رقم در کشورهای پیشرفته برابر با ۲/۲ نفر می باشد .

« روزنامه اطلاعات گزارش داد : جمعیت شاغل در بخش کشاورزی که در سال ۵۵ ، ۳۴٪ بوده است در سال ۶۵ به ۲۹/۱٪ نزول کرده است و جمعیت کارگران صنعتی نیز که در سال ۵۵ حدود ۳۴/۲٪ جمعیت شاغل را تشکیل میدادند در سرشماری سال ۶۵ به ۲۵/۲٪ کاهش یافته است .

« به گزارش کیهان : در ده سال اخیر در لرستان ۹۳۳۵۱ نفر از روستاهای این استان به شهرهای تابعه مهاجرت کرده و ساکن شده اند . و ضریب شهرنشینی استان که در سال ۵۵ برابر ۳۳/۵٪ بوده در سال ۶۵ به ۴۷٪ افزایش یافته است . در سال ۶۵ حدود ۱۴/۶٪ جمعیت شهری استان را مهاجرین شهری تشکیل داده اند .

« به گزارش مطبوعات رژیم : کسری بودجه جمهوری اسلامی در سال ۶۹ نسبت به سال ۶۸ ، ۱۹٪ افزایش یافته است .

« نماینده بیرجند در رابطه با لایحه بودجه سال ۶۹ اعلام کرد: در این لایحه نسبت به سال ۶۸ ، ۹۰ میلیارد ریال بودجه امنیت داخلی افزایش یافته است و در زمینه امور دفاعی نیز ۱۷٪ افزوده شده است .

« میرزاده معاون رفسنجانی گفت : برای بودجه بازسازی مناطق جنگ زده در سال ۶۹ مبلغ ۱۷۰ میلیارد ریال و ۲۰۰ میلیون دلار پیش بینی شد که در کمیسیون برنامه و بودجه مجلس این ارقام به ۸۰ میلیارد ریال و ۱۲۶ میلیون دلار کاهش یافت .

« به گزارش مطبوعات جمهوری اسلامی : درآمد سرانه سال ۶۷ به نسبت سال ۵۷ با قیمت ثابت به ۱/۲٪ نزول کرده است .



“سیستم مالیاتی جدید در انگلستان و تظاهرات توده‌ای بر علیه آن”

سه اسبهای خود گرفتند و غیره و غیره ۰۰۰ در مقابل این اعمال و حیوانه تظاهرکنندگان از پای ننشسته و به هر طریقی که می‌توانستند به مقابله پرداختند. بزودی، چند ماهیسن پلیس و چند اتوبوس واژگون و به آتش کشیده شدند و عیبه‌های بسیاری از فروشگاه‌ها شکسته شد و ۰۰۰ تظاهرات تا باسی از شب‌انامه یافت و در حالیکه طی آن سفارتخانه‌های اسرائیل و آفریقای جنوبی نیز توسط بخشی از تظاهرکنندگان مورد حمله قرار گرفته و آنها به این ترتیب غم و اعتراض خود را نسبت به همپالکی‌های تاجر-صهونیست‌ها و نژاد پرستان - به نمایش گذاشتند.

در جریان این تظاهرات خشونت بار بیش از صد نفر از تظاهرکنندگان بر اثر ضربات پلیس شدیداً مجروح و ۳۰۰ نفر دستگیر شدند. از نیروهای پلیس نیز ۳۰ نفر زخمی گردیدند.

POLLTAX چیست و چه تاثیری بر زندگی کارگران و اقشار پائینی جامعه خواهد داشت؟ زمینه‌مادی اعتراض و سیخ توده‌ای بر علیه قانون مالیاتی جدید کدام است؟ در زیر می‌کشیم تا حدودی به این مسائل پاسخ بدهیم.

POLLTAX که توسط خانم تاجر و حزب محافظه کار، ابداع گردیده، در واقع یک نوع مالیات بر افراد است. مطابق این قانون هر فرد صرفاً به اعتبار اینکه در انگلستان زندگی می‌کند، باید سالانه مقدار معینی مالیات بپردازد. حتی میزان این مالیات نیز بر حسب درآمد و ثروت شخصی تعیین نمی‌گردد، بلکه همه از کارگر و کارمند جزء گرفته تا بورژواهای گردن کلفت باید مبلغ ثابتی را که از طرف شهرداری محل تعیین شده، بپردازند. به این ترتیب در یک محله معین همان میزان مالیات به یک کارگر تعلق می‌گیرد که به یک بورژوا. در عین حال با توجه به تعیین مقدار این مالیات توسط شهرداری هر محل و در نتیجه یکسان نبودن میزان آن در سطح شهر حتی گاهی یک کارگر

روز شنبه ۲۱ مارس در اعتراض به قوانین مالیاتی جدید که اخیراً توسط دولت تاجر وضع گردیده، شهر لندن شاهد تظاهرات وسیعی بود که بدلیل یورش و حیوانه پلیس، به چنان درگیریهای بزرگ خیابانی تبدیل گشت که در نیم قرن اخیر در انگلستان سابقه نداشته است.

تظاهرات ابتدا با شرکت ۴۰ هزار نفر از یکی از محله‌های لندن *Glaxo* با سازماندهی تشکل‌های مخالف قانون مالیاتی جدید *POLLTAX* آغاز شده و طی خیلی زود انبوهی از جمعیت به آن پیوست و بگونه‌ای که وقتی صف تظاهرکنندگان به مقابل دفتر تاجر نخست وزیر انگلستان رسیده جمعیت به ۱۵۰ هزار نفر رسیده بود. در این مسیر تظاهرکنندگان با شعار لغو مالیات جدید، آذمک‌هایی از تاجر را آتش زدند و به این ترتیب اعتراض و نفرت خود را از دولت تاجر و *POLLTAX* ابداعسی او به نمایش گذاشتند.

در مقابل دفتر تاجر تعدادی از تظاهرکنندگان اقدام به یک اعتصاب نموده نمودند، اما این حرکت با مقابله خشونت آمیز پلیس مواجه گردید و درگیری بین تظاهرکنندگان و پلیس آغاز شد. سازماندهندگان تظاهرات با مشاهده این وضع کوشیدند ضمن تسریع در قرائت قطعنامه پایانی تظاهرات هرچه زودتر به این نمایش اعتراضی بزرگ پایان دهند. این اقدام همسراه با تداوم برخوردهای خشونت آمیز پلیس در حالیکه باعث برآکنده‌گی در صفوف تظاهرکنندگان گشت، اما اعتراض و مقاومت همچنان ادامه یافت و با هجوم و حیوانه پلیس به تظاهرکنندگان خشمگین درگیری هرچه بیشتر تشدید گردید.

در جریان این تظاهرات پلیس انگلستان و حیوگیری خود را بیش از پیش، به نمایش گذاشت. آنها با باطسوم به جان جمعیت افتاده و به ضرب و شتم مردم پرداختند، ماهیسن‌های خود را به صفوف تظاهرکنندگان راندند، پلیس سوار بر اسب بی محابا بدرون جمعیت تاخته و آنها را زیر

شهرداریها می‌گردد. بنا براین شهرداری هر محل بر حسب هزینه‌های ضرور خود میزان *POLLTA* را تعیین می‌نماید. اگر هزینه شهرداری بیشتر باشد میزان *POLLTA* نیز زیادتر خواهد بود و برعکس و یا ممکنست شهرداری بدلیل کمبود هزینه از ارائه خدمات لازم در محل مربوطه سرباز زند. چنینست است که درصد مالیات دریافتی از افراد در محله‌های مختلف لندن و در دیگر شهرهای انگلستان مبلغ ثابتی نبوده و متفاوت می‌باشد. بهمین دلیل هم هست که اگر ساکنین محله *Benotus* بمثابه محله فقیر نشین لندن (۸) سالانه باید ۶۰۰ پوند بعنوان *POLLTA* بپردازند، در محله آکسفورد از این بابت هفته‌ای ۱۲ پوند پرداخت می‌شود. از همینجا علت اصلی و زمینه مادی شکل گیری چنین وسیع برعلیه سیستم مالیاتی جدید در انگلستان که تظاهرات اخیر جلوه بارزی از آنرا به نمایش گذاشت و روشن می‌گردد. این سیستم مالیاتی مفهومی جز سازماندهی یورش آشکار به دسترنج کارگران و درآمد قشرهای متوسط ندارد. آنهم در شرایطی که انگلستان یکی از بالاترین درصدهای تورم را در اروپا داراست و قیمت اجناس و ضروری‌ترین نیازهای مردم هر روز فزونی می‌گیرد. در شرایطی که چند میلیون بیکار وجود دارد و تنها در لندن، نه‌هزار نفر غنبا در خیابانها می‌خوابند، اگر در نظر بگیریم که حقوق متوسط یک کارمند در انگلیس ماهانه ۶۰۰ - ۵۰۰ پوند است، با در نظر گرفتن این امر که مبلغ *POLLTA* در بعضی مناطق ممکنست سالانه ۶۰۰ - ۵۰۰ پوند باشد می‌توان دریافت که چگونه یک کارمند باید حاصل تمام کار و تلاش خود را در یکماه بعنوان مالیات بپردازد. حال دیگر وضع افسار بائین تر و بیکارانی که هفته‌ای تنها ۲۰ پوند به آنها تعلق می‌گیرد روشن است.

مالیات جدید در شرایطی وضع گردیده که منام از مبلغ بهمه‌های اجتماعی کسری می‌گردد. نرخ بهره بدلیل سیاست‌های اقتصادی دولت از حدود ۷٪ به حدود ۱۴٪ تا ۱۶٪ رسیده است. مفهوم این مورد در رابطه با زندگی کارگران واقفان بائین جامعه آنست که اگر آنها بابت وامی که مثلا برای خرید خانه‌ای از بانک گرفتارند ماهیانه با تحمل

مجبور می‌شود مبلغ بیشتری از یک پوزوان *POLLTA* بپردازد. مثلا در لندن که به محله‌های مختلف که هر یک دارای شهرداریهای خاص خود میباشد، تقسیم گشته است و میزان مالیات بر افراد رانیز شهرداری هر محل با توجه به هزینه‌های خود تعیین می‌کنند سرمایه‌داری که در خانه مجلی در فلان محله لندن زندگی می‌کند باید همان مقدار مالیات بپردازد که کارمندی در این محله با گرفتن وام از بانک و با قبول تضییقاتی خانه‌ای برای خود ست و پانصد است و یا ممکنست سرمایه‌داری که در خانه اعیانسی اش در محله‌ای در ناز و نعمت بسر میبرد حتی کمتر از کارگری مالیات بپردازد که در محله‌ای دیگر در خانه محقری اجاره نشین می‌باشد. بنا براین مطابق قانون مالیاتی جدید اهالی فقیرترین محله‌های لندن با ساکنین مرفه‌ترین مناطق نه تنها بیکسان باید مالیات بپردازند، حتی گاه ممکنست به یک محله فقیرنشین مالیات بیشتری نسبت به محله مرفه‌نشین تعلق بگیرد.

بدین ترتیب معلوم می‌شود که تاجر با ابداع قانون جدید چه امتیاز بزرگی به سرمایه‌داران انگلیسی داده و چگونه سهم مالیاتی را که آنها به نسبت ثروت خود می‌بایست بپردازند بدون کارگران و توده‌های زحمتکش سرکشان نموده است.

علت اخذ مالیات از طرف شهرداریها در چهار چوب سیاستی صورت می‌گیرد که دولت تاجر تحت عنوان ضرورت تضعیف نقش دولت در امور اقتصادی و صرفه جویی در هزینه‌های دولت و با شعار رشد اقتصاد آزاد و رقابت آزاد در صدد پیشبرد آن میباشد. اگر در گذشته قامین امکانات اجتماعی و رفاهی در سطح جامعه به عهده دولت بود که این خود یکی از دستاوردهای توده‌ای و حاصل مبارزات طبقه کارگر با سرمایه‌داران زالوصفت در این کشور بوده است، حال دولت تاجر با قطع کمکهای مالی دولت به شهرداریها و با کاهشی شدید این کمکها آشکارا یورش وسیعی را برعلیه کارگران و زحمتکشان و برعلیه دستاوردهای مبارزاتی آنان سازمان داده است.

مطابق سیستم مالیاتی جدید دولت تاجر به برای تامین امکانات رفاهی و ضروریات اجتماعی و شهرداری هر محل باید هزینه‌های لازم را نه از دولت بلکه از خود اهالی محل کسب نماید. و به عبارت دیگر *POLLTA* مگر در آمد

(۸) لازم به ذکر است که یکی از کانونهای برطانیس مبارزه

برعلیه *POLLTA* همین محله *Benotus* میباشد.

مالیاتی جدید را بدلیل آنکه از تصویب مجلس گذشتہ و بصورت " قانون " درآمده است، ضروری تلقی کسرد. مورد اخیر بر شرایطی صورت گفت که تنها در اسکا تلند صدها هزار نفر با امنای طوماری، پرداخت مالیات جدید را تحریم کرده و اعلام نموده اند که خود از پرداخت آن امتناع خواهند ورزید.

باتوجه به مخالفت توده ای با سیستم مالیاتی جدید و تضعیف موقعیت حزب محافظه کار، حتی بعضی از محافظه کاران با احساس خطر از ست دادن قدرت به صف مخالفین *FOLLTA* کشیده شده اند. موقعیت شخصی تاجر بسیار ضعیف گفته و طبق نظر سنجی های انجام شده، ۷۰٪ از مردم انگلیس اعلام کرده اند که از رای دادن به تاجر و حزب او خودداری خواهند کرد.

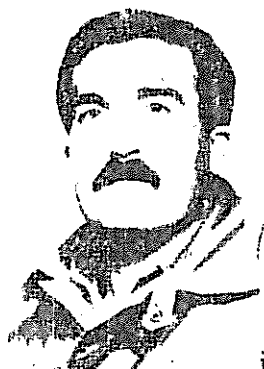
طبقه حاکمه یعنی حادین نظام سرمایه داری در انگلستان اگر چه از *FOLLTA* بمثابه قانونی لازم الاجرا نام میبرند ولی تظاهرات وسیع خیابانی ۳۱ مارس تاثیر خود را در چگونگی اجرای این "قانون" بجای گذاشته و علیرغم اینکه تاجر در پاسخ به این تظاهرات، و قبحانه اعلام کرد " مردم مدتی اعتراض می کنند و بعد فراموششان میشود " (نقل به معنی) ولی حال او دولت محافظه کار، مجبور شده اند در مقابل جنبش توده ای عقب نشسته و اعلام کنند از میزان مبلغ *FOLLTA* کاسته خواهد شد و زمان اجرای آن را هم به عقب خواهد انداخت. این وادیت نشان میدهد که در صورت تداوم جنبش اعتراض بر علیه *FOLLTA* دولت انگلستان مجبور به عقب نشینی است. بیشتری خواهند رسید.



فشارهایی بولی نخیره کرده و قسط می پرداختند. حال با دو برابر شدن مقدار این قسط کمیشان خم گفته است، با این وصف می توان دریافت که اضافه شدن مالیات جدید بدون طبقات و اقشار بائین چه فشاری را به آنها وارد می آورد و در نتیجه از همینجا به علت شکل گیری جنبش وسیع ضد *FOLLTA* و شرکت گسترده مردم در آن پی برد.

FOLLTA و تشنه ای نیروی طبقه حاکمه در انگلستان جنبش توده ای بر علیه سیستم مالیاتی جدید دولت تاجر همچون هر اعتراض وسیع اجتماعی مورد توجه گرایشات مختلف طبقه حاکمه در انگلستان قرار گرفته و هر جناحی از این طبقه کوشید از این جنبش به نفع خود و جهت تسویه حساب با جناحهای رقیب استفاده نماید. حزب کارگر با اعلام مخالفت با قانون مالیاتی جدید تاجر توانست توجه اجتماعی را به خود جلب کند و در شرایط نفرت توده ای از این قانون به تقویت موقعیت خود بپردازد. چنین بود که در انتخابات "میان دوره ای"، حزب کارگر آرائی بیشتر از قبل بدست آورده بطوریکه در یکی از مناطق که در هر رای گیری همواره حزب محافظه کار است بالا را داشت، امسال برای اولین بار حزب کارگر با بدست آوردن حدود ۶۰٪ آراء پیروز شد.

با اینحال هنگامی که جنبش *FOLLTA* اوج گرفت حزب کارگر به انحاء مختلف کوشید از شدت و وسعت گیری آن بکاهد. این حزب نه تنها بطور رسمی نقشی در تظاهرات بزرگ خیابانی ۳۱ مارس نداشت و کوشید خود را از تشکلهای مخالف سیستم مالیاتی جدید که سازماندهنده آن تظاهرات بودند، کنار بکشد. پس از آن نیز در حالیکه خود را همچنان مخالف *FOLLTA* می خواند و کماکان سعی می کرد از اعتراض توده ای نسبت به این امر در رقابت با حزب محافظه کار سود جویده تمام سعی خود را بکار گرفت تا مبارزه و اعتراض مزبور از چهار چوب " قانون " نظام موجود فراتر نرود. در پارلمان انگلیس، حزب کارگر از طرف حزب محافظه کار مورد حمله قرار گرفته و مسبب تظاهرات ۳۱ مارس و بسا بنوا تاجر " جنایات " آتروز دانسته شده ولی این حزب در دفاع از خود ضمن تطهیر پلیس جنایتکار این کشور و تشبیح اعمال خونت آمیز تظاهرات ۳۱ مارس، "آثار بیستها" و "چپها" را عامل آن معرفی نمود و اجرای قانون



چریک فدائی خلق رفیق شهید سلیمان میریلوک

چریک فدائی خلق رفیق شهید جمشید هدایتی

پیام جریکهای فدائی خلق ایران به مناسبت نوروز ۶۹

از صفحه ۴۴

و با قلبی سرشار از امید برای درآغوش گرفتن بهار آزادی، زندگی را از سر میگیرند. بدین سان است که برپائی جشن نوروز از طرف توده‌های ستمدیده ما، امید بیکران انسان به آینده‌ای تابناک را متجلی میسازد. آینده تابناکی که با پیروزی مبارزات سترگ و گسترده و متحد همه خلقهای ایران بر علیه دشمنان اهریمنی - امپریالیسم و سگان زنجیرش - دیر یا زود فرا خواهد رسید.

در سالی که گذشت خلقهای تحت سلطه و ستمدیده ما، بخصوص کارگران و زحمتکشان در زیر حاکمیت سیاه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی کماکان روزهای سخت بر منقشی را گذرانند: بیکاری، فقر، گرسنگی، دربدوری و بی‌خانمانی، بیماری، فقدان یا کمبود درمان و بهداشت، نابسمانی در امر آموزش و پرورش و غیره و غیره همگی دردها و مصائبی بودند که رنج‌های طاقت‌فرسای آنها همچنان برگزیده توده‌های ما سنگینی نمود.

در سال گذشته نیز همچون سالهای پیش سیطره بازار سیاه، زندگی توده‌های زحمتکش را در تنگناهای باز هم بیشتری قرار داد. کمبود و گرانی اجناس که حالا دیگر نماند این اصلی‌ترین غذای مردم ایران را نیز در بر می‌گرفت و عدم برآورده شدن ابتدائی‌ترین نیازها چون آب آشامیدنی که در سال گذشته در بسیاری از نقاط کشور توده‌های رنج‌دیده با آن مواجه بودند، فشارهای زیادی را بر آنان متحمل ساخت. اخاذی از توده‌ها تحت عناوین مختلف همچنان به روال سابق ادامه یافت و با تصمیم آشکار دولت مبنی بر تأمین بخشی از بودجه از طریق اخذ مالیات، آهنگ شدیدتری نیز بخود گرفت.

آنجا که ۹۵٪ از دارائی‌های مملکت تنها در دست ۳٪ از اتحاد جامعه متمرکز یافته و ۵۰٪ جمعیت زیر خط فقر زندگی

می‌کنند، آنجا که تنها در شهر تهران هر شب ۲ میلیون نفر با شکم گرسنه به خواب می‌روند و جاشیکه دیو اختناق و شرایط ترور و خفقان ناشی از حاکمیت امپریالیستی بر زندگی توده‌ها مستولی گشته، تصویری از بار دردها و مصائب آنان در سال گذشته ترسیم می‌شود. وجود ده میلیون بیمار روانی در کشور، افزایش میزان خودکشی در میان کارگران و دیگر طبقات و اقشار ستمدیده خلق، توسعه بیسودی در ابعاد گسترده، بگونه‌ای که طبق آمار دولتی تنها در آذربایجان شرقی ۶۰٪ مردم بیسوادند، و بنا به آمار دیگری ۵ میلیون کودک در سال پیش از راه یافتن به کلاسهای درس محروم مانده‌اند و غیره تنها مبین گوشه‌هایی از زندگی نکبت‌زده و فلاکت‌بار توده‌ها در سال گذشته بوده است. در این سال نسیب دانش‌آموزان ما کمبود فضای آموزشی، فقدان یا کمبود چشمگیر امکانات مختلف درسی و فشار حاصل از وجود معلمین دینی و تربیتی و انجمن‌های جاسوسی اسلامی، محتوای غیر علمی دروس را همچنان برگزیده خود احساس نموده و قلب‌آنان از خشم و تنفر نسبت به رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی آکنده تر گشت.

دانشجویان ما در سال گذشته کماکان در میان حصارهای اختناق و محدودیت‌ها و فشارهای ناشی از عملکرد انجمن‌های اسلامی و دیگر ارگان‌های سرکوب و عاملین ظلم و تعدی به حقوق دانشجویان به سر بردند و ما لایحه زنان، آنها را کسب بسا تشدید بحران‌های امپریالیستی و سر شکن شدن بار آن بردوش خلقهای تحت سلطه ما، پیش از همه آماج حملات امپریالیسم قرار گرفته و توسط رژیم مزدور امپریالیست‌ها یعنی رژیم جمهوری اسلامی به بند کشیده شدند، آنها را که با عناوین و توجیحات غیر واقعی و من‌درآوردی و ظاهراً اسلامی مورد همه‌گونه توهین و تحقیر قرار گرفته‌اند، بسی

و حتی بخشی از حصره پاسداران مزدورشان را در لبنان ساکت و به عمل درآوردن مواد افیونی و فروش و بخش آن در سین جوانان آن دیار تامین می‌کند. با اعدام عده کثیری از قاچاقچیان جزا که در شرایط بیکاری و فقر و نداری به این کجراه و ورطه گشاندند شده‌اند، مذبوحانه تلاش کرد تا هم خود را علمدار مبارزه با قاچاق مواد مخدر جلوه دهد و هم به این طریق فضای رعب و وحشت را گسترش بیشتری داده و به اصطلاح قدرت خود را به نمایش بگذارد. درحالی که همه کوشش او به واقع متوجه متمرکز ساختن امر خرید و فروش مواد مخدر در دست خویش و در اختیار گرفتن بازار این مواد سرگردان است.

ایجاد گشت‌های جدید برای کنترل بازار هم بیشتر توده‌ها از جمله تشکیل گشت‌های معادیات که تحت عنوان مبارزه با قاچاق مواد مخدر در همه حال و در همه جا به بازرسی و کنترل مردم می‌پردازند، گوشه دیگری از اقدامات ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی را در سال گذشته در جهت تشدید شرایط ترور و اختناق در سراسر جامعه نمایان می‌سازد. رژیمی که پایه‌های حکومتش بر ظلم و اجحساف و زورگویی بنا شده و مورد انزجار و نفرت بی حد و حصر توده‌های مملوئی ایران قرار دارد و از اینرو بقسوسول مثل معروف از سایه خویش نیز دچار وحشت می‌گردد، درهراس از توده‌ها و رشد جنبش اعتراضی و خیزش انقلابی آنان در سال گذشته نیز همچنان به تنها نیروی مورد اعتماد خویش یعنی ارتش، سپاه پاسداران و دیگر نیروهای سرکوبگر ریز و درشت خویش تکیه نمود و درحالی که سردوشی‌های جدید به مزدوران ارتشی اعطاء می‌نمود و پاسداران نظام‌کننده سرمایه‌داری وابسته را ملینس در او نیفورم‌های تازه تجدید سازماندهی می‌کرده‌آنان را برای یورش به خلق تجهیز و تقویت نمود.

صرف میالنی کلان برای خرید تجهیزات نظامی و عقد قراردادهای سنگین در زمینه احداث کارخانه‌های تسلیحاتی نظیر قرارداد احداث کارخانه تولید موشک ضدتانک با رومانی و خرید مخفیانه مواد شیمیایی از شرکتهای

زنان در سال گذشته نیز همانند سالهای قبل محدودیتهای بسیاری را متحمل شدند. در ازای کار مساوی با مسردان کماکان به زنان کارگرو زحمتکش بدلیل زن بودنشان مزد کمتر پرداخت شد. عدم امکان اشتغال و بیکاری بیش از همه دامن آنها را گرفت. آنها همچنان از بسیاری از حقوق اجتماعی محروم ماندند و مداخله مزدوران رژیم در امور خصوصی‌شان همچنان ادامه یافت. زنان رنج‌دیده مادر سال گذشته نیز درحالی که مجبور به پیوستن خود در حساب به اصطلاح اسلامی بودند، از اذیت و آزار مزدوران چیره‌خوار رژیم حتی درکوچه و خیابان نیز مصون نماندند و دستجات او نباش و اراذل مدام آنها را زیر ضرب و شتم قرار داده و حتی از پاشیدن اسید بروی سر و صورت آنها اجتناب ننمودند.

سالی که گذشت، سال گسترش بازهم بیشتر فساد و دزدی در میان غارتگران حاکم بود. سالی که با تشدید تضادهای درونی هیات حاکمه، بازهم پرونده‌های جدیدی از دزدی و ارتشاء سران حکومتی برملا شد و رسوایی مواردی چون دزدی‌های مربوط به کارخانه رسو از طرف جمعی از به اصطلاح قضات حکومتی ویا دزدی ده تن شمش طلا به رسوایی‌های پیشین جمهوری اسلامی اضافه گشت.

در سال گذشته مظہر یکی از وحشیانه‌ترین شیوه‌های برخورد بورژوازی وابسته ایران نسبت به خاطیان اجتماعی، با نمایندگی رژیم جمهوری اسلامی و تحت عنوان اجرای قوانین اسلام، در قاتلون قماص تجلی یافت و اوج دناست این بورژوازی و چهره خونبار و جنایتکار او را در طرح قماص به طریق سنگسار کردن، بطریق خواب کردن دیوار بر سر شخص، بطریق سوزاندن زنده زنده فرد در کوره‌ای گذاخته، بطریق پرت کردن او از فراز یک بلندی، بطریق کردن زدن با شمشیر و... به نمایش گذاشت. سنگ و نفرت سراسر طبقه انگل و رژیم حامیش، رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی باد!

در این سال، رژیمی که طبل رسوائی می‌رود همای دست اندرکارش در قاچاق مواد مخدر در همه جا به صدا درآمده

برقرار باد اتحاد نیروهای انقلابی و خلقهای سراسر ایران

آب شطهیر برجنايات دؤخيمان رژيم ريخت . اين اقدام رسوا وقابل بيش بيني كهدر واپسين هفته هاي سال گذشته و در ميان هورا كشيدهن دوستان نادان خلق و فرصت طلبان براي سفر اين هيات به ايران صورت گرفت . بيكار ديگرما هيست واقعي مراجع بين المللي اي نظير سازمانهاي مدافع حقوق بشر و سازمان ملل رابه عينه درمقابل كارگران و زحمتكشان ماقرار داد .

در سال گذشته ، خميني بمثابه بيكي از مهره هاي حقير درگاه امپرياليسم ، ديكتاتورى سفاك و خون آشام و اين شاخص برجسته ريا و تزوير و پليدي ، مردوبه لجن زار تاريخ فرو رفت . در اين رابطه بوقهاي تبليغاتي امپرياليستي كوشش هاي آگاهانه و آشكارى رابه خرج دادند تا توده هاي دلشاد مردم را از مرگ ديكتاتور ، سوگوار نشان دهند . ولى چه اينان وجه سازشكاران و كوتاه انديشاني كه تاكنسون ياتوهم يراكني فرارسيدن روز آزادي توده ها رابا مسرگ خميني همراه و مصادف جلوه داده بودند ، در اين مسير جز رسوايي نصيبي نبردند .

سال گذشته سال گسترش مبارزات فدا مپرياليسم و سال خيزش هاي توده اي در اقصي نقاط كشور بود . از او ايل سال گذشته توده هاي ستمديده و جان به لب رسيده ما در هر كجا كه امكان يافتند ، در "دروازه دولت" تهران در "زان" پهبهان در جريان مسابقه فوتبال در "نجس آب ساد" در كورستان هاي بهشت زهرا و ... خشم و كينه بسي نهايست خود را نصبت به رژيم وابسته به امپرياليسم جهسوري اسلامي ابراز داشته و فرياد اعتراض خويش را برعليسه اين رژيم تبهكار هرچه رسا تر سردادند . و بالاخره در ماه هاي آخري سال ، نمايشي از خشم و انزجار توده اي نسبت به رژيم در سطح وسيع وهمزمان با هم وباحدت و شدت هرچه افزونتر در برابر چشمان وحشت زده حكومتيان نشان داده شد . توده هاي مبارز و تهران ما در محله هاي مختلف تهران ، در شهرهاي كوچك و بزرگ ، كشور به خيابانها ريختند و تظاهرات خشماگيني برپا ساختند . آنها با نفرت تمام شعار مسرگ بر خاسته اي و رفسنجاني سردادند و تماوير خميني رذل را در زيرپا هاي خويش لگد مال كردند . به مراكز ستم حمله نمودند . اتوبوس ها و خودروهاي دولتي رابه آتش كشيدهند و ... و ... زبانه هاي آتش خشم توده ها نسبت به رژيم مزدور و جنايتكار جمهوري اسلامي اينچنين در جريان

امپرياليسمي مختلف جهت استفاده براي ساختن بمبهاي شيميايي و ديگر تجهيزات مرگزا - كه توقيف يك محموله از آن مواد خريداري شده از آلمان ، در آبهاي دوبيسي ، موجب افشاي اين امر گرديد - گوشه ديگري از عملکرد ضد خلقسي رژيم وابسته به امپرياليسم جمهوري اسلامي ، در سال گذشته را نشان مي دهد و آشكار مي سازد كه چگونه اين رژيم وابسته در شرايطي كه از كمبود ارز و شرايط بد اقتصادي خود مي نالد و اخاذيهاي گوناگون و گرفتن باج و خراج از توده ها را با اين امر توجيه مي نمايد ، بودجه مملكتي را صرف تسواي نظامي و تقويت نيروهاي سر كويگر خويش مي كند .

در عين حال درطي سال گذشته بود كه با ايجاد تغييراتي چند در قانون اساسي و انجام اقداماتي نظير ادغام وزارت سپاه پاسداران و وزارت دفاع در ارگاني تحت عنوان وزارت دفاع و پشتيباني نيروهاي مسلح و همچنين لغو مقام نخست وزيري و تقويت اقتدار رياست جمهوري سردمداران رژيم به ايجاد تمرکز هر چه بيشت در دستگاه حكومتي مبادرت کرده و كوشيدند با قدرت و انسجام هر چه بيشتري در مقابل توده ها عرض اندام نموده ويورش وحشيانه ديگري رابه خلقهساي ستمديده ايران سازمان دهند . در اين سال با انتصاب هاي جديد در قوه قضائيه و كماشتن لاجوردي بمثابه جلادي منفور به رياست زندانها ، رژيم به تلاش مذبوحانه ديگري در جهت گسترش فضا ي رعب و وحشت در جامعه و ايجاد روحيه ياس و نا اميدي دست زد و در اين مسير با كشتار جمعي ديگر از بهترين و آگاه ترين فرزندان خلق - چه بمثابه انقلابيون اسير سپاهيها ي رژيم و چه تحت عنوان قاچاقچي - حمام خون ديگري برپا ساخت و خانواده هاي بسياري را داغسدار نمود . و اتفاقا در اواخر سال در حاليكه كوس رسوا شسي جلادان رژيم در قتل عام و كشتار و شكسته انقلابيون و توده هاي تحت ستم در هر كوي و برزن به صدا درآمده ، و در شرايطي كه جمهوري اسلامي با دستاني تا مرفق آغشته به خون توده هاي بيگناه رسواي عام و خاص گشته است طي بيك برنامه از قبل طرح ريزي شده ، هيات اعزامي سازمان ملل براي تحقيق در مورد وضع حقوق بشر با تهيه بيك گزارش جمعي از سپاهيهاي رژيم سند برائتي سراي دؤخيمان دست نشانده امپرياليستها در ايران صادر كرد ، و در راستاي سياست امپرياليستي اي كه مدت ها است در صدد لاپوشاني چهره كريه و منحوس رژيم جمهوري اسلامي در سطح بين المللي است ،

و دهقانان از فقدان یا کمبود ابزار و آلات کشاورزی، از بی آبی، از عدم دسترسی به بذرو کود و غیره درمذابند، اگر گرانی در جامعه بیداد می‌کند و تورم به سرز صدرصد رسیده است، اگر اعتیاد، دزدی و فحشاء رواج هرچند کم‌تر شده است، و بالاخره اگر اختناق یا شدت هرچه تمامتر سیاهی خود را بر سرپن ما گسترانیده و هراس و وحشت از رشد جنبش انقلابی در شرایطی چنین وخامت‌بار دولت را به مداخله در خصوصی‌ترین امور توده‌ها جهت کنترل آنان وادار کرده است و غیره و غیره همه اینها بدلیل برقراری سیستم سرمایه‌داری وابسته در ایران و حصول وابستگی‌ها ما در شئون مختلف به سیستم جهانی امپریالیسم می‌باشد، سیستمی که امروز بدلیل گرفتار آمدن در بحران سخت باعث معاشرتی بمراتب بیشتر از گذشته و وارد آمدن فشار هرچه سنگین‌تر به کارگران و زحمتکشان و توده‌های ستمدیده بخصوص در کشورهای تحت سلطه و وابسته‌ای چون ایران گشته است. بنا بر این اگر قرار است کرده‌های خلق‌های ما از بار ستم و مظلومیت بشمار رها شود، اگر بایستد نقطه پایانی به شرایط نکبت‌بار زندگی توده‌ها گذاشت و اگر بایستد زنجیرهای اسارت و بردگی زحمتکشان و خلق‌های تحت ستم ما از هم گسسته شود و اگر قرار است و بایستد بهار آزادی کارگران و زحمتکشان و توده‌های رنج‌دیده ما هرچه زودتر فرارسد و جشن سرخ و باشکوه بهاری. خسته از طرف ستمدیدگان برپا گردد، پیش از هر چیز باید سلطه اهریمنی امپریالیست‌ها و رژیم مزدور جمهوری اسلامی، به نیروی لایزال توده‌ها از مبهن ما برافکنده شود. بیه برای کشودن پروازهای سعادت و خوشبختی، برای تحسین خواسته‌های برحق توده‌ها، برای درآغوش گرفتن بهار آزادی، تنها یک راه وجود دارد، راه قطع قطعی نفوذ امپریالیسم و نابودی سیستم سرمایه‌داری وابسته در ایران. تا زمانی که دست امپریالیسم از شئون مختلف جامعه ما کوتاه نگشته و نظام جا برانه سرمایه‌داری وابسته همچنان در ایران برقرار است، تا زمانی که این چرتومه‌های کشیف دزد و فساد باقی هستند، تصور رهایی از قید و بندها و مظلومیت موجود، توهمی بیش نیست. تا وقتی ریشه درد باقی است بیماری نرمانده ۱۴

تظاهرات گسترده سراسری بشمار بیش درآمد و اینچنین استحکام بیوند مبارزاتی آنان را آشکار ساخت. این مبارزات بمثابه انعکاس بخشی از قدرت لایزال توده‌ها و نیروی همبسته آنان، لرزه براندام دشمنان انداخت و به دشمنان نشان داد که علیرغم صرف بودجه‌های کلان برای تقویت نیروهای سرکوبگر، خویش و سرکوب هرچه وحشیانه‌تر کمترین اعتراضات توده‌ها و خفه کردن هر فریاد مبارزاتی در گلی آنان و برغم تمام دسیسه‌های وی جهت تضعیف روحیه مبارزاتی مردم رنج‌دیده ما، آنها از چه بتانسیل و انرژی انقلابی عظیمی برخوردارند. بدین گونه توده‌های ستمدیده و مبارز ایران، امسال با فرو شکوه حامل از مبارزات قهرمانانه خویش، به استقبال نوروز رفتند.

بله هر جا ظلم هست مقاومت هم هست. مبارزه هم هست. و بایدها نیست که تلاش دشمن برای مهار این مبارزه هر چند ممکنست در کوتاه مدت نتیجه‌ای نماید او سازد و لسی بالاخره تلاش مذبحخانه و عینی بیش نیست، چرا که دلایل عینی معتبری سرمنشأ چشمه جوشان مبارزات خلق‌های ما است. توده‌های ما بتانسیل عظیم مبارزاتی خویش را از سلطه جنایت‌بار امپریالیسم بر ایران، از شرایط دهشتناک و طاقت‌فرسائی که بدست‌ار و سگان زنجیریش در جامعه ما حاکم گشته، اخذ می‌نمایند.

آنچه در سطوح فوق به اختصار در مورد شرایط زندگی توده‌ها در جامعه ایران گفته شده تنها گوشه‌هایی از سیمای جامعه تحت سلطه ما را در سالی که گذشت بیان می‌نمایند. تحت سلطه امپریالیسم بودن جامعه ما و حاکمیت نظام سرمایه‌داری وابسته در ایران بانی و سبب همه مآل‌سبب بدبختی‌ها نیست که هر دم به عناوین و اشکال مختلف بر سر توده‌های رنج‌دیده ما فرو می‌ریزد. اگر کارگران ما بسودن اینکه رژیم مسئولیتی در قبال آنان متقبل شود گروه‌گروه از کار اخراج و به اردوی بیکاران می‌پیوندند، اگر در کارخانه‌ها با استثمار کارگران در علاحد خود جریسان دارد و شرایط کار طاقت‌فرسائی به آنان تحمیل شده است. اگر روستاهای ایران بگونه‌ای که حتی سردمداران رژیم غسود گاه و بیگاه اعتراف می‌نمایند به ویرانی کشیده شده

مرف بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی

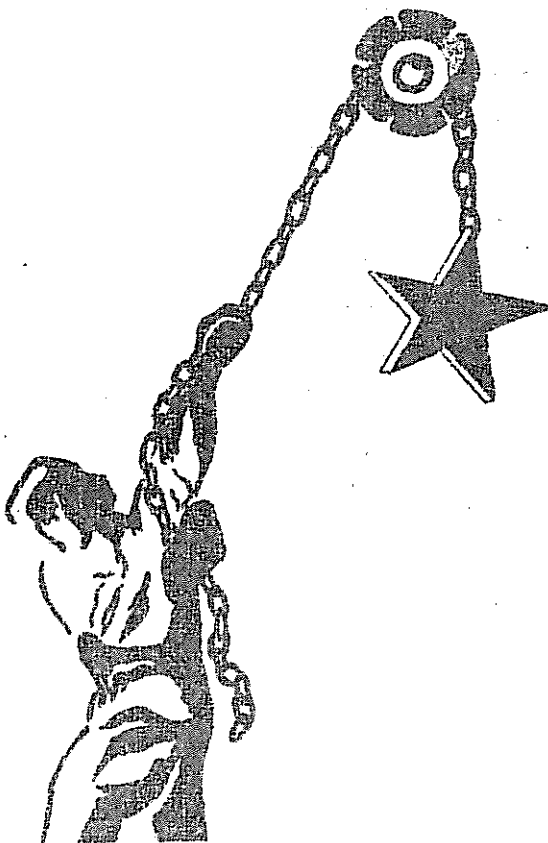
پیام چریکهای فدائی خلق ...

از صفحه ۸

در این بیکار طولانی و خونین، شما هیچ چیز جز زنجیرهای پایتان را ندارید که از دست بدهید و در عوض آنچه که پس از طلوع خورشید روغن پیروزی و در پیشاپیش صفوف تمامی توده‌های ستمدیده به دست خواهید آورد، دنیائی نوین و آزاد و سرشار از برابری و عدالت اجتماعی، یعنی دنیای سوسیالیسم و کمونیسم خواهد بود. در آستانه اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر، صحن تبریک این روز تاریخی به کارگران آگاه و مبارز میهنمان، بار دیگر خاطره جانبازیهای تمامی کارگران شهیدی که در جریان بیکار بین اردوی کار و اردوی ستم و سرمایه‌داری خون خود را وثیقه رهائی معرومان کردند را گرامی می‌داریم و برای طبقه کارگر قهرمان ایران در پیشبرد مبارزه انقلابی با رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی آرزوی موفقیت‌های هر چه بیشتر می‌کنیم.

جاودان باد خاطره تمامی کارگرانی که در راه آزادی طبقه خویش
قهرمانانه بر علیه سرمایه‌داران جنگیدند و جان باختند!
مرگ بر امپریالیسم و سگهای زنجیرساز!
مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!

با ایمان به پیروزی راهمان
چریکهای فدائی خلق ایران
اردیبهشت ماه ۶۹



گرامی باد خاطره
رفیق شهید علی
اکبر جعفری از
رهبران کیسری
پا زمان چریکهای
فدائی خلق
ایران



چریک فدائی خلق رفیق شهید
غیرین (فضیلت کلام) معاضد



بیباک کارگران شهید
"جهان چیست"

۰۵/۲/۲۵	لادن آل آقا
۰۵/۲/۲۵	احمد رضا قنبرپور
۰۵/۲/۲۷	محمود غرم آبادی
۰۵/۲/۲۷	مصطفی حسن پور امیل
۰۵/۲/۲۷	فریده غروی
۰۵/۲/۲۷	تورج اشقری
۰۵/۲/۲۸	بهروز ارمنانی
۰۵/۲/۲۸	اسماعیل عابدی
۰۵/۲/۲۸	زهره منیرشانه چی
۰۵/۲/۲۸	حسین فاطمی
۰۶/۲/۱	عبدالله پنجه شاهی
۰۶/۲/۴	نسرین پنجه شاهی
۶۱/۲/۱۲	موسی (ایرج) مکاری
۶۱/۲/۱۲	مهتد معتمد کیوان
۶۵/۲/۳۰	مرتضی مداح (کاک شهاب)

"هزاران هزار شهید، جان خود را در راه منافع خلق قهرمانانه فدا کرده اند، بگذار درفش آنها را برافرازیم و در راهی که با خون آنها سرخ شده است، به پیش رویم!"
(ما شوتسه دون)



عهدای فروردین و اردیبهشت ماه

چریکهای فدائیی خلق ایران

روز شمار فروردین و اردیبهشت ماه

۶۱/۱/۴ - شهادت رفیق محمد حرمتی پور از رهبران چغنا (آرغا) و چهار تن از همزمانی.
۵۸/۱/۵ - حمله به مردم سنندج (نوروز خونین)
۵۸/۱/۶ - حمله به خلق ترکمن (جنگ اول گنبد)
۵۹/۱/۲ - قتل عام اهالی بیدفاسع روستای قلاتان در کردستان

۰۵/۲/۱۸	خلیل سلماسی نژاد
۰۵/۲/۲۳	کاظم سعادت
۵۳/۲/۶	شیرین فضیلت کلام (معاذ)
۵۳/۲/۶	مرضیه احمدی اسکوتی
۵۴/۲/۲	علی اکبر (فرینون) جعفری
۵۴/۲/۱	هادی فرجاد
۵۴/۲/۱۴	حبیب الله مومنی
۵۴/۲/۲۰	محمود نمازی
۵۴/۲/۲۰	منصور فرییدی
۵۴/۲/۲۵	فرهاد صلیقی باشاکی
۵۴/۲/۲۵	مهوش حاتمی
۵۴/۲/۲۵	محمد رضا قنبرپور
۵۴/۲/۲۵	فرزاد نادگر
۵۴/۲/۲۵	عزت غروی (رفیق مادر)
۵۴/۲/۲۵	قربانعلی زرکاری
۵۴/۲/۲۵	ناصرشایگان شام آسیبی
۵۴/۲/۲۵	ارژنگ شایگان شام آسیبی
۵۴/۲/۲۵	جهانگیر باقرپور
۵۴/۲/۲۵	هوشنگ اعظمی لرستانی

۰۵/۱/۲۶	رقا: جواد سلاهی
۵۴/۱/۳۰	بنوژن جزئی
۵۴/۱/۳۰	حسن ضیا * ظریفی
۵۴/۱/۳۰	محمد چوپا نژاده
۵۴/۱/۳۰	احمد جلیل افشار
۵۴/۱/۳۰	عزیز سمردی
۵۴/۱/۳۰	مشعوف (سعید) کلانتری
۵۴/۱/۳۰	عباس سورکی
۵۴/۱/۲۷	محمد معصوم خانی
۵۴/۱/۲۳	خشیار سنجری
۵۵/۱/۱۸	حمید اکرامی
۵۵/۱/۲۹	محمد رضا کامیابی
۵۶/۱/۴	علی میرابیون
۵۶/۱/۹	یدالله سلسبیلی
۵۶/۱/۱۰	پریدخت (غزال) آیتی
۵۶/۱/۱۰	سیمین پنجه شاهی
۵۶/۱/۱۰	عباس هوشمند
۶۶/۱/۲۲	جمشید هدایتی (کاک اسماعیل)
۶۶/۱/۲۲	سلیمان میر بلوک (کاک فانر)

هواچه برافراشته تر باد پرچم خونین چریکهای فدائیی خلق

پیام فدائی

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

سال پنجم

شماره: ۲۲ - فروردین و اردیبهشت ۶۹

- ۱/۲۸ / بیروزی انقلابیون کامبوج ۱۹۷۵
- ۲/۱۱ / قیام کارگران قهرمان شیکاگو ۱۸۸۶
- ۱/۸ - تولد ماکسیم گورکی ۱۸۶۸
- ۱/۱۰ / روز اشغال فلسطین (روز زمین) ۱۹۷۶
- ۱/۲۹ / یورش به سندج (جنگ یکماهه) و آغاز یورش گسترده دوم به کردستان
- ۱/۱۰ / شهانت قاضی محمده صدر قاضی و سیف قاضی از رهبران جنبش سالهای ۲۵-۲۲ کردستان
- ۲/۲۹ / آغاز کار را یومنای چریکها روز شمار اردیبهشت ماه
- ۱/۱۲ / قیام محمد تقی خان پسیان
- ۲/۱ / حمله به دانشگاههای سراسر کشور و کشتار دانشجویان مبارز
- ۱/۱۲ / قیام ۱۳۰۰ / انقلابی سپهبد فرسیو توسط چریکهای فدائی خلق ایران
- ۲/۲ / تولد لنین ۱۸۷۰
- ۲/۵ / قتل عام ارامنه در ترکیه ۱۹۱۵
- ۱/۱۶ / برگذشت پروین اعتماسی
- ۲/۷ / اعتصاب کارگران نفت جنوب
- ۱/۲۰ / قتل عام عدها تن فلسطینی در بئریاسین ۱۹۴۸
- ۲/۸ / سرکوب اعتصاب کارگران جهان جیت و شهانت کارگران قهرمان و جبهه الله چشم افروزه علی کارگر و حسین نیکوکار
- ۱/۱۷ / قیام شیخ محمد خیابانی در آذربایجان
- ۲/۹ / تشکیل دولت ملی دکتر مصدق و تصویب قانون خلع ید
- ۱/۱۷ / حمله به کلانتری قلهک (تهران) توسط چریکهای فدائی خلق ایران
- ۲/۱۰ / پیروزی انقلاب ویتنام (فتح سایگون) ۱۹۷۵
- ۱/۲۲ / ترور املیا نازاریانا ۱۹۱۹
- ۲/۱۲ / نبرد نین بین فو ۱۹۵۳
- ۱/۲۳ / اعتصاب تاکسیرانسان تهران
- ۲/۱۶ / تولد کارل مارکس ۱۸۱۸
- ۲/۱۷ / نبرد نین بین فو ۱۹۵۳
- ۲/۱۶ / قیام محمد تقی خان پسیان
- ۲/۱۶ / تولد هوشی مین ۱۸۹۰
- ۲/۱۶ / تولد کارل مارکس ۱۸۱۸
- ۲/۱۶ / نبرد نین بین فو ۱۹۵۳
- ۲/۱۶ / قیام محمد تقی خان پسیان
- ۲/۱۶ / تولد هوشی مین ۱۸۹۰



هرچه بیشتر آگاهی آنها کمک کرده و تجزیه دیگری از سیاستهای نواستعماری امپریالیستها به نمایندگی گذارد آگاهی انقلابی ای که سرانجام در بستر مبارزه مسلحانه ای طولانی به نیروی ماسادی عظیمی بدل گشته و ریشه تمامی دشمنان خلقهای قهرمان ما و در رأس آنها رژیم جمهوری اسلامی و اربابان امریکانیست را از بوخ و بن از میهن تحت سلطه مان برخواهد کند.



اسلامی و اربابان امریکانیست در طول سالها همواره کوشیده اند تا آنرا از اذهان توده های آگاه و مبارز ما پنهان سازند و بز فریبکارانه و شیادانه ضد امپریالیستی رژیم جمهوری اسلامی را همچنان حفظ کنند.

اما به رغم تمامی این تلاشهای فریبکارانه و چهره دشمن اصلی خلقهای ما و ماهیت سرسپرده رژیم جمهوری اسلامی امروز دیگر بیش از پیش برای توده های ما روشن شده و فاش شدن جزئیات بیشتری از توطئه مشترک بین امپریالیزم امریکایی و رژیم جمهوری اسلامی در نمایش اشغال سفارت امریکا به نوبه خود به ارتقا

درباره مضحکه اشغال سفارت امریکا

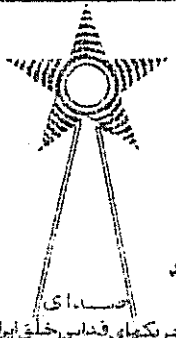
از صفحه ۲۴
یعنی ریگان و بوش و بارودسته شان به بیروزی رسیدند گروهگانه را آزاد کرد و بدین ترتیب نقش مهمی را در تقویت موضع آنها در هیات حاکمه امریکا ایفا نمود آنچه که در فوق مختصراً برشمردیم شد سرور کوتاهی برکنه آن واقعه های مبارزاتی ای بود که در پشت تاکنسک محیله امپریالیزم امریکا و رژیم مزدور جمهوری اسلامی بر علیه خلقهای ما جریان داشت و سران رژیم جمهوری



پیام
چریکهای فدائی خلق ایران
به مناسبت نوروز ۶۹

۲ اردیبهشت ماه سالگرد تولد لنین سازمانده
کبیر انقلاب اکتبر و رهبر بزرگ کارگران
سراسر جهان گرامی باد.

"عید سمیدو باستانی نوروز به خلقهای
قهرمان ایران مبارک باد"
امسال نیز خلقهای مبارز ما بزغم
خواست دشمن و بنایه رسم هر سال ،
عید نوروز این سنت دیرپا را گرامی
میدارند. نوروز را که با بهار سبز و
طرب انگیزش بشارت ده شادیا ، احیاگر
نشاط ، تحرک و سرزندگی و سمبل پیروزی
زیبائیها برزشتیها ، زندگی بر خمود و
مردگی و غلبه روشنائی بر تاریکیهاست.
سپری گشتن عمر زمستان سردو تاریک
و فراروشی بهار خجسته ، جشنی را
می طلبید. جشن بزرگداشت سراز فصل
بهار ، نوروز را مردم ما با برپائی این
جشن به بهار خوش آمد می گویند و
در صفحه ۳۲

<p>با کمکهای مالی خود چریکهای فدائی خلق ایران را یاری رسانید</p>	<p>در تکثیر آثار سازمانی بکوشید</p>
 <p>ساعات پخش : ۹ شب و ۶ صبح و ۱۲ نهار روز بعد ردیف ۷۵ متر چریکهای فدائی خلق ایران</p>	<p>برای تماس با چریکهای فدائی خلق ایران با نشانی های زیر مکاتبه کنید:</p> <p>انگلستان فرانسه</p> <p>F. S. B. P. _ 181 BM BOX 5051 75623 PARIS LONDON CEDEX 13 WCIN 3XX FRANCE ENGLAND</p>

برقرار باد جمهوری دیمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!